

دانشجویان دانشکاه صنعتی شریف:

دیگر نمی خواهیم سرنوشتمان را یک «امر حکومتی» رقم بزند

● مخالفت‌ها با ولی فقیه در بین مردم و نیروهای اصلاح طلب حکومتی در حال افزایش است

● فشار علیه مجلس شورا و نمایندگان اصلاح طلب بطور بی سابقه‌ای شدت یافته است

● سخنگوی شورای نگهبان: شورای نگهبان موظف است صلاحیت نمایندگانی را که به اسلام و ولایت فقیه التزام عملی

نشان نمی‌دهند، سلب نماید

فرمان ولی فقیه برای متوقف کردن بررسی طرح مطبوعات در مجلس شورا بازتاب وسیعی در سطح جامعه پیدا کرد. بازاریان مدافع جمعیت مولفان اسلامی و انصار حزب‌الله جلوی مجلس شورا گرد آمدند، علیه نمایندگان معترض ناسزا گفتند و از کروی و اقدام او دفاع کردند. به دنبال آن، ارگان‌ها و نهادهای مختلف مدافع ولایت فقیه در دفاع از خامنه‌ای موضع گرفتند و کار رئیس مجلس را در خارج کردن طرح مطبوعات از دستور کار مجلس ستودند. مطبوعات وابسته به

اقتدارگرایان به انتقاد از نمایندگان مجلس معترض پرداختند و با نسبت دادن اتهامات متعدد به آنها، مجلس شورا را تهدید به انحلال کردند. و سرانجام رضا استادی، سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد که اگر نمایندگان مجلس در طول دوره نمایندگی نسبت به اسلام و ولایت فقیه عدم التزام عمل نشان دهند، شورای نگهبان وظیفه دارد که عدم صلاحیت آنان را به مردم اعلام کند. او در مقاله‌ای تحت عنوان «یک پرسش مهم حقوقی» که در روزنامه جمهوری اسلامی

منتشر شد، تاکید نمود که مجلس شورای اسلامی هم نباید کسانی را که از نظر شورای نگهبان دارای صلاحیت نیستند و عدم پایبندی آنان به اسلام و ولایت فقیه و قانون اساسی کشف شده است، نمایندگی مردم به شمار آورد. جنتی دبیر شورای نگهبان نیز همین سخنان را در نماز جمعه هفته گذشته اعلام کرد. مجلس شورا در این دو هفته اخیر تحت شدیدترین فشارها و تهدیدها قرار داشت و بیشترین ناسزا علیه نمایندگان اصلاح طلب بیان شد. در طول عمر جمهوری اسلامی سابقه

ندارد که مجلس شورا در این ابعاد تحت فشار قرار گرفته باشد. با این وجود اکثریت نمایندگان مجلس شورا در مقابل فشارها و تهدیدها ایستادند و بر مواضع خود برای تداوم اصلاحات پای فشردند. در همین راستا ۱۶۱ تن از نمایندگان مجلس در نامه‌ای خطاب به ملت به اعتراض علیه موج فرایند تخریب علیه مجلس شورا برخاستند و گفتند: «ما نمایندگان مجلس اطمینان داریم که غوغاسالاری‌ها و جوسازی‌های اخیر، ذره‌ای تاثیر در اراده مردم متعدد و آگاه ایران اسلامی برای

ادامه روند اصلاحات نخواهد داشت و به پاره‌ای از جریان‌های متحجر و فرصت طلب نصیحت می‌کنیم و هشدار می‌دهیم که از تلاش بیهوده برای ناامید ساختن مردم از اصلاحات دست بردارند». امضاکنندگان نامه پشتیبانی خود را از کمیسیون فرهنگی و نمایندگان معترض اعلام داشتند. در عین حال نامه ولی فقیه به نمایندگان مجلس شورا، زمینه را برای اعتراضات علیه او در بین مردم و نیروهای اصلاح طلب فراهم ساخته است. مردم به زبان‌های مختلف در تجمع‌هایشان زبان به اعتراض علیه خامنه‌ای می‌گشایند و او را زیر ضرب می‌برند. این مخالفت‌ها در موضع‌گیری نیروها نیز مشاهده می‌شود. نامه ۱۶۱ تن از نمایندگان در دفاع از تداوم اصلاحات در همین راستا بود. اکثریت نمایندگان بدون اینکه از نامه «رهبر» حمایت کنند، از کمیسیون فرهنگی که خامنه‌ای طرح آن را مغایر مصالح نظام تلقی کرده بود، پشتیبانی نمودند. این نامه در ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

روزنامه بهار توقیف شد

به فرمان ولی فقیه سرکوب

روزنامه‌های مستقل ادامه دارد

در صفحه ۲

تلگرام کمیته دفاع از حقوق قربانیان

قتل‌های زنجیره‌ای

به رئیس قوه قضائیه

کمیته دفاع از حقوق قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای با ارسال تلگرامی به رئیس قوه قضائیه از روند آغاز شده جهت رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای انتقاد کرد.

در بخشی از این تلگرام با اشاره به نزدیک بودن زمان برگزاری دادگاه متهمان قتل‌های زنجیره‌ای آمده است این پرونده مسئله تمامی ملت ایران است و منحصر به خانواده‌های فرور و پوینده و مختاری نمی‌شود

پرونده با این اهمیت پس از گذشت نزدیک به دو سال نمی‌توان به این سادگی برخورد نمود و دادگاه آن را نیز علنی برگزار کرد.

در بخش دیگری از این تلگرام تصریح شده است: خبر برگزاری این دادگاه گفته دبیر شورای امنیت ملی در چندین ماه پیش را به یاد می‌آورد مبنی بر اینکه پرونده قتل‌های زنجیره‌ای باید به دو بخش اطلاعاتی و

قضائی تحریر شود و بخش قضائی آن هر چه زودتر مورد رسیدگی و اعلام حکم قرار گیرد. این کمیته از اینکه جنبه اطلاعاتی این پرونده که در واقع بخش اصلی پرونده است برای همیشه از چشم مردم ایران دور بماند اظهار نگرانی کرده است و متذکر شده است با این روند ریشه‌های این مفسده از بین نمی‌رود. کمیته دفاع از حقوق قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای در پایان از رئیس قوه قضائیه تقاضا نموده تا تشکیل این دادگاه هرچه سریع‌تر متوقف شود.

امضاکنندگان تلگرام: فرزانه اسکندری، مریم حسین زاده (مختاری)، محسن حکیمی، فریبرز رئیس دانا، ناصر زرافشان، حسین شاه حسینی، سیما صاحبی (پوینده)، احمد صدر حاج سید جواد، پرسو فرور، ارش فرور، منصور فرومند، علی اصغر گلرخ، سیاوش مختاری، و علی اکبر معین فر.

تشکیل انجمن خانواده‌های

روزنامه‌نگاران زندانی

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات و انجمن روزنامه‌نگاران زن برگزار می‌شود. این انجمن شامل خانواده‌های آقایان عمادالدین باقی، ماشالله شمس‌الواعظین، عبدالله نوری، سعید بهنود، احمد زیدآبادی، عزت‌الله سحابی، لطیف صفری، محمد قوچانی، محسن کدیور، اکبر گنجی، سیدابراهیم نبوی و حسن یوسفی اشکوری می‌باشد.

خانواده‌های روزنامه‌نگاران زندانی گرد هم آمدند و انجمن خانواده‌های روزنامه‌نگاران زندانی را تشکیل دادند. آنها تصمیم گرفته‌اند که با تجمع‌های دورهای و برگزاری مراسم مذهبی و نیایش برای آزادی عزیزان خود تلاش کنند. مراسم آنها با شرکت جمعی از نمایندگان اعضای زن نهادهای صنفی مانند انجمن صنفی روزنامه‌نگاران،

انجمن خبرنگاران بدون مرز:

ایران یکی از بزرگ‌ترین زندان‌ها

در جهان برای خبرنگاران شده است

در صفحه ۳

وعده‌های بی پایه معاون قضائیه زخم‌های جامعه مطبوعاتی را تشکیل نمی‌دهند

اعضای هیات رئیس مجلس، سخنان هادی مروی معاون رئیس قوه قضائیه که در باره احتمال رفع توقیف از روزنامه‌ها، در بیانیه‌ها و تحلیل‌های برخی از نیروهای اصلاح طلب این نظر قوت گرفته که در اقدام کودتائی تمامیت‌گرایان علیه مطبوعات و روزنامه‌نگاران، آیت‌الله شاهرودی و «مدیریت کلان قوه قضائیه» مسئولیتی نداشته و سخنان معاون رئیس قوه قضائیه «گامی مثبت» و «نقطه شروعی خوب» برای اصلاح عملکرد قوه قضائیه می‌باشد. ابراز امیدواری و اعتماد به وعده‌های معاون رئیس قوه قضائیه را هم در بیانیه‌های جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌توان دید و هم در سخنان رهبران این دو حزب و

بعد از انتشار سخنان هادی مروی معاون رئیس قوه قضائیه در باره احتمال رفع توقیف از روزنامه‌ها، در بیانیه‌ها و تحلیل‌های برخی از نیروهای اصلاح طلب این نظر قوت گرفته که در اقدام کودتائی تمامیت‌گرایان علیه مطبوعات و روزنامه‌نگاران، آیت‌الله شاهرودی و «مدیریت کلان قوه قضائیه» مسئولیتی نداشته و سخنان معاون رئیس قوه قضائیه «گامی مثبت» و «نقطه شروعی خوب» برای اصلاح عملکرد قوه قضائیه می‌باشد. ابراز امیدواری و اعتماد به وعده‌های معاون رئیس قوه قضائیه را هم در بیانیه‌های جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌توان دید و هم در سخنان رهبران این دو حزب و

اعضای هیات رئیس مجلس، سخنان هادی مروی معاون رئیس قوه قضائیه که در باره احتمال رفع توقیف از روزنامه‌ها، در بیانیه‌ها و تحلیل‌های برخی از نیروهای اصلاح طلب این نظر قوت گرفته که در اقدام کودتائی تمامیت‌گرایان علیه مطبوعات و روزنامه‌نگاران، آیت‌الله شاهرودی و «مدیریت کلان قوه قضائیه» مسئولیتی نداشته و سخنان معاون رئیس قوه قضائیه «گامی مثبت» و «نقطه شروعی خوب» برای اصلاح عملکرد قوه قضائیه می‌باشد. ابراز امیدواری و اعتماد به وعده‌های معاون رئیس قوه قضائیه را هم در بیانیه‌های جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌توان دید و هم در سخنان رهبران این دو حزب و

هشدار:

پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را نگذاریم فراموش شود

روزنامه‌نگاران خبر داده است که پرونده قتل‌های زنجیره‌ای آماده کیفرخواست است و دستوردهندگان و اجراکنندگان قتل‌ها با صراحت به عمل خود اعتراف و اقرار کرده‌اند و الان نیز اقرار خود را انکار نمی‌کنند. تهران تایمز نیز به نقل از منابع نزدیک به رئیس قوه قضائیه نوشت: «وزارت اطلاعات پرونده را در اختیار دارد و آن را به قوه قضائیه نمی‌دهد».

روزنامه‌نگاران خبر داده است که پرونده قتل‌های زنجیره‌ای آماده کیفرخواست است و دستوردهندگان و اجراکنندگان قتل‌ها با صراحت به عمل خود اعتراف و اقرار کرده‌اند و الان نیز اقرار خود را انکار نمی‌کنند. تهران تایمز نیز به نقل از منابع نزدیک به رئیس قوه قضائیه نوشت: «وزارت اطلاعات پرونده را در اختیار دارد و آن را به قوه قضائیه نمی‌دهد».

تلاش تمامیت‌گرایان برای بایگانی کردن پرونده قتل‌های زنجیره‌ای در ماه‌های اخیر وارد مرحله هشداردهنده‌ای شده است. بعد از مساعها سکوت معنی‌دار، اخباری که در روزهای اخیر از زبان رئیس و معاون قوه قضائیه در باره این پرونده چاپ شده، چنان مستناقض است که خواننده نمی‌داند کدام خبر درست و کدام یک نادرست است. معاون قوه قضائیه در گفتگو با

ولی فقیه در کانون کشمکش‌ها

فرمان خامنه‌ای برای متوقف کردن طرح مطبوعات در مجلس شورا و تقابل او با خواست عمومی مردم کشور ما، وضعیت جدیدی را در صحنه سیاسی کشور به وجود آورده است. خامنه‌ای که بعد از انتخابات مجلس شورا و شکست مفتضحانه تمامیت‌طلبان و رفسنجانی در آن انتخابات، سکان مبارزه علیه جنبش اصلاح طلبی را به دست گرفته بود و می‌کوشید اقداماتش را از کانال قوه قضائیه، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش ببرد، زمانی که آنها را ناکارا از پای کرد، شخصا وارد میدان شد و با ارسال نامه به رئیس مجلس و نمایندگان، جلوی تصویب طرح مطبوعات را گرفت و بدین ترتیب بی‌برده و عریان در مقابل جنبش اصلاح طلبی ایستاد. او این بار مجبور شد که از پشت صحنه به جلوی صحنه بیاید. از ابتدا مشخص بود که پیشرفت اصلاحات در کشور ما سرانجام نظام سیاسی ولایت فقیه را به چالش خواهد طلبید و دیو یار زود ولی فقیه در کانون این چالش قرار خواهد گرفت. چرا که ساختار سیاسی ولایت فقیه با جمهوریت و مردم‌سالاری در تناقض است.

در طی سه سال اخیر هم خامنه‌ای و هم اصلاح طلبان تلاش می‌کردند که کشمکش‌ها به راس هرم قدرت فراتر نروند و در سطح جناح و نهادهای ارگان‌ها تداوم یابد. هر دو طرف رو در روی مستقیم را به صلاح و به سود خود نمی‌دانستند. ولی خامنه‌ای با این فرمان، بر این روند نقطه پایان گذاشت و بدین ترتیب مشخص گردید که تلاش‌های اصلاح طلبان حکومتی برای دور زدن و یا بیطرف نگه داشتن وی، دیگر کارایی ندارد.

فرمان خامنه‌ای بر توهم پراکنی وی نسبت به پذیرش اصلاحات و همگامی با آن پایان بخشید و مشخص گردید که او مصمم است روند اصلاحات را متوقف سازد.

اعلام آشکار این موضوع در جامعه‌ای که اکثریت آن به اصلاحات و اصلاح طلبان رای داده‌اند، به معنی رویارویی با اکثریت مردم و نیروهای مدافع اصلاحات است.

پیامد این تقابل بلافاصله در سطح جامعه و در بین نیروهای سیاسی بازتاب یافت. مردم در کوچه و خیابان، در تاکسی و اتوبوس، در صف‌های خرید و اجتماعات، زبان به لعن و ناسزا گشودند و ولی فقیه را به مسخره گرفتند.

در مجلس شورا، عده‌ای از نمایندگان صبور کروی را وادار کردند آنچه را در پشت پرده جریان داشت در صحنه علنی مجلس بیاورد و نامه ولی فقیه را در جلسه علنی قرائت نماید تا مردم بفهمند که او فرمان خارج کردن طرح مطبوعات را از دستور جلسه مجلس صادر کرده است. اعتراضات نمایندگان به خارج شدن طرح مطبوعات از دستور جلسه و نامه بیش از ۱۶۰ نماینده مجلس در تاکید بر پایبندیشان به تحقق خواست‌های مردم، «قدرت» خامنه‌ای را در مجلس شورا شکست و زمینه را برای برخورد با وی فراهم ساخت. این دسته از نمایندگان آشکار «حکم حکومتی» را نفی نمودند و نامه را تنها به عنوان نظر ولی فقیه تلقی کردند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

## آزادی بیان و مطبوعات، خواست میلیونها مردم کشور ما است!

ادامه از صفحه اول

تعطیلی روزنامه‌ها، احضار و دستگیری روزنامه‌نگاران بی‌وقفه ادامه دارد. در دو هفته گذشته ابراهیم نبوی، محمد قوچانی و مسعود بهنود روانه زندان گشتند. روزنامه بهار موقتاً بسته شد، نشریه آوا بالکل تعطیل گردید و مدیر مسئول آن روانه زندان گشت. مدیر مسئول هفته‌نامه گوناگون به دادگاه کشیده شد. به نوشته روزنامه حیات نو شایع است که لیست صدنفره از روزنامه‌نگاران تهیه شده است که به تدریج دستگیر خواهند شد.

به خاطر دستگیری‌ها و شایعات، همانند دوران قتل‌های زنجیره‌ای فضای روانی خاصی در بین روزنامه‌نگاران شکل گرفته است.

این فضای سنگین نگرانی‌های فراوانی را در بین خانواده‌های روزنامه‌نگاران به وجود آورده است. اکثر روزنامه‌نگاران از یک سو به علت تعطیلی روزنامه‌ها به صف بیکاران پیوسته‌اند و قادر نیستند که معاش خانواده‌شان را تأمین نمایند، و از سوی دیگر همواره در اضطراب و نگرانی به سر می‌برند.

برخورد قوه قضائیه و نیروهای تمامیت‌خواه به روزنامه‌نگاران به خاطر نقش و موقعیت مطبوعات مستقل و منتقد است. از دوم خرداد سال ۷۶ به این سو روزنامه‌ها و نشریات مستقل و منتقد در صف مقدم مبارزه علیه تمامیت‌گرایان و خشونت‌طلبان و در مبارزه علیه استبداد قرار داشتند. بار اصلی اصلاحات بر دوش آنها بود. تلاش‌های مستمر روزنامه‌نگاران، زمینه‌ساز شکست فاحش مخالفین اصلاحات در انتخابات مجلس شورا بود. در عدم حضور فعال احزاب سیاسی، مطبوعات هم وظایف حزبی و هم نقش اطلاع‌رسانی را بر عهده داشتند. مخالفین اصلاحات بر این نقش مطبوعات آگاه بودند. از این رو آنها به مجموعه اقدامات دست یازیدند تا از یک سو جلوی راه‌انداختن روزنامه‌ها و نشریات جدید را بگیرند و از سوی دیگر هزینه روزنامه‌نگاری را آنچنان بالا ببرند که کسی جرأت نکند که برای کسب امتیاز روزنامه قدم جلو بگذارد و یا دست به قلم ببرد و مستبدین و باند ثروت و قدرت را افشا سازد.

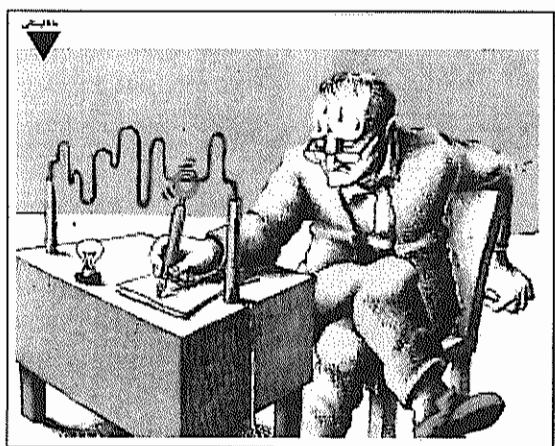
جمهوری اسلامی در دو دهه قبل همین روال را با شدت صد چندین در مورد مخالفین سیاسی و احزاب اپوزیسیون پیش برد و امروز در سطح پائین‌تر در مورد روزنامه‌نگاران به کار می‌گیرد.

اما شرایط ایران با دو دهه قبل بالکل متفاوت است. ممکن است این سیاست در کوتاه‌مدت موثر افتد. ولی در شرایط رشد جنبش دمکراتیک ایران نمی‌تواند کاربرد درازمدت داشته باشد. به گفته مقامات وزارت ارشاد بیش از هزار تقاضا برای اخذ مجوز روزنامه و نشریه به این وزارت‌خانه رسیده است. این رقم بالا، تمایل و خواست شدید جامعه را برای راه‌انداختن مطبوعات مستقل و آزاد نشان می‌دهد.

آزادی بیان و مطبوعات به خواست میلیون‌ها انسان در کشور ما تبدیل شده است. نه فرمان ولی فقیه و نه بگیر و ببند قادر نخواهد شد که این خواست مردم را فرو نشاند.

## دیگر نمی‌خواهیم سرنوشتمان را یک «امر حکومتی» رقم بزنند

ادامه از صفحه اول



مطبوعات وابسته به اقتدارگرایان به عنوان مخالفت با ولی فقیه تلقی شد. برخی از جریان‌های سیاسی در داخل کشور نظیر نهضت آزادی نیز به دفاع از مجلس شورا و اصلاحات برخاستند و مخالفت خود را با خامنه‌ای و اقدام وی نشان دادند.

تشکل‌های دانشجویی نیز در تقابل با نامه ولی فقیه و در دفاع از مجلس شورا موضع گرفتند که برجسته‌ترین آنها نامه سرگشاده دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف بود. دانشجویان در این نامه خطاب به مهدی کروبی است، گفتند:

«مردم ایران از دوران مشروطیت مبارزه کرده‌اند تا دیگر کسی را یارای ایستادن در برابر اراده جمعی آنان نباشد. در این یک‌صد سال خون‌ریخته شده و مردم بارها از طریق مختلف فریاد برکشیدند که دیگر نمی‌خواهیم سرنوشتمان را یک «امر حکومتی» رقم بزنند، ملت ایران مبارزه کرده است تا قدرت‌ها در قدم اول «مشروط» به رای مجلس گردند. و در نهایت با تأسیس نظام «جمهوریت» هم امور را بر اساس رای خویش سامان بخشند. در چنین شرایطی ایستادن شما در برابر رای ملت و انجام عمل غیرقانونی و وتوکردن تصمیم مردم چه وجه و مشروعیتی دارد؟»

دانشجویان، شخص کروبی را مورد خطاب قرار داده و نوشتند: «بی‌شک در تجلی این حضور آگاهانه ملت در انتخابات مجلس شورا، نقش مطبوعات مستقل و آزاد که بی‌هیچ وابستگی به قدرت، نقادانه و شجاعانه بر حقایق انگشت نهاندند و خواب فریبندگان ملت را زیرکانه آشفته ساختند و پرده از دروغ و تزویر انحصارطلبان کنار زدند و نقاب از عملکرد تاریک گذشتگان برداشتند، از یاد نرفته است.

حافظه هوشیار ملت ایران هرگز حضور فداکارانه مطبوعات مستقل را در جریان مجلس ششم فراموش نخواهد کرد که چگونه روزنامه‌نگاران شجاع، با افشاگری‌های خود راه حضور شما و دوستانتان را در مجلس هموار ساختند و در عوض دستمزدی جز دربندی نیافتند.»

### هشدار:

## پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را نگذاریم فراموش شود

ادامه از صفحه اول

پرونده از سازمان قضائی نیروهای مسلح گرفته نشده است. عبادی گفته است امیدوارم دادرسی علنی باشد و فرصت کافی برای مطالعه پرونده در اختیار وکلای پرونده قرار دهند چرا که مسلماً مردم ایران قابل اعتماد هستند و من ابراری برای علنی بودن پرونده نمی‌بینم.

بر اساس گزارش‌های رسمی، رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای توسط یک هیئت منتخب رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه پیگیری می‌شود. نام اعضای این هیئت تاکنون فاش نشده اما طبق اظهارات شیرین عبادی رسیدگی به پرونده به قاضی احمدی سپرده شده است. احمدی همان فردی است که پرونده گنجی را بر عهده دارد و عمادالدین باقی را به ۷ سال زندان محکوم کرده است. احمدی

در برخورد با گروهی از نمایندگان مجلس که برای تحقیق و تفحص به زندان اوین رفته بودند، گفته است: «گنجی عددی نیست» و «شما در مقامی نیستید که بخواهید تعیین تکلیف کنید». گنجی و عمادالدین باقی پیش از این که زندانی شوند با سسماجت و شجاعیت قابل تحسینی، پرونده قتل‌ها را دنبال می‌کردند و با نوشته‌های خود بر تاریک‌خانه اشباح نور می‌انداختند و چهره‌ها را یک به یک به مردم معرفی می‌کردند. در نوشته‌های گنجی عالیجناب خاکستری، سرخ‌پوش، شادکلید و چهره‌هایی هستند که در تاریک‌خانه اشباح به هم می‌رسند و رشته‌های نامرئی آنان را در بیرون با سعید امامی، حسینیان، مصباح یزدی و... ارتباط می‌دهند. فلاحیان، وزیر

اطلاعیه شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) روزنامه بهار توقیف شد

به فرمان ولی فقیه سرکوب

روزنامه‌های مستقل ادامه دارد

روزنامه بهار هم توقیف شد. تنها روزنامه باقی‌مانده از مطبوعات دوم خرداد که از اصلاحات سیاسی دفاع می‌کرد به صف روزنامه‌های توقیف‌شده پیوست. در روزها و هفته‌های قبل نیز تعدادی از روزنامه‌های محلی و هفته‌نامه گوناگون به محاق تعطیلی افتاد و عده‌ای از روزنامه‌نگاران و مدیران مطبوعات در دادگاه مطبوعات محاکمه شدند. دیروز نیز احمدزیدآبادی روزنامه‌نگار همشهری بازداشت شد و حمیدرضا جلالی‌پور رئیس شورای سیاست‌گذاری روزنامه توقیف شده عصر آزادگان و علی‌رضا علوی تبار به دادگاه انقلاب احضار شدند.

مردم ایران و نیروهای آزادی‌خواه!

دوم خرداد از جمله سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز در این مورد موضع گرفتند. این روزنامه‌نگاران از آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب با شدت تمام ادامه دارد. خامنه‌ای به عنوان ولی فقیه در راس این سرکوب‌ها قرار دارد. او دو روز قبل فرمان توقف بررسی لایحه مطبوعات در مجلس شورا را صادر کرد. به دنبال صدور این فرمان، قوه قضائیه روزنامه بهار را توقیف کرد و بر شدت اقدامات خود علیه روزنامه‌نگاران افزود.

ما نیروهای آزادی‌خواه را فرامی‌خوانیم که به دفاع از مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه اصلاح‌طلب برخیزند و جنبش دفاع از مطبوعات و روزنامه‌نگاران را شکل دهند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۸ مرداد ماه

## ولی فقیه در کانون کشمکش‌ها

ادامه از صفحه اول

موضع‌گیری‌های جریان‌های سیاسی و تشکلهای دانشجویی نیز در این راستا بود. آنها بر اقدام خامنه‌ای صحنه‌نگذاشتند و از نمایندگان مجلس و از آزادی مطبوعات دفاع نمودند. اولین بار بود که چنین صحنه‌ای به نمایش گذاشته شد. صحنه‌ای متفاوت با آنچه در گذشته بود.

\*\*\*

اکنون دوره جدیدی در فرایند جنبش اصلاح‌طلبانه آغاز شده است. دوره‌ای که در آن ساختار سیاسی ولایت فقیه و شخص ولی فقیه در کانون کشمکش قرار گرفته است. اگر این روند پیش برود، ما از یک سو شاهد تغییرات در صف‌بندی‌های کنونی خواهیم بود که احتمالاً جبهه دوم خرداد دچار تجزیه شده و بخشی از آن در کنار تمامیت‌طلبان قرار خواهد گرفت و بخش دیگر با نیروهای اصلاح‌طلبان خارج از حکومت رابطه‌های نزدیک‌تری برقرار خواهد کرد و از سوی دیگر زیر ضرب‌زقن بیشتر ولی فقیه.

جنبش اصلاح‌طلب نخستین گام را برای تعیین تکلیف با ساختار سیاسی ولایت فقیه بر می‌دارد. شرط موفقیت در این نبرد سهمگین و سرنوشت‌ساز تکیه بر مردم، رفع موانع سازمان‌یابی گروه‌های اجتماعی و حضور سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون است.

په‌گیری پرونده قتل‌ها تا به آخر داده می‌شود، چه شد؟ همه ما ایرانیان طرف خطاب این هشدار هستیم. پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، یک پرونده ملی است. هر یک به سهم خود برای پی‌گیری این پرونده باید تلاش کنیم. در داخل و خارج از کشور به هر شکلی که می‌توانیم نگذاریم پرونده قتل‌ها در میان طوفان حوادث روزمره فراموش می‌شود؟ آن وعده‌هایی که برای

### توضیح و تصحیح

در مقاله «مفهوم مدرن» در کار شماره ۲۲۷ ستون اول پاراگراف آخر اشتباه چاپی رخ داده که بدین صورت اصلاح می‌گردد. پشتوانه جنبش دمکراسی و آزادی‌خواهی در ایران، هنجارهای دمکراتیک جهانی در کشورهایی است که از این نوع دمکراسی به شکلی نسبی برخوردارند. بی‌دلیل نیست که بویژه در سال‌های اخیر نیروهای متعصب و خشونت‌گرای اسلامی در بسیاری از کشورهای دنیا مثل الجزایر، اندونزی و ایران مجبور به عقب‌نشینی شده‌اند. توسل این نیروها به خشونت‌های وحشیانه علیه دگراندیشان، نیروهای دمکرات را به سرعت به اتحاد و حمایت از ارزش‌های مردمی و انسانی کشانید. متعصبا و محافظه‌کاران اسلامی در ایران بخوبی می‌دانند، که ادامه خشونت به شکل ابتدائی و کلاسیک آن، در درازمدت، نه تنها نیروهای «میان‌جریانی» را به طور قطعی به صفوف نیروهای ترقی‌خواه می‌کشاند، بلکه اعلام شکست قطعی در صحنه اجتماعی است.

کردند و دستگاه قضائی نیز تصمیم گرفت و در عملی قاطعانه تعدادی از روزنامه‌ها را بست. من به صراحت اعلام می‌کنم این بهترین کاری بود که دستگاه قضائی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون انجام داده است. جنتی افزود: «دستگاه قضائی تاکنون در هر کاری به یک گوشه و شاخه می‌پرداخت، اما این بار به ریشه پرداخت و امروز نیز می‌بینیم، هر روزنامه‌ای که آن راه را دنبال می‌کند جلویش را می‌گیرند.»

تعطیلی ۲۰ روزنامه اقدام هماهنگ جبهه ضد اصلاحات به رهبری خامنه‌ای بوده؟ ما چنین ادعائی را از شاهرودی باور نمی‌کنیم. برای اثبات این که تعطیلی ۲۰ روزنامه اقدامی سازمان‌یافته به رهبری خامنه‌ای بوده، سخنان جنتی برای کشف رمز فرمان خامنه‌ای کافی است. جنتی هفته گذشته در جمع رای‌زنان فرهنگی جمهوری اسلامی در خارج از کشور گفت: «مقام معظم رهبری اشاره‌ای کردند و درد دلشان را اظهار

نیست که خامنه‌ای بارها روزنامه‌نگاران را «دشمن نفوذی» و «عوامل بیگانه» خوانده است. ادعای مروی مبنی بر این که توقیف مطبوعات نظر قوه قضائیه و به بیان دیگر نظر شاهرودی نبوده و مرتضوی سرخود و از بالای سر رئیس قوه قضائیه عمل کرده است باید گفت وای بر حال شاهرودی! و اگر هم رئیس قوه قضائیه با خبر بوده و اکنون ادعای بی‌خبری می‌کند باز هم وای بر حال وی! آیا شاهرودی واقعا نمی‌داند

## کروبی: گندم‌نمای جو فروش

نظر اکثریت مردم کشور در مورد خامنه‌ای، شاه‌رودی و رفسنجانی و امثال آنان روشن است و ایشان اعتباری در میان اکثریت قاطع ایرانیان ندارند. اما وجود ابهاماتی در مورد امثال کسروبی به‌ویژه در بین اصلاح‌طلبان حکومتی موجب ششده است که گندم‌نمای جو فروشی چون او بتواند پست حکومتی مهمی چون ریاست مجلس را تصاحب کند.

کروبی در تمام سال‌های پس از دوم خرداد همواره کوشیده است به جای آنکه دورنمای خود را از روندهای اصلاح‌طلبانه و آینده آن ارائه دهد، به نزاع‌های درون حکومتی در دوران مجلس سوم و شرایطی که به حذف «خط امامی‌ها» در آن هنگام منجر شد، بپردازد و ناروایی‌ها و اجحافات و قانون‌شکنی‌ها نسبت به آن جناح را بازگو کند. بی‌آنکه

جنبش اصلاح‌طلبی کشور در مرحله‌ی کنونی با دو آفت بزرگ مواجه شده است، «اصلاح‌طلب‌نمایی» (Pseudoreformism) و «خرده اصلاح‌طلبی» (Microreformism).

در شرایط امروزین ایران، در حالی که کسانی چون جلالی‌پور از مواجهه جنبش اصلاحات با یک «انسداد سیاسی» سخن می‌گویند و اصلاح‌طلبان را به آزمایش روش‌های اصلاحی ناشناخته، نامتعارف و مقاومت‌های مدنی نامبتنی بر خشونت، ضرب و شتم و دگرآزاری فراموشی خوانند، «اصلاح‌طلب‌نما»هایی چون خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی و «خرده‌اصلاح‌طلبانی» چون کروبی و هم‌فکرانشان به سدی در روند اصلاحات مبدل شده‌اند.

## ولی فقیه، سدی در مقابل اصلاحات!

آنچه که در سایه آزادی مطبوعات مورد تهدید قرار می‌گیرد، نه اعتقادات مذهبی مردم، بلکه منافع مشتی اقلیت زورمدار است که با سرسختی و لجاجت در مقابل اراده عمومی ایستاده‌اند.

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر مذهبی جمهوری اسلامی، پس از دستور توقیف روزنامه‌ها و نشریات اصلاح‌طلب، در حالی که قرار بود مجلس ششم با اصلاح قانون مطبوعات، نخستین گام اساسی خود را برای پیشبرد امر اصلاحات و توسعه سیاسی به جلو بردارد، طی نامه‌ای به مجلس، مخالفت صریح خود را با طرح اصلاحیه قانون مطبوعات اعلام داشت و به این ترتیب آن را از دستور کار مجلس خارج ساخت. آیت‌الله خامنه‌ای در نامه خود به مجلس، آزادی مطبوعات را به مثابه «خطر بزرگی برای امنیت نظام و ایمان مردم» قلمداد کرده و طرح اصلاحیه قانون مطبوعات را غیر شرعی خوانده است.

باید تاکید کرد که آزادی و از جمله آزادی مطبوعات، خواست اکثریت قریب باتفاق مردم ایران است و آنچه که در سایه آزادی مطبوعات مورد تهدید قرار می‌گیرد، نه اعتقادات مذهبی مردم، بلکه منافع مشتی اقلیت زورمدار است که با سرسختی و لجاجت در مقابل اراده عمومی ایستاده‌اند. در عین حال باید تصریح کرد که اصل «۱۱» قانون اساسی جمهوری اسلامی، حدود وظایف و اختیارات رهبر نظام را روشن کرده است و دخالت مستقیم در امور قانون‌گذاری و مجلس، به هیچ‌عنوان در چارچوب اختیارات رهبر مذهبی نیست. بر طبق همین قانون اساسی، تشخیص شرعی یا غیر شرعی بودن قوانین آن هم پس از تصویب آنها و نه پیش از بررسی در مجلس، بر عهده شورای نگهبان است و هیچ‌کس حق ندارد با دخالت خود، طرحی قانونی را از دستور کار مجلس خارج سازد. به این ترتیب روشن می‌شود که آیت‌الله خامنه‌ای با سو استفاده از اقتدار مذهبی خود، یک طرح قانونی را پیش از تصویب توسط مجلس، وتو کرده و عملاً قانون اساسی نظامی را که رهبر آن است، به خشن‌ترین شکلی زیر پا گذاشته است.

باید در نظر داشت که این‌گونه دخالت خشن در امور مجلس، حتی در زمان رهبری آیت‌الله خمینی نیز سابقه نداشته است.

آیت‌الله خامنه‌ای که از همان آغاز جنبش اصلاح‌طلبی مردم ایران، بطور آشکار یا پنهان از نیروهای محافظه‌کار مخالف اصلاحات پشتیبانی کرده است، با اقدام اخیر خود، متمه و جاجت قانونی و مشروعیت خود را بر باد داده و عملاً بصورت رهبر جریان اقتدارگرایی ضد آزادی و مخالف اصلاحات، پای به میدان گذاشته است. او که بر طبق قانون اساسی، در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است و صرفاً باید ناظر بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام باشد، به این ترتیب خود را عملاً چون سدی در مقابل خواسته‌های گسترده‌ترین اقشار مردم ایران و نیازهای عاجل جامعه قرار داده و به سخنگوی اقلیتی زورمدار و قدرت‌طلب تبدیل شده است.

رنگ باخت و محصول بزرگ انقلاب یعنی محو نظام سلطنتی که با سال‌ها سیاهکاری حاکمان جدید موریانه تدریج به جانش افتاده بود، بار دیگر اعتبار یافت. حرکت مردم به سوی جمهوری کامل و تمام‌عیار، محصول کهنه سلطنت را از حیز انتفاع انداخت.

ملت و دموکرات‌های ایران هرگز نمی‌توانند با کسانی که هنوز قدرشناس کودتای سیاه و تنگین در این کشور هستند، سختی به دوستی بگویند و به وعده‌های آزادخواهانه آن‌ها اعتنایی داشته باشند. شاید این یگانه نتیجه و تاثیر باقی‌مانده از آن حادثه تلخ و تاریخی سی و هفت سال پیش در فضای سیاسی امروز کشور ما باشد!

قهر لیست جا دادند. اما همه اینها مانع از آن نشد که وی پس از رسیدن به مقصد، از نشست بر شانه یاری‌دهندگان شرم‌داشته باشد.

اکنون برهنگان روشن شده است که کروبی به توصیه خامنه‌ای و با استفاده از تشتت در طیف اصلاح‌طلبان راه‌یافته به مجلس بر کرسی ریاست آن تکیه زده است. او در تمام ماه‌های گذشته به کرات نشان داده است که به برنامه اصلاح‌طلبان اعتقاد ندارد و با پروژه اقتدارگرایان برای تبدیل مجلس ششم به «مجلسی فرمایشی و «بله‌قربان‌گو» که «اوامر عالییه» با قیام و قعودی در آن، شکل «قانونی» بگیرند مخالفتی ندارد و می‌تواند از کارگردانان و کارگزاران چنین پروژه‌ای باشد. با این حال مقاومت در مقابل فرمایشی شدن مجلس در داخل و

بخواید کوچکترین قدمی در راه ریشه‌یابی آن رویدادها بردارد و آن‌ها را تعمیم دهد.

توجه به مجموعه مواضع وی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که «برنامه حداکثر» او در روند اصلاح‌طلبی رسیدن مجدد به قدرت پیشین بوده است. از این رو بود که وی از توهین مجدد به آقای منتظری خودداری نکرد و با محافظه‌کاران به مذاکره نشست و در ۴ اصل «اصول‌گرایانه» با آنان به توافق رسید. در یغاف که وی با گندم‌نمایی خود توانست دل اصلاح‌طلبان دیگر را نرم کند و با آویزان شدن به آنها به‌همراه آنان به قله مجلس ششم صعود کرد. مردم تهران وی را با وجود آنکه شخصیتی شناخته شده بود و در لیست حزب مشارکت و بسیاری از سایر لیست‌های اصلاح‌طلبان جای داشت با تفاوت اندکی از رفسنجانی در

## به مناسبت کودتای سیاه ۲۸ مرداد

## ملت فراموش نخواهد کرد!

صاحب‌منصبان آن دوران هیچگاه نتوانستند از زیر سایه سنگین و شوم آن رهائی یابند. این کودتا یکی از عوامل عمده‌ای بود که فاصله‌های عمیق و پرنشدنی میان ملت ایران و حکومت محمدرضا شاه پدید آورد. و نفرتی ضد آمریکایی‌ها را در میان ملت ایران پدید آورد که آثارش تا همین امروز نیز پابرجاست. سایه شوم این کودتا تا به امروز نیز بر سر آنانی که خود را وارث آن حکومت می‌دانند سنگینی می‌کند و ادعاهای عوام‌فریبانه‌اشان در مورد دموکراسی و حاکمیت ملی را بی‌اعتبار می‌سازد.

آن‌ها که به رسم روزگار از حکومت ملی و مردم‌سالاری سخن می‌گویند، به ۲۸ مرداد که مسی‌رسند، به یاد

منظوری تدارک دیده شده است. با این حال سال‌ها دستگاه‌های رسمی واقعیت آن را به گونه‌ای کاملاً خلاف جلوه دادند و کوشیدند این کودتای ضد ملی را به عنوان قیامی ملی در تاریخ ایران جاودانه کنند. این تلاش‌ها همراه با برچیده‌شدن بساط مجریان آن، به فراموشی سپرده شد. اسنادی که در سال‌های اخیر از سوی سازمان سیا آمریکا منتشر شد، هر چند تمام وقایع را در خود نداشت، افسانه «قیام ملی» را حسی برای دیرباورترین انسان‌ها نیز بکلی باطل ساخت.

کودتای ۲۸ مرداد حتی همان سال‌ها که با نمایشات پرزرق و برق و هزینه‌های گزاف جشن گرفته می‌شد، همواره به عنوان نقطه سیاهی در تاریخ سلطنت پهلوی باقی ماند و

کودتای ۲۸ مرداد یکی از عوامل عمده‌ای بوده که فاصله‌های عمیق و پرنشدنی میان ملت ایران و حکومت محمدرضا شاه پدید آورد ملت و دموکرات‌های ایران هرگز نمی‌توانند با کسانی که هنوز قدرشناس کودتای سیاه و تنگین در این کشور هستند، سختی به دوستی بگویند و به وعده‌های آزادخواهانه آن‌ها اعتنایی داشته باشند.

می‌گویند در تاریخ هیچ رازی نیست که برای همیشه سر به مهر بماند و هیچ حادثه‌ای نیست که سرانجام واقعیت آن تماماً روشن نشود. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ اما هیچ رازی در خود نداشت و از همان ابتدا نیز معلوم بود ساخته و پرداخته چه کسانی است و به چه

انگیزه‌ها و تشنجات اخیر مجلس بر سر دخالت غیر قانونی رهبر نظام، آئین‌نامه داخلی مجلس و اختیارات نمایندگان مردم، یکبار دیگر اختلافات شدید نیروهای اصلاح‌طلب و اقتدارگرایی جمهوری اسلامی را آشکار می‌سازد. این رویداد همچنین نشان می‌دهد که برخی از نمایندگان و اعضای هیئت رئیسه مجلس، لیاقت اعتماد مردم را نداشته‌اند. آنان که برای بدست آوردن آرای مردم، با موج اصلاح‌طلبی همراه شده بودند، اینک با تکیه بر کرسی‌های مجلس، به سیاست زدوبندهای پشت پرده و دور از قضاوت مردم روی آورده‌اند. آنان به عوض اینکه نماینده منافع مردم باشند، به مفسرین «ولایت مطلقه» تبدیل شده‌اند. آنان ظاهراً فراموش کرده‌اند که مردم ایران با اسلاف آنان در مجلس پنجم چه کردند. ما از همه نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس که با تکیه بر رای مردم به مجلس راه یافته‌اند و نسبت به آنان تعهد اخلاقی احساس می‌کنند می‌خواهیم که با توجه به وظایف قانونی خود، در مقابل قانون‌شکنی‌های اقتدارگرایان پایداری کنند و تن به مماشات ندهند. ما مردم ایران را فرا می‌خوانیم که با سازمان‌دهی هرچه بیشتر خود در نهادهای مدنی و با عزمی استوار، همچنان بر خواست‌های آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه خود مصرا نه پافشاری کنند و مخالفان اصلاحات را به عقب‌نشینی و تسلیم وادارند.

به باور ما جامعه ایران برای دست‌یابی به آزادی و مردم‌سالاری، هیچ‌راهی جز پیکار پرحوصله و گام‌بگام و مسالمت‌آمیز متکی بر اراده مردم ایران ندارد و تنها در این راستا است که به همه معضلات قانونی و فراقانونی استقرار آزادی و مردم‌سالاری در جامعه ایران پاسخ مناسب داده خواهد شد.

حزب دموکراتیک مردم ایران  
سازمان جمهوری خواهان ملی ایران  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۷ مرداد ۱۳۷۹

«اقتضات» خود می‌افتند و در وصف قیام ملی‌اشان پیکار کوبی می‌کنند. در استدلال‌ات و تبلیغاتشان حتی یک نیم‌نکته جدید نسبت به آنچه دستگاه رسمی سلطنت در زمان بر و بیای خود می‌گفت وجود ندارد. داستان کهنه خطر شوروی و کمونیسم تنها دلیلی است که هنوز آن‌ها را قدردهان کریمیت روزولت و دیگر جانیانی که آن جنایت را برپا کردند، نگاه داشته است. اما به ویژه از زمانی که آزادی و حاکمیت ملی قدر و منزلتی در میان ملت ما بیافته است، این استدلال‌ات دیگر نه تنها پوچ که خنده‌دار بنظر می‌رسند. بی‌دلیل نیست که با شروع جنبش اصلاحات در ایران رویای احیای سلطنت بکلی

برگرفته از نشریه اینترنتی ایران خبر

انجمن خبرنگاران بدون مرز:

ایران یکی از بزرگ‌ترین زندان‌ها در جهان برای خبرنگاران شده است

انجمن خبرنگاران بدون مرز طی طوماری خامنه‌ای را مورد خطاب قرار داده و در آن خواستار آزادی بلادرنگ روزنامه‌نگاران زندانی، پایان‌دادن به اذیت و آزار دست‌اندرکاران مطبوعات، دادن اجازه انتشار به روزنامه‌های توقیف‌شده و اصلاح قانون مطبوعات در ایران شده است.

ترجمه، عاشقانه و یا سیاسی و حماسی. جمعیت مسیری طولانی را پیاده طی کرده با عبور از برابر خانه شاملو پس از ادای احترام به وی به راه خود ادامه می‌دادند. هیچ یک از رسانه‌های مجاز، اجازه درج خبری در مورد شاملو را نداشتند. چندین گزارش، جمعیت را پیش از صد هزار گزارش کرده‌اند. در میان حاضرین چهره‌های معروف و آشنا بسیار به چشم می‌خورد از جمله زندانی قدیمی و سالخورده صفر قهرمانی بود که ماشین حامل وی توسط جمعیت تا جلو خانه هدایت شد و وی امکان یافت شخصا به آپدا و خانواده شاملو تسلیت بگوید. □

استراتژی‌اش را تدوین نماید. بگفته وی مسئولین انجمن‌های اسلامی سراسر کشور جمع‌بندی ارائه کردند و به صورت قطعه‌نامه در مطبوعات منعکس شد. در آن قطعه‌نامه عنوان شد که آنچه استراتژی آینده فعالیت‌های مجموعه خواهد بود، تعریف جدید از اصلاحات و نقد دولت و مخالفان

علی افشاری عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت:

باید بازخوانی جدیدی از حرکت اصلاحات انجام گیرد

علی افشاری در گفتگو با اپنا اعلام کرد که مجموعه دفتر تحکیم وحدت با توجه به تفاوت‌هایی که پس از انتخابات مجلس ششم در رادکارهای جریانات دانشجویی قابل

فضای کشور را بحرانی کرده بود. مجموعه دفتر تحکیم وحدت تصمیم به برگزاری نشست با حضور همه اعضای سراسر کشور گرفت تا بتواند

فشارهای بین‌المللی موثر باشد. چون دولت ایران نمی‌تواند به افکار عمومی جهان بی‌توجه باشد و در انزوا بماند. اما تا جائیکه به مردم ایران باز می‌گردد آنها با رای خود در انتخابات ریاست جمهوری، شوراها و انتخابات مجلس نشان می‌دهند که خواهان تغییر و اصلاحات در جامعه هستند. □



## دور جدید جمع آوری (نقدینگی)

دور جدیدی از جمع آوری نقدینگی توسط شرکت‌های خودروسازی و سیستم بانکی پیش می‌رود. شرکت‌های ایران خودرو و سایپا در هفته‌های گذشته ۲۴۰ میلیارد تومان از خودروهایی تولیدی خود را در سال آینده پیش‌فروش کردند. بانک مرکزی نیز فروش ۲۰۰ میلیارد تومان اوراق مشارکت را آغاز کرده است که در مرحله اول ۷۰ میلیارد تومان از آن را به مردم عرضه می‌کند.

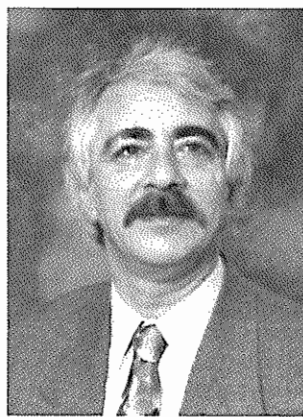
کارشناسان اقتصادی علت رکود حاکم بر بازار و فعالیت‌های اقتصادی در هفته‌های اخیر را جمع آوری نقدینگی از سوی ارگان‌های مختلف عنوان کرده‌اند. آنها معتقدند که جمع آوری بیش از ۲ هزار میلیارد تومان برای پیش‌فروش خودرو، ۶۰۰ میلیارد تومان برای پیش‌فروش موبایل، فروش اوراق مشارکت بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان از یک سو و از سوی دیگر جمع آوری نقدینگی‌های مردم به صورت سرپرده یا سود تضمین شده ۲۰ درصدی و کم شدن سطح ارائه تسهیلات و اعتبارات از سوی سیستم بانکی چرخش نقدینگی را در اقتصاد کشور با معضل مواجه کرده است.

بعلاوه وضعیت مطلوب ارزی دولت باعث شده است که هر موقع مسئولان احساس کمبود نقدینگی کنند ارز قابل توجهی را تبدیل به ریال کنند که این امر نیز خود موجب جمع آوری نقدینگی می‌شود.

کارشناسان مهم‌ترین عامل رکود فعلی در اقتصاد کشور را اجرای سیاست انقباض از سوی بانک مرکزی می‌دانند. هادی غنیمی رئیس هیات مدیره تعاونی‌های سراسری می‌گوید: جمع آوری نقدینگی مردم از سوی ارگان‌های دولتی و هم‌زمان شدن آن با فصل جمع آوری مالیات وضعیت اسفناکی را برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده است. او گفت وزارت امور اقتصاد و دارایی از ابتدای سال تاکنون حدود ۵ هزار میلیارد ریال مالیات جمع کرده است.

دکتر علی رشیدی کارشناس مسائل اقتصادی می‌گوید: کاهش شدید تسهیلات و اعتبارات اقتصادی کشور به رکود کشانده است. این وضعیت ناشی از سیاست‌های اخیر بانک مرکزی نیست و ما نباید اتفاقی را که طی سال‌های ۶۹ تا به ۷۳ در این مملکت اتفاق افتاد را از یاد ببریم. او گفت نظام بانکی کشور هنوز متاثر از وضع همان زمان است و سیاست‌هایی را که در آن زمان برای عبور از بحران در پیش گرفته به این سادگی نمی‌تواند کنار بگذارد. رشیدی گفت: بیش از ۴۲ میلیارد دلار در آن زمان کشور بدهی بالا آورده بود و نظام تحت فشارهای همه‌جانبه نرخ تورم ۵۰ درصدی را ایجاد کرد. او گفت رکودی که امروز بر فعالیت‌های اقتصادی حاکم است، ریشه در معضلات همان زمان دارد چرا که ۵/۶ میلیارد دلار از بدهی‌های آن سال در حال جاری باید پرداخت شود.

## سیاست‌های اقتصادی جاری نمی‌توانند بیکاری را مهار کنند



دکتر فریبرز رئیس‌دانا، استاد اقتصاد به خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: سیاست کوتاه کردن دست کارگران خارجی و افغانی از بازار کار، یک عمل نادرست و ضدخارجی و در واقع تبعیض گذاشتن بین نیروی کار است. رئیس‌دانا با بیان این مطلب افزود: با توجه به اینکه تعداد بیکاران از مرز ۳/۵ میلیون نفر گذشته و در برنامه سوم توسعه نیز راه کارهای درستی برای کنترل بیکاری ارائه نشده است. باید برای رفع معضل بیکاری، منابع سرمایه که در دست عده‌ای خاص انباشته شده فعال و تکیه گاه‌ها، اهرم‌ها و نیروهای جابجایی پیش‌بینی شوند. به طوری که الگوی اقتصادسنجی واقع‌گرایانه باشد.

وی با بیان این نکته که سیاست‌های اقتصادی جاری نمی‌توانند بیکاری را مهار کنند و روز به روز رکود تورمی در ایران دامن می‌گردد، گفت: سیاست‌های جاری که از سوی خانه کارگر و یاکمیسیون کار مطرح شده‌اند، بسیار سطحی و ناپخته است. یکی از این سیاست‌ها یعنی کوتاه کردن دست کارگران خارجی از بازار کار، یک عمل ضدخارجی است و ما نباید تصور کنیم که وجود این کارگران باعث بیکاری شده است. زیرا بیکاری، پدیدهای ناشی از عملکرد اقتصادی و سرمایه‌گذاری است که باید اصلاح شود. متأسفانه تبلیغاتی که مراکز انحصاری تبلیغ و ترویج انجام می‌دهند، موجب گمراه کردن مردم از شناخت واقعی و ریشه‌ای درد می‌شوند.

وی همچنین افزود: آمارهای ارائه شده برای ایجاد فرصت‌های شغلی و تعداد بیکاران در کشور، خیالی‌پردازانه و گاهی با غرض‌های سیاسی همراه است که باید سیستم اقتصادی اصلاح و ساختارهایش متحول شود، چون با این تعداد فرصت‌های شغلی، نمی‌توانیم برای ۳/۵ میلیون نفر بیکار کار فراهم کنیم.

دکتر رئیس‌دانا با اشاره به این که مسئول کارآفرینی در جامعه تنها دولت نیست، گفت: دولت نقش‌ها و وظایفی از جمله رسیدگی به سیستم مالیاتی، کار در چارچوب رشد اقتصادی، تسامین اشتغال و... برای کارآفرینی دارد. دولت باید ساختار اقتصادی را به گونه‌ای هدایت کند که صاحبان سرمایه در راستای منافع و اجتماعی و حذف بیکاری و تورم قرار بگیرند. وظیفه دولت کمک به تدوین قانون مترقی است که بین کارگران تبعیض قائل نشده، جامعه را به عقب نبرد، امنیت شغلی کارگران را حفظ نماید و بیمه‌های بیکاری و ارگان نظام چشامه تسامین اجتماعی را پیش‌بینی کند که این مسئله باید از طریق رادیو، تلویزیون به کارفرمایان آموزش داده شود.

وی تصریح کرد: در حال حاضر، افزایش بیکاری و خیم‌ترین بحران در کشور است، اما بدتر از آن بحران‌های ناشی از مداخله‌ها و بهانه‌جویی‌هایی است که تا مغز استخوان وابسته به سرمایه‌داری جهانی است. سرمایه‌داران سوداگر هیچ لحظه‌ای را برای انباشت سرمایه شخصی از دست نمی‌دهند و

## اخبار اقتصادی

### صادرات خدمات فنی و مهندسی

به گفته رئیس هیات مدیره انجمن صادرکنندگان خدمات فنی - مهندسی ارزشی تجارت جهانی سالانه ۶ هزار میلیارد دلار است. سهم تجارت خدمات از این رقم ۱۵۰۰ میلیارد دلار است. از رقم اخیر ۲۲۵ میلیارد دلار سهم خدمات فنی - مهندسی است. سهم ایران از کل خدمات فنی - مهندسی تنها یک هزارم این رقم است. در حالی که گفته می‌شود ایران توانایی صادرات خدمات فنی - مهندسی به میزان ۷ میلیارد دلار را دارد. یعنی سهم ایران از صادرات خدمات فنی - مهندسی می‌تواند ۳ درصد باشد ولی تنها یک هزارم است.

### نخستین هواپیمای مسافری ساخت ایران

نخستین هواپیمای آنتونوف ۱۴۰ ساخت ایران هم‌زمان با نمونه‌های ساخت اوکراین در سال ۲۰۰۱ وارد ناوگان حمل و نقل جهان می‌شود. این هواپیمای ۵۲ نفره است. به گفته مدیر عامل شرکت صنایع هواپیماسازی ایران (هما) دومین فروند از این نوع هواپیمای تا پایان سال وارد مرحله تست پرواز می‌شود.

### اجرای طرح‌ها در خارج از کشور

در حال حاضر ۸۸ طرح در خارج از کشور به ارزش ۱/۳ میلیارد دلار از سوی شرکت‌های ایرانی اجرا شده یا در حال اجرا است. از ۸۸ طرح یادشده ۳۱ طرح از سوی شرکت‌های دولتی و ۵۲ طرح توسط بخش غیردولتی و ۵ طرح نیز بامشارکت طرف‌های خارجی در حال اجرا است. عمده طرح‌هایی که شرکت‌های ایرانی در خارج از کشور برعهده گرفتند در زمینه‌های راه، بنادر، سیلو، پل، خطوط انتقال برق و شبکه آب بوده است.

### سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای ایجاد

#### شهرک‌های صنعتی

بر اساس یک مصوبه جدید، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در شهرک‌های صنعتی که تاکنون توسط دولت انجام می‌شود مجاز خواهد شد. به گزارش نشریه «صنعت ساز»، معاونت طرح و برنامه شرکت شهرک‌های صنعتی در حال تدوین آیین‌نامه این مصوبه است. صنعت‌ساز افزوده است: در برنامه سوم توسعه وزارتخانه‌ها و یا دستگاه‌های ذیربط ملزم شده‌اند که تأسیسات زیربنایی را تا ورودی شهرک‌های صنعتی بیاورند.

### پودر شوینده به جای چاق می‌شود

به گفته یک مقام آگاه صنعتی با ارزان بودن قیمت پودرهای شوینده در داخل به دلیل استفاده از ارز ترجیحی (هر دلار ۱۷۵ تومان) برخی از افراد پودرهای شوینده را در بسته‌بندی‌های مربوط به چاق از کشور خارج می‌کنند. وی می‌گوید این اقدام به معنای غارت ارز حاصل از صادرات نفت است.

### بخش خصوصی در قشم پالایشگاه احداث می‌کند

به گفته مدیر عامل منطقه آزاد قشم با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی پالایشگاه نفت با ظرفیت ۱۶۵ هزار بشکه در قشم ایجاد می‌شود. برای احداث این پالایشگاه یک میلیارد دلار به صورتی ریالی و ارزی سرمایه‌گذاری خواهد شد و باتاسیس آن ۳ هزار شغل ایجاد خواهد شد.

به گفته وی سرمایه‌گذاری پالایشگاه قشم کانادایی و ایرانی هستند و تأسیسات پالایشگاه قشم در آلمان و نروژ ساخته می‌شود. بوشهری گفت یک شرکت انگلیسی نیز با سرمایه ۲۵ میلیون دلار یک کارخانه به ظرفیت ۵ هزار دستگاه در قشم ایجاد می‌کند که مقدمات طرح فراهم شده است.

### خودروسازان در دو هفته

#### ۲۴۰ میلیارد تومان پیش‌فروش کردند

دو شرکت عمده خودروسازی کشور با اجرای طرح پیش‌فروش خودرو در سراسر کشور در کمتر از دو هفته موفق به جذب ۲۴۰ میلیارد تومان نقدینگی شدند. در این مدت حدود ۶۰ هزار دستگاه خودرو که معادل دو ماه ظرفیت تولید کارخانه‌های خودرو سازی است، گفته می‌شود که جذب مبلغ فوق در شرایط رکاد اقتصادی صورت گرفته است.

طرح فروش اوراق مشارکت ملی نیز بعد از پایان طرح پیش‌فروش خودرو آغاز شد. هدف از فروش اوراق مشارکت ملی جمع آوری نقدینگی‌های پراکنده و کوچک مردم و به جریان انداختن آنها در زمینه تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی است.

در جامعه مردان به ترتیب ۷۸/۱۲ درصد و زنان ۷۲/۵۴ درصد، در جامعه زنان ۲۱/۴۲ درصد و مردان در بخش عمومی بیشتر جذب شده‌اند. □

## وضعیت صنعت کشور از زبان یک کارشناس اقتصادی

می‌گوید: تا نهادهای دمکراتیک شکل نگیرد، امنیت سرمایه‌گذاری تامین نشود و حدود مالکیت‌های فردی مشخص نشود، صحبت از بسترسازی بی‌مورد است. ابراهیمی اصلاح نظام مالیاتی و حذف ۳۳ نوع عوارض متفرقه‌ای که از کارخانجات گرفته می‌شود را یکی از راه‌های نجات کارخانجاتی دانست که بدون ورشکستگی بتوانند روی پای خود بایستند.

وی در مورد خصوصی‌سازی می‌گوید: هدف دولت از خصوصی‌سازی باید رفع شر و رفع بلا نباشد. یعنی آنچه که در جهان حاضر انجام می‌شود، بلکه هدف باید برطرف کردن مشکلات ساختاری در ایران و ایجاد نهادهای دمکراتیک دانست و کردن وضعیت صنایع باشد. □

فضا رشد نوآوری در این بخش را نمی‌دهد. در بحث رقابتی بودن نیز از مطالعه ۳۵ صنعت ۲۹ نوع در غیر رقابتی عمل کرده و بقیه آن وضعیت نسبتاً انحصاری به سر می‌برند.

به گفته وی بسترسازی حمایت‌های تجاری نیز در قالب استراتژی نبوده و بیشتر در قالب گروه‌های ذی‌نفع با نرخ‌های حمایت موثر بسیار بالاست.

ابراهیمی با جمع‌بندی از وضعیت صنعت می‌گوید: ما با یک صنعت مستعمل، دست دوم، مونتاژ، ارزبر، سرمایه‌بر با تراکم نیروی انسانی و تحت حمایت‌های بی‌رویه روبرو هستیم.

وی یکی از راه‌های مشکلات ساختاری در ایران را ایجاد نهادهای دمکراتیک دانست و

پیشرفت حتی در طی سال‌های مورد بررسی، یعنی برنامه اول توسعه و اوایل برنامه دوم، نشان می‌دهد که ما پس‌رفت و عقب‌گرد داشته‌ایم. پس‌رفت ما نرخی حدود ۸/۵ درصد بوده است. بهره‌وری عوامل تولید در این دوران نیز (غیر از سال‌های تزریق ارز یا سرمایه‌گذاری) با پس‌رفتی حدود ۴۰ درصد مواجه بوده است.

به گفته وی از بررسی ۴۸ واحد پوشش‌دهنده کارخانجات دولتی، ۱۹۷۰ کارخانه پوشش داشتند که در این بین ۱۹۰۰ واحد آنان با حدود ۵۰ درصد زیان مواجه بوده و یا دارای زیان انباشته حدود سه میلیارد ریال هستند.

وی با اشاره به فضای ملی و صنعتی در کشور می‌گوید: این

## آمار اشتغال در کشور

### در سال گذشته ۱۴٪ جمعیت فعال بیکار بود

از مجموع جمعیت فعال کشور در سال گذشته (از ۱۵ تا ۶۴ ساله) حدود ۸۶ درصد شاغل و ۱۴ درصد بیکار بود بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از شاغلین و بیکاران سال ۱۳۷۸ از مجموع این شاغلان ۲۱/۳۲ درصد مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله، ۵۶/۰۶ درصد مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ ساله و ۲۲/۶۲ درصد مربوط به گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ ساله بوده

است. این نسبت برای مردان به ترتیب ۲۰/۰۶ درصد و برای زنان ۲۳/۶۵ درصد و برای مردان به ترتیب ۲۸/۰۶ درصد و برای زنان ۵۴/۸۲ درصد بوده است.

در سال گذشته ۱۳/۹۴ درصد از جمعیت فعال ۱۵ تا ۶۴ ساله کشور را بیکاران (جویای کار) تشکیل می‌دهد. از مجموع بیکاران، ۵۹/۰۲ درصد مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله، ۲۴/۹۱ درصد مربوط به

گروه سنی ۲۵ تا ۴۴ ساله و ۶/۰۷ درصد مربوط به گروه سنی ۴۵ تا ۶۴ ساله بوده است. این نسبت‌ها برای مردان به ترتیب ۵۶/۶۸ درصد، ۳۶/۳۲ درصد و ۷/۱۷ درصد و برای زنان ۲۷/۹۶ درصد و ۶۹/۰۶ درصد بوده است.

در سال ۱۳۷۸ از کل شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر جامعه نمونه ۷۹/۲۳ درصد باسواد و ۲۰/۶۷ درصد بی‌سواد بودند، که نسبت باسوادان مرد نسبت به زنان حدود ۸ درصد بیشتر است. در سال گذشته از جمعیت شاغل با ۱۰ ساله سابقه و بیشتر جامعه نمونه ۲۷/۳۶ درصد در بخش کشاورزی، ۳۰/۶۲ درصد

در جامعه مردان به ترتیب ۷۸/۱۲ درصد و زنان ۷۲/۵۴ درصد، در جامعه زنان ۲۱/۴۲ درصد و مردان در بخش عمومی بیشتر جذب شده‌اند. □

# غربتی‌ها!

گزارشی از دروازه غار تهران

برگرفته از روزنامه بهار

منطقه ۱۲ تهران در آفتاب سوزان ظهر تابستان دیگر نمی‌تواند پلشتی‌های خود را انکار کند. هرچند کسی نیز در صدد انکار آن بر نمی‌آید، زیرا اینجا هیچ صورتی نیاز به سرخی سیلی ندارد. یک مسدودکننده سازمان بهزیستی راهنمای ما به منطقه‌ای بود که فارغ از نگاه سنت، عرف و قانون طرحی دیگر در زندگی ریخته بود. دروازه غار بعد از گذشت سالیان سال همچنان دروازه غار مانده، نه فرهنگسرای خواجه کرمانی و نه بوستان بزرگ و زیبای شهید حقانی، هیچکدام نتوانسته‌اند پوششی بر زندگی واقعی مردم این منطقه گذارند. مهاجرین بی‌نام و نشان در اینجا دست به تشکیل اجتماعی زدند که خود به آن «غربتی» می‌گویند.

### تادین‌ها

خیابان هرنی، کوچه مرتضی علیزاده، یا نه بهتر است به همان نام آشنای دروازه غار بسنده کنیم. به راستی که اینجا هنوز همان دروازه غار قدیم است. هرچند ساخت شهری مدرن اندکی چهره منطقه را دگرگون کرده است اما این زندگی همچنان به سبک و سیاق همیشگی خود پیش می‌رود. وارد کوچه که می‌شوی تنها چند قدم کافی است تا در سمت راست خود به مکانی برسی که اکنون بوستان شهید حقانی است. حاشیه پارک جایی که سمت راست کوچه را به خود اختصاص می‌دهد، به گفته باغبان قدیمی پارک زمانی «گود قمارخانه» بوده است. الان نیز در همین قسمت افراد زیادی به صورت گروه‌های ۲۰ یا ۳۰ نفره دور هم

بودند که هر توضیحی را بی‌نیاز می‌ساخت. او می‌گفت: «اینجا زن‌ها مواد مخدر می‌فروشند. قمار این افرادی هم که می‌بیند قاپ‌بازی است». وقتی از او پرسیدیم که آیا اینجا کسی کشته هم شده است، هرچند در ابتدا تکذیب کرد، اما بلافاصله گفت: «قتل هم اتفاق می‌افتد زمانی بر سر قمار و زمانی هم به خاطر اعتیاد». حرف‌های باغبان تمام نشده بود که حضور زن نسبتاً جوانی بر صندلی پارک در کنار جمعیت قماربازان، نگاهمان را جلب کرد. به سمت او رفتیم به دروغ از او جویای مادر فرزندی شدیم که بهزیستی به دنبال آن است. زن جوان که پلک‌هایش بر چشماش

سفتی به وسعت یک آسمان زن ۴۰ ساله‌ای با لباس‌های سرتاپا سیاه، لاغر و دارای پوست و لبانی تیره در چمن‌ها در کنار زن مسنی نشسته بود. نگهبان تا به او رسید سیگاری طلبد و ما را با او تنها گذاشت. او که خود را زمانی مددجوی بهزیستی و زمانی دیگر مددجوی کمیته امداد می‌خواند، گفت: «امروز تحت پوشش هیچ سازمانی نیستم. تا چندی پیش در گوشه پارک چادر زده بودم زمستان را به سختی گذراندم اما حالا اتاقی را با ماهی ۲۵ هزار تومان اجاره کرده‌ام و با سه فرزند در آن تک اتاق زندگی می‌کنم». شغل او به ظاهر فروختن چای بود. صاحب ۴ پسر و یک دختر،

همان ابتدا کوچه اصلی نیز جمعیت فراوان کودک و نوجوان چشمان تو را خیره می‌سازد. جوی‌هایی کثیف و کودکانی شیطونی و جسور که گاه در همان «جسوی پرکثافت» مشغول بازی‌اند. کودکانی که بر خلاف دیگر هموعان خود با دست چهره خود را از دوربین عکاسی می‌پوشاندند. کوچه قالی‌شویی یک کوچه فرعی در سمت چپ کوچه علی‌اکبر مقدسی است. معبری تنگ، خانه‌های کوچک و پدیم چسبیده، جونی انباشته از آشغال با بوئی متعفن و جمعیت زیادی که با نگاه‌های کنجکاو خود تازه‌واردین به محله را استقبال می‌کردند. از مرد جوانی که در کنار خانه‌ای ایستاده بود در باره ساکنین کوچه



مسای فقر در عقبه ای ۵ اتافه که شبها میزبان ۶۰ نفر زن و مرد است طبق دیگری دارد.

سنگینی می‌کردند، با سکوت منتد خود تنها به ما نگاه می‌کرد. در همین لحظه دوتفر به ما نزدیک شدند. دو نگهبان یکی سالمند و دیگری جوان. نگهبان سالمند پارک در حالی که تکه شلنگ کوچکی در دست داشت با اشاره به من فهماند که این زن «معیوب» است. آن دیگری نیز در جواب سوال مددکار ما گفت: «صبح‌ها پاتوق زن‌ها آن طرف است. آن طرف محکمه تشکیل می‌دهند». وی که فرهنگسرا و محوطه سبز آن را به ما نشان می‌داد حالا مسا را به سمت فرهنگسرا راهنمایی کرد. خیابانی فرهنگسرا را از بوستان شهید حقانی جدا کرده بود. فرهنگسرای بزرگ با ساختمانی زیبا. اینجا فرهنگسرای خواجه کرمانی است.

کسه دو فرزندش را اقوامش سرپرستی می‌کردند. در حالی که برای مشتریانش سیگار روشن می‌کرد از شغلش چنین گفت: «مشتریان من همین معتادان و قماربازان هستند». پوست سیاه و چروکیده با دندان‌های پوسیده حال و روز او را گواهی می‌دادند. از او پرسیدیم آیا شب‌ها خوابیدن در پارک خطرناک نیست؟ «زن‌های زیادی شبها در پارک می‌خوابند چون پارک نگهبان دارد. خوابیدن در آن بی‌خطر است!»

### کوچه غربتی‌ها

در آن سوی فرهنگسرا به کوچه‌ای منتهی می‌شوی که مردم منطقه به آن کوچه غربتی‌ها می‌گویند. اما نام اصلی آن کوچه قالی‌شویی است. لازم نیست به کوچه قالی‌شویی وارد شوی در

پرسیدیم: «اینجا غربتی هستند». غربتی یعنی کجانی؟ جواب داد: «نمی‌دانم». در باره زندگی خودش پرسیدیم. «من کشاورزم. فصل کشاورزی که تمام می‌شود در شهر کارگری می‌کنم. چون برای سکونت در یک مسافرخانه باید شوی ۷۰۰ تومان بپردازم تصمیم گرفتم با چند نفر دیگر اتاقی کرایه کنم. اینجا برایم شوی ۲۰۰ تومان تمام می‌شود». از وی خواستیم که ما را به خانه‌ای که در آن ساکن بود راهنمایی کند. وارد خانه شدیم بعد از گذشتن از راهروئی تنگ و تاریک به حیاطی رسیدیم که از سطح زمین پایین‌تر بود. در اطراف حیاط حدود ۱۵ اتاق بود. خانه به نظر کمتر از ۲۰۰ متر می‌آمد. پسر جوانی که در حیاط ایستاده بود گفت: «اینجا شب‌ها ۶۰ نفر می‌خوابند. زن و مرد

فرقی ندارد».

### محیط انحرافی

فقر اینجا تنها فقر مادی نیست. فقر مادی با فقر فرهنگی در آمیخته است. فقیه شیخی مسدودکننده اجتماعی سازمان بهزیستی می‌گوید: «امکانات رفاهی در منطقه وجود ندارد. البته در همان حد محدودی هم که دارد فرهنگ استفاده از آن وجود ندارد. مثلا همان فرهنگسرا وجود دارد. ولی کار مثبتی برای اهالی منطقه نمی‌کند. زیرا اینجا نمی‌دانند فراغتشان را چگونه باید پر کنند. گواهی این مدعا زمین فوتبالی است که خالی مانده است. وقتی که در محلی کنترل عرف و قانون وجود نداشته باشد، محیط برای زایش هر انحرافی آماده است».

محلی شخص خود را گم می‌کند به بیانی گسنامی حافظ او می‌شود. از سوی دیگر در این منطقه خانه‌های تک‌اتاقی و ارزان وجود دارد. چون جز افراد خاص حاضر به زندگی در آن نیستند. این منطقه جذب خرده‌فرهنگ‌ها را به خود جذب می‌کند. اینها در مجموع فرهنگ خاص و جدیدی را تشکیل داده و به آن عادت می‌کنند. به عبارتی روشن‌تر افراد جدیدی که وارد این محله‌ها می‌شوند زمانی که می‌بینند همسایه از فرزندش پول می‌خواهد آنها هم به تدریج از فرزندشان پول خواسته و حتی او را اجاره داده تا گداها از این بچه پول دریاورند. می‌بینند همه معتادند آنها هم معتاد می‌شوند. در واقع افراد تازه وارد تحت تاثیر القانات محیط قرار می‌گیرند. به همین دلیل تنها راه حل آن است که مانع از مهاجرت افراد شوند زیرا اگر این افراد از محله پاکسازی شوند در جای دیگر تجمع می‌کنند.

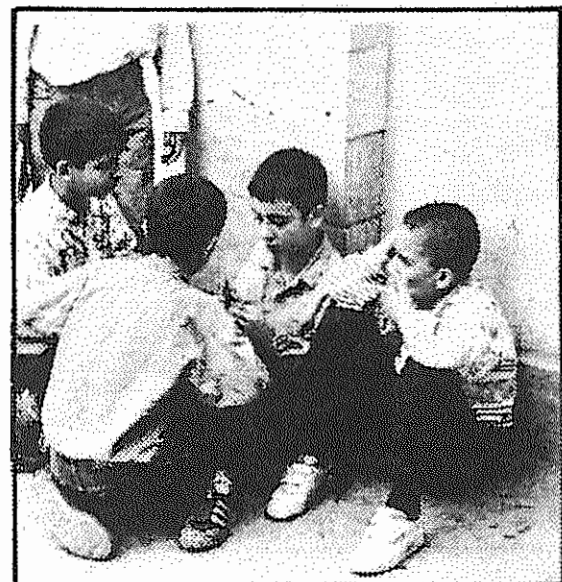
خانه‌های کوچک با جمعیت زیاد و نامتجانس باعث بروز و گسترش فساد جنسی نیز می‌شوند. به عنوان مثال ترکیب جمعیتی یک خانه پنج مرد مجرد، یک زن با چندین فرزند قد و نیم قد، یک زن و شوهر، پیر علتی برای انحرافات جنسی یا سوءاستفاده‌های جنسی شده و در نتیجه باعث افزایش زاد و ولد و گسترش جمعیت جوان این منطقه می‌شود. به راستی که این محیط کوچک خود یک معضل است. جوان‌های این منطقه آخرین فیلم‌های ویدئویی را در اختیار دارند. این بچه‌ها به علت مجاورتی که با انحرافات دارند از همان بچگی زمین‌های اولیه بزه در آنها پایه‌ریزی می‌شود بعد هم مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

استعمال مواد مخدر به دلیل در دسترس بودن آن، پرخاشگری و قتل به علت تجمع خرده‌فرهنگ‌های گوناگون، فقر فرهنگی و اقتصادی، فساد جنسی و به تبع آن افزایش جمعیت، نبود کنترل‌های رسمی و غیررسمی مشخصه‌های جماعتی‌اند که قسمتی از واقعیت تلخ اجتماع ما محسوب شده و باعث گسترش انواع انحرافات و آلوده ساختن آن شده‌اند. آری، اینجا گوشه‌ای از پایتخت است و بر پیکره آن خودنمایی می‌کند. برای چشمان منتظر کودکی که به مستکبران فروخته می‌شوند، کاری بکنیم...

### بیماری هجرت

فقیه شیخی بر این باور است که «مهاجرتی که به این منطقه می‌آیند به دو دلیل اینجا را انتخاب می‌کنند. یکی چگونگی بسافت محلی آن است، بدین صورت که در این نوع بسافت کودکان نیز فقر خانوادگی و عدم تامین بودن مالی خانواده‌های خود را دلیل کشانده‌شدنشان به حاشیه خیابانها و دست‌فروشی می‌دانند و می‌گویند، این کار آنان در واقع نوعی استفاده بهینه از تعطیلات تابستانی است. برخی دیگر نیز می‌گویند از شهرستان آمده‌اند و پدرشان در تهران به کارهای ساختمانی مشغول است و برای دادن کمک خرجی به خانواده‌ها به دست‌فروشی می‌پردازند. به هر حال مشکل کودکان دستفروش به عنوان یک معضل اجتماعی گذشته از چهره زشت اجتماعی آن، ممکن است باعث کشانده‌شدن اینگونه کودکان به انواع مفاسد اجتماعی شود که لازم به برخورد با آن چاره‌اندیشی مسئولان و دست‌اندرکاران سازمان‌های مسئول است.

رئیس سازمان بهزیستی شهرستان شیراز در زمینه مشکل کودکان دست‌فروش در خیابان‌ها و حمایت‌های قانونی از آنان به خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: عوامل زیادی از جمله اعتیاد، فقر، طلاق و عدم صلاحیت والدین موجب این معضل اجتماعی است. دکتر عبدالحسین ناصرزاده با اشاره به اینکه شهرداری و بهزیستی متولی کمک به اینگونه کودکان هستند افزود: اخیراً دو مرکز نیز برای کودکان بی‌سرپرست پسر و خانه ریحانه برای سرپرستی کودکان اجتماعی آن، ممکن است باعث کشانده‌شدن اینگونه کودکان به انواع مفاسد اجتماعی شود که لازم به برخورد با آن چاره‌اندیشی مسئولان و دست‌اندرکاران سازمان‌های مسئول است.



پاره‌ای از موارد افراد ولگرد آنها را مسورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. تعداد دیگری از این

بچه‌های نظیر او که در خیابانها رها هستند زیاد است و اغلب به کارهای پستی اشتغال دارند و در

## کودکان خیابانی نیازمند

### حمایت‌های اجتماعی و قانونی هستند

است و بعد از فوت پدرش همراه خانواده خود به تهران آمده و مشغول دست‌فروشی و پاک‌کردن شیشه خودروها است. وی گفت کودکان هم سن و سال وی در خیابانهای تهران فراوان هستند و بسیاری از شهروندان بی‌تفاوت از کنار آنها رد می‌شوند و هیچکس به آنها اعتنایی نمی‌کند. محمدرضا خادوردی ۱۲ ساله نیز که در حال فروش کارت‌های پدرم نیز در زندان است و خودم در خمسیابان‌ها روز و شب را می‌گذرانم. وی گفت: تعداد

میدان تجریش مشغول فروش آدامس و تنقلات دیگر است. می‌گوید: من مسجور به دست‌فروشی هستم زیرا مهاجرم و باید برای خود و خانواده‌ام درآمد داشته باشم. وی گفت چون غیرقانونی به ایران آمده‌ام، پدرم شغلی ندارد و شناسنامه هم نداریم تا از مدرسه استفاده کنیم، به همین دلیل روزها را در سر چهارراه‌ها و شیبها را نیز با دوستانم در گوشه خیابان می‌گذرانیم.

روزی نیست که در معابر و میادین و گذرگاه‌های تهران، بویژه در مناطق شمال شهر به ده‌ها کودک خیابانی، که سر چهارراه‌ها پرسه می‌زنند و به مشاغل کاذب اشتغال دارند برنخوریم. جمعی از این کودکان و نوجوانان در شیراز با نگاهی معصومانه و ذکر انبوهی از دردها و آلام‌ها، با زبان کودکانه دست یاری به سوی اجتماع و مسئولان دراز می‌کنند. یسان عزیز، نوجوان سیزده ساله اهل کابل افغانستان که با تعداد دیگری از دوستان خود در



## محمد خاتمی و مسئله ملی

وهاب انصاری

در ایران آقای خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران، روز شنبه ۱۵ مرداد تا ۱۷ مرداد ۱۳۷۹ سفر سه روزه‌ای را به کردستان داشت. در این سفر آقای خاتمی از شهرهای مریوان، بانه، بیجار، سقز و قروه کردستان دیدار کرد و برای مردم این شهرها سخنرانی نمود. همچنین در این سفر با روحانیون و فرماندهان نیروهای سه گانه نظامی مستقر در کردستان دیدار کرد.

دولت مرکزی به خواسته‌های مردم کردستان که در توافق بین احزاب کرد و دولت موقت شکل گرفت، پاسخ می‌داد باز هم آن مسایل پیش می‌آمد؟

شده است. نمونه‌های تاریخی نیز در ایران فراوان است. از جمله می‌توان به سرکوب جنبش آزادیخواهان آذربایجان و کردستان در دهه بیست و همچنین به لشکرکشی و سرکوب جنبش مردم ترکمن صحرا و کردستان در بعد از انقلاب اشاره کرد. که استدلال تمامی سرکوب‌کنندگان انگ ناچسب تجزیه طلبی بوده و هست.

واقعیت این است که کشور ما ایران کشوری است کثیرالمله که در آن ملیت‌ها و مذاهب مختلفی باهم دیگر زندگی می‌کنند. این ملیت‌ها هر کدام زبان، فرهنگ، آداب، رسوم و آئین‌های خودویژه‌اشان را دارند. که در ایران امروز بدون توجه به این واقعیت‌ها هرگونه تدوین قوانین کشوری نه تنها تأمین‌کننده حق و حقوق این ملیت‌ها نیست بلکه نشان‌دهنده اجحاف و زورگویی در حق این ملیت‌ها می‌باشد. برای تأمین و اجرای شعار ایران برای همه ایرانیان باید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تغییر کند. بدون تغییر و بازنگری قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری اسلامی نمی‌توان حقوق اساسی کل شهروندان ایران را تأمین کرد.

آقای خاتمی در حد قوانین موجود جمهوری اسلامی نیز خواست حق و حقوق ملیت‌های ایران را مطرح و از آنها دفاع کند. که یکی از شعارهای آقای خاتمی اجرای تام و تمام قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد. در اصل پانزدهم قانون اساسی آمده است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

در اصل نوزدهم قانون اساسی آمده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.»

حداقل انتظاری که به حق مردم و روشنفکران کرد از آقای خاتمی که همواره از اجرای تمام قانون اساسی سخن می‌گوید داشتند، این بود که بر اجرای اصول پانزدهم و نوزدهم قانون اساسی خودشان تأکید کنند و قول اجرای این اصول را در اسرع وقت بدهند.

در ایران امروز جنبش عظیمی از روشنفکران، نویسندگان، شاعران، هنرمندان و جوانان شکل گرفته است و روز به روز هم رو به گسترش است که خواهان احقاق حق و حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی در ایران هستند. شاهد این مدعا انتشار نشریه و کتب در مناطق مختلف ایران به زبانهای ملیت‌های ایرانی می‌باشد. امروز دیگر با تعریف و تمجیدهایی که پشتوانه عملی نداشته باشد نمی‌توان اعتماد مردم کرد و یا هر ملت دیگری را جلب کرد. امروز در ایران اصلاح طلب واقعی کسی است که بدون ملاحظاتی حکومتی و با درک مشکلات واقعی مردم در جهت حل مشکلات آنان گام بردارد.

مردم کردستان از رئیس جمهور حداقل نظارتی که به حق می‌تواند داشته باشند، بیان این مشکلات و پاسخگویی به آنها است. مردم کرد می‌خواهند بدانند وقتی آقای خاتمی ایران برای همه ایرانیان سخن می‌گوید، منظور چیست؟ آیا غیر از این است که شعار ایران برای همه ایرانیان را اینگونه باید معنی کرد که تمامی شهروندان ایران می‌بایستی از حق و حقوق مساوی برخوردارند و با سایر شهروندان ایران برخوردار باشند؟ چرا آقای رئیس جمهور به مردم کرد توضیح نداد که به چه دلیل می‌بایستی چندین میلیون مردم سنی مذهب ایران از حق رئیس جمهور شدن محروم باشند؟ مردم کرد از آقای رئیس جمهور می‌پرسند که چرا بعد از گذشت بیست سال از روی کار آمدن جمهوری اسلامی هنوز منطقه کردستان یک منطقه نظامی محسوب می‌شود؟

چرا همچنان در کردستان به مردم کرد اجازه اداره امور خودشان را واگذار نمی‌کنند و از غیر بومی‌ها که کمترین شناخت را از منطقه دارند برای اداره کردستان استفاده می‌کنند؟ چرا آقای خاتمی در برابر این واقعیت که مردم کرد سالیان درازی است که برای تدریس زبان کردی در سطوح مختلف مدارس مبارزه می‌کنند سکوت می‌کند؟ آیا بیان خواسته‌های ملی از جانب ملل تحت ستم ایران و مبارزه برای تحقق این خواسته ها جرم است؟ اصلاحات و دموکراسی در ایران بدون پاسخ‌های منطقی و عقلانی به خواسته‌های ملی ملت‌های ساکن ایران اگر دروغ و پوچ نباشد، حداقل، اصلاحات و دموکراسی صوری خواهد بود.

آقای خاتمی با اشاره به تجربه شوروی سابق می‌گوید: «نمی‌توان اقوام را با زور، تهدید، ارعاب و فشار از هویت واقعی‌اشان دور کرد و این امر شدنی نیست.» این سخنان فی‌الغافه درست است، ولی باید قبل از این حرف‌های کلی حرف‌های مشخص و رادحلهای درست و منطقی را برای حل مسئله ملی در ایران نشان داد، واقعیت این است که در پاسخگویی به خواسته‌های اقلیت‌های ملی در ایران به مراتب از اتحاد شوروی سابق عقب هستیم. تاکنون نیز هر خواست ملی این ملل در کشورمان نیز با سرکوب و لشکرکشی حکومت مرکزی مواجه

آقای خاتمی با اشاره به اینکه صنعت کردستان در کل کشور در رتبه بیست و چهارم قرار دارد و عدم استفاده از منابع طبیعی، برای رشد و شکوفائی اقتصاد کردستان گفتند: «استان کردستان با وجود برخورداری از منابع طبیعی و نیروی انسانی مستعد، می‌تواند در زمینه صنعت موفقیت‌های زیادی را به دست آورد.»

محمد خاتمی رئیس جمهوری گفت: «ایران برای همه ایرانیان است و یکی از اهداف انقلاب اسلامی، ایجاد جامعه‌ای است، که همه شهروندان آن در چارچوب قانون از امتیاز و حقوق خود برخوردار شوند.»

آقای خاتمی در سخنان خود از «عقب ماندگی‌ها و محرومیت‌های کردستان اظهار تألم و تألیف کرد و فتنه‌های آغاز انقلاب و جنگ تحمیلی را در تسلاوم و تعمیق این عقب ماندگی‌ها مؤثر دانست.»

آقای خاتمی در این سفر در زمینه مسایل و مشکلات اقتصادی مردم کردستان به حد کافی سخن گفت، بدون اینکه علل عقب‌ماندگی کردستان را به مردم توضیح دهد و خواهان حل مسئله ملی در ایران بطور ریشه‌ای بشود. کردستان و سایر مناطق ملی در ایران تاریخاً و به ویژه بعد از کودتای رضا شاد که یک حکومت متمرکز و دیکتاتوری لجام‌گسیخته را در ایران مستقر کرد و بعد از انقلاب ۵۷ نیز از طرف جمهوری اسلامی دقیقاً سیاست‌های رضاشاهی در شکل و شمایل‌های دیگر ادامه پیدا کرد، باعث عقب‌ماندگی این مناطق شد. هر خواسته ملی این خلفا با سرکوب و لشکرکشی دولتهای مرکزی مواجه شد. دولتهای مرکزی این مناطق را قبل از اینکه به مناسقی آسن و مطمئن برای سرمایه گذاری تبدیل کنند. به مناطقی جنگی تبدیل کردند.

آقای خاتمی قبل از اینکه در فکر چاره‌جویی منطقی برای حل ملی کردستان و سایر مناطق ملی در ایران باشد. متأسفانه باعث بانی عقب‌ماندگی کردستان را فتنه‌های اوایل انقلاب معرفی می‌کند. کیست که نداند در کردستان نه فتنه‌های اوایل انقلاب بلکه امتناع رژیم جمهوری اسلامی از پرداختن به خواسته‌های برحق مردم کردستان بود که مسایل اوایل انقلاب را به وجود آورد. یک فرد منصف می‌بایستی به این سؤال پاسخ بدهد که اگر

### مطبوعات مستقل و منتقد...

ادامه از صفحه ۷  
آزادی‌خواهان و عدالت‌پژوهان مردم وسعت بخشند.

اقتدارگرایان که نوک تیز حمله را به سوی صریح‌ترین و شفاف‌ترین نیروی اصلاح طلبی و روشنفکری جامعه نشانه رفته بود، با خلق حوادث تلخ و ناگوار موقت شد هر از گاهی موانعی بر سر راه پروژه اصلاحات قرار دهد، تجهیز گروه‌های فشار از سوی راست‌گرایان علیه دستاوردهای مردمی نه تنها گره از مشکل آنها نگشود بلکه تبعات بسیار منفی نیز برای پیروان ولایت و خشونت بدنبال آورد و آنها را بیش از گذشته در سطح جامعه منزوی ساخت و باز هم به موقعیت ولی فقیه ضربه زد.

ارتجاع و تئوری پردازان و رانت‌خواران حکومتی، کینه‌های سس سنگین علیه مردم و مدافعین دوم خرداد، مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران منتقد به دل داشتند آنها مداوماً در پی خلق حوادثی بودند که موقعیت و ثروت‌های بادآورده را از خطر تهدید و افشگری برهاند و از چشم‌انداز توزیع قدرتشان در جامعه جلوگیری به عمل آورند. راست‌گرایان که عمده نیروی خود را در سنگر قوه قضائیه متمرکز ساخته‌اند و آن را به مثابه ابزاری در اختیار دارند، درصدد برآمدند که از وقوع حوادث در کنفرانس برلین سود جویند. آنان که به خوبی به نقش مستقل مطبوعات واقف بودند، از همان ابتدا شروع آتشبار خود را به این هدف نشانه رفتند و با یک برنامه از قبل طراحی شده یورش سبانه‌ای را علیه مطبوعات به کار بستند و دفاتر مطبوعات مستقل را پایگاه دشمن و مراکز

### شعر دوست نماینده مردم تبریز:

## اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی را در دستور کار قرار داده‌ایم

اولین نشست اهل فرهنگ و هنر تبریز با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۱ مرداد ۱۳۷۹ در محل خانه فرهنگ تبریز برگزار شد.

در این مراسم نمایندگان مردم تبریز و مدیر کل فرهنگ و ارشاد آذربایجان شرقی شرکت داشتند. در این مراسم آقای شعر دوست نماینده مردم تبریز ضمن اعلام خبر تشکیل مجمع نمایندگان آذری، در باره اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی در ارتباط با تدریس زبان ترکی آذری گفت: «انتشار مجله شهریار آغاز این راه است و امکان آنکه نوبت انتشار آن هفتگی یا روزنامه شود بعید نیست. به هر حال این اولین قدم است، ضمن اینکه ما در مجمع نمایندگان آذری مجلس مشغول بحث کارشناسی هستیم و این اصل را در دستور کارمان قرار داده‌ایم، منتها برنامه‌های اجرایی‌اش با مشکلاتی روبروست که البته اصل قانون است که از لحاظ قانونی مشکلی نداریم و امیدواریم در آینده‌ای نزدیک خبرهای خوبی را به استحضار مردم آذربایجان برسانیم.»

همچنین در این مراسم بشیری مدیر کل فرهنگ و ارشاد آذربایجان شرقی سخنرانی کرد. وی ارقام و آماری از وضعیت فرهنگی استان ارائه نمود که نشان از وضع بد فرهنگی استان دارد. وی گفت: «خوشبختانه در ۵ سال گذشته هر سال ۱۰ باب کتابخانه جدید در این استان افتتاح شده است و تقریباً تمام شهرهای استان کتابخانه دارند.»

بشیری افزود: «شاید تبریز به جهت جمعیتی فقیرترین شهر از نظر فضای کتابخانه است.» آقای بشیری در باره طرح‌های مهم فرهنگی افتتاح شده در سال قبل گفت: «خانه فرهنگ تبریز بعد از ۱۲ سال، سال گذشته به بهره‌برداری رسید و افتتاح کتابخانه‌های تخصصی هنر و ادبیات در مقبره‌الشعرا تبریز نیز از پروژه‌های مهمی بود که سال قبل مورد بهره‌برداری قرار گرفت.»

مدیر کل فرهنگ و ارشاد گفت: «در آینده نزدیک شاهد افتتاح کتابخانه مرکزی تبریز خواهیم بود که پس از کتابخانه استان قدس رضوی بزرگترین کتابخانه دولتی کشور خواهد بود.»

آقای بشیری تعداد ناشران استان را در حال حاضر ۱۸۷ ناشر اعلام کرد و افزود: «بطور مداوم هر سال تقریباً ده ناشر به این تعداد اضافه می‌شوند. وی در پایان اظهار امیدواری کرد با همکاری و کمک نمایندگان مجلس که همگی از اهالی فرهنگ و هنر شهر هستند بتوانیم گام‌های مؤثری در راه غنی سازی فضاهای فرهنگی استان برداریم.»

### دکتر محمود چهرگانی آزاد شد

دکتر محمود چهرگانی که برای انتخابات دوره ششم مجلس کاندیدا شده بود. یک روز قبل از مهلت ثبت نام به اتهام واهی قاچاق دستگیر و روانه زندان تبریز شده بود، بعد از تحمل شش ماه زندان آزاد شد.

دکتر محمود چهرگانی علاوه بر شش ماه زندان به پرداخت ۲۰۰ میلیون ریال محکوم شده است. گفته می‌شود مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی هنوز تصمیمی در خصوص پرداخت و یا چگونگی پرداخت جزای نقدی دکتر چهرگانی اتخاذ نکرده‌اند.

همچنین گفته می‌شود که در پی آزادی دکتر چهرگانی تعداد زیادی از مردم شهرهای مختلف کشور به دیدار وی رفته‌اند.

### برای اولین بار دیوان اشعار شاعر ترکمن منتشر شد

دیوان اشعار دولت محمد آزادی پدر مخطومقلی فراغی شاعر خلق ترکمن برای نخستین بار در ایران منتشر شد.

در این کتاب بیوگرافی دولت محمد آزادی به طور جامع آمده است. همچنین افکار و اندیشه شاعر ترکمن به طور مبسوطی بررسی شده است. که برای خوانندگانی که از شاعر ترکمن شناخت کمتری دارند، افکار و اندیشه‌های شاعر را می‌شناساند.

در این کتاب متن کامل اشعار دولت محمد آزادی، تحت عناوین «وعظ آزاد» در چهار باب مثنوی، غزلیات و رباعیات، مربع و بهشت نامه آمده است.

این اثر برای شناخت شکل‌گیری ادبیات نوین ترکمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا اساس شخصیت «مخطومقلی فراغی» در نتیجه آموزش‌های پدرش قوام یافته است.

این کتاب به کوشش «اراز محمد سارلی» و از سوی مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی «مخطومقلی فراغی» گرگان در سه هزار جلد منتشر شده است.

### ویژه‌نامه‌های فردای ما برای شهرستانها انتشار یافت

به دنبال انتشار ویژه‌نامه‌های فردای ما برای شهرهای آذربایجان غربی، دومین ویژه‌نامه شهرستان سلماس انتشار یافت. در این ویژه‌نامه مصاحبه با فرماندار شهر، نقش مدیریت در توسعه سلماس، نگاهی به عملکرد شورای شهر سلماس، درآمدی بر فولکلور آذربایجان و نگاهی گذرا به کتاب «دهده قورقود» از عناوین مهم ویژه‌نامه سلماس می‌باشند.

همچنین ویژه‌نامه شماره ۲ شهرستان میاندوآب نیز انتشار یافت. مسافر و بزرگان میاندوآب، گزارشی از مراسم بزرگداشت سالروز بابک خرم‌دین و مظلومیت و اشکبانی به پهنای جغاتو از جمله مطالب منتشر شده در ویژه‌نامه فردای ما در شهرستان میاندوآب می‌باشد.

برای شهرستان بوکان نیز اولین ویژه‌نامه فردای ما انتشار یافت. در این ویژه‌نامه مقاله‌ای از خالد توکلی به نام «مجلس اقلی» به چاپ رسیده است. همچنین مطالبی با عنوان «در مرگ زنده‌یاد شاملو، حق داریم یا استحقاق» زندگی‌نامه نیچه در این ویژه‌نامه انعکاس یافته است. سرفقاله این روزنامه که توسط سرپرست فردای ما در شهرستان بوکان نگاشته شده با عنوان «نیامده‌ایم مخالفت کنیم» از عدم امکان درج مطالب کردی در نشریات محلی استان گلایه کرده است.

### نشریاتی که در استانهای کشور انتشار می‌یابند

#### مورد حمایت مالی قرار می‌گیرند

بعد از برگزاری سمینار مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کشور در ساری، مدیرکل فرهنگ و ارشاد استان سیستان و بلوچستان طی گفتگویی با خبرنگاران اعلام کرد: «در گذشته طبق قانون، تنها نشریاتی می‌توانستند از کمک‌های حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برخوردار شوند که یک سال از تاریخ انتشار آنها گذشته باشد، اما پس از برگزاری سمینار مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در ساری مقرر شد نشریات محلی نیز با توجه به نوع فعالیت، از ابتدای انتشار از کمک‌های مالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بهره‌مند شوند.»

وی همچنین افزود: «هیات نظارت از این پس و بر پایه تصمیمات گرفته‌شده، با توجه به محرومیت هر منطقه نسبت به صدور مجوز نشریات آنها تسریع خواهد کرد و استان‌هایی که کمتر از سه نشریه داشته باشند و یا فاقد روزنامه محلی باشند، از جمله مناطق محروم به حساب خواهند آمد.»

مدیر کل فرهنگ و ارشاد استان سیستان و بلوچستان خاطر نشان کرد: «در حال حاضر ۱۴ نشریه محلی اعم از ماهنامه، هفته‌نامه، روزنامه و فصلنامه در استان فعالند و این استان در زمینه پوشش خبری و عملکرد سرپرستی‌های روزنامه‌های کثیرالانتشار جزو استانهای فعال در سطح کشور است.» وی همچنین گفت: «با هدف ارتقای کیفیت مطالب مطبوعات محلی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان با همکاری دانشگاه علمی کاربردی در آینده‌ای نزدیک اقدام به برگزاری دوره‌های کاردانی روزنامه‌نگاری خواهد کرد.»

داده است که زمینه‌هایی بروز و تشدید استبداد در کشور، ابتدا با بستن مطبوعات و سرکوب روزنامه‌نگاران و فعالین سیاسی شروع شد است. روزنامه‌های افشاگر و منتقد زبان گویای مردم و افکار عمومی هستند، نباید اجازه داد شاهراه اطلاع‌رسانی آزاد در کشور بسته شود، وقوع این عمل ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به گردش اطلاعات و توسعه سیاسی وارد خواهد کرد. توفیق نشریات به تشدید بحران در جامعه دامن می‌زند و شرائط را برای تقویت رانت‌خواران اقتصادی فراهم می‌سازد و دست غارتگران را در چپاول منافع ملی باز می‌گذارد و به فرار سرمایه‌ها و مغزها و تشدید تورم در جامعه و عدم سرمایه‌گذاری در عرصه تولید کمک می‌کند.

افکار عمومی در سطح جامعه خواستار آزادی بلادرنگ روزنامه‌نگاران و دانشجویان زندانی است، آنها همچنان خواهان رفع توقیف فوری از مطبوعات مستقل هستند، مردم می‌گویند دیگر نمی‌خواهیم به احکام سنی حکومت گردن بگذاریم و دیگر حاضر نیستیم امور اجتماعی سیاسی‌مان را به دست شریعت‌مداران دینی بسپاریم، ما می‌خواهیم به عنوان شهروندان آزاد، سرنوشتمان را خود رقم بزنیم و بر اساس رای و اراده آزاد خویش نظام سیاسی و حقوقی مورد نظرمان را برگزینیم.

نمایندگان اصلاح طلب مجلس شورای اسلامی باید با استناد به حق قانونی خویش و با تکیه به قدرت مردم به اشکال مقتضی، طرح مجدد اصلاح قانون مطبوعات را جهت تصویب و بررسی در دستور دوباره قرار دهند و به هیچ یک از فرامین حکومتی در نفی موقعیت حقوقی خود و مردم گردن نگذارند.

جمع مجرمان و عوامل وابسته به گروهک‌های ضدانقلاب و غیرقانونی نام نهند. با سپری شدن ایامی چند، ۲۲ نشریه در سراسر کشور به محاق توفیق درآمد، توجیه دادگستری حول توقیف مطبوعات، مربوط به ماده ۱۳ از قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ و بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی بود، استناد به این قانون در ارتباط با مجرمین خطرناک صدق می‌کند، زیرا که چارچوب همه موازین در رابطه با بزهکاری اجتماعی است، بر همین اساس قوه قضائیه، مدیران مطبوعات و خبرنگاران را در ردیف مجرمان خطرناک محسوب کرده است، انتهای که در طول تاریخ در هیچ کجای جهان نمونه‌ای از آن را نمی‌توان سراغ گرفت.

از آن پس قوه قضائیه با صدور احکام بی در پی روزنامه‌نگاران شجاع و افشاگر را به اتهام واهی جاسوس و نفوذی روانه زندان‌ها ساخته است.

با وقوع این رخداد تلخ، امنیت شغلی و استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در معرض آسیب‌پذیری و خطر جدی قرار گرفته است. اکنون مدتی است که عوامل دادگستری و شعبات مربوط به آن بی‌پروا و گستاخانه به منازل روزنامه‌نگاران یورش می‌برند و عضوی از خانواده اهل قلم را طعمه نیت شوم خویش می‌سازند. زیرا که اقتدارگرایان شکست خود را در در جریان انتخابات مجلس ششم، ناشی از عملکرد مطبوعات و روزنامه‌نگاران متعهد می‌دانند، از همین روی آنها در صدد انتقام‌جویی از این صنف برآمده‌اند. مافیای قدرت و ثروت در تکاپوست که روند آزادی بیان را در جامعه مختل و محدود سازد.

این عمل می‌تواند در بلندمدت تاثیر نامطلوبی بر مشارکت‌های اجتماعی داشته باشد. تجربه نشان

## سرانجام زخم سر باز کرد

### پیرامون پیامدهای تقابل ولایت با مجلس

#### فرخ نگهدار

بوده‌اند - را به مشارکت در جنبش اصلاح طلبانه تشویق کرده است.

رو در رو کردن ولی فقیه با مجلس، مردم و مجلس را به هم نزدیک تر و متکی تر و آقای خامنه‌ای را به نیروهای مسلح متکی تر خواهد کرد. زیرا در فضایی که پدید آمده نه قابل پیش‌بینی و نه امکان‌پذیر است که مجلسیان بویژه جبهه مشارکت، مطیع و به فرموده عمل کنند. هیچ نشانی در دست نیست که دولت خاتمی و جریان اصلاح طلب آماده خودکشی است. نشانی در دست نیست که مجلس ششم خواهد خود را در اذهان عامه با مجلس پنجم قیاس پذیر سازد.

تداوم استفاده از عنصر ولایت برای مقابله با مجلس مستقیماً به هیجان عمومی و التهاب در پائین دامن می‌زند. هیجان و التهابی که این بار نه تنها چند ده یا چند صد هزار دانشجوی را، که دهها میلیون رای دهنده را در بر می‌گیرد.

این که می‌گویم می‌ا در آینده کی‌تادم‌مدت وضعی مبهم ولی در آینده‌ای دورتر آینده‌ای روشن تر خواهیم داشت به این معناست که ماده‌های آتی به احتمال زیاد ماده‌های حدت‌یابی بحران و افزایش هیجان عمومی خواهد بود. اما از آنجا که تناسب قوا هم در حکومت و هم در جامعه به شکل بسیار اطمینان‌زایی بسود جمهوری و دموکراسی چرخیده است و از آنجا که عامل بین‌المللی هم به وضوح همداستان با مردم است، لذا تعرض عنصر رهبری هر چه قدر هم که «کوبنده» باشد به روشنی با افزایش فشار مردم علیه آن همراه می‌شود. شواهدی که بر شمرده شد نشان می‌دهد زمینه برای این‌که از پس بحران جاری تغییر مثبت در جهت تقویت عناصر جمهوری و مردم‌سالاری و از پی آن راه برای تغییرات معین در ساختار قدرت و سیاست‌های آن گشوده شود بیش از زمینه برای پس نشینی جنبش اصلاح‌طلب و تحکیم سلطه عنصر ولایت بر حکومت است.

#### آیا آقای خامنه‌ای مصمم است به همین شکل ادامه دهد؟

چنانکه اعلام شده است دولت دارد آماده می‌شود که لوائح مهمی چون اصلاح قانون انتخابات، اصلاح قانون احزاب و نیز قانون مربوط به نحوه نظارت بر صدا و سیما را به مجلس ارائه کند. طرح‌های متعددی نیز در کمیسیون‌های مجلس در دست تهیه‌اند. نیک پیداست که هیچ کدام از این لوائح و طرح‌ها مورد علاقه مقام رهبری نیست. آیا وی هر زمان که این لوائح و طرح‌ها در دستور مجلس قرار گیرد باز «حکم حکومتی» صادر خواهد کرد؟

در مصاف آشکاری که میان عناصر ولایت و جمهوری در این نظام آغاز شده است پیش‌بینی چشم‌اندازهای کوتاه مدت دشوارتر از دیدن آینده‌ای دورتر است. رویدادهای همین دو سه روزه اخیر نشان می‌دهد که منازعات، برخلاف میل آقای خامنه‌ای و نزدیکان، به هیچ وجه امکان ندارد در اسماق جامعه نفوذ نکند و عامل بسیار نیرومند افکار عمومی را به قضاوت نکشاند. کمتر خانه‌ای در ایران را می‌توان یافت که این روزها حکم آقای خامنه‌ای، سخن آقای کربوبی و واکنش نمایندگان مجلس را نشنیده و پیرامون آن قضاوت روشن نداشته باشد. علنی شدن حکم رهبر افشار بیشتری از مردم - که تا امروز به امکان تحول و به «قدرت رای» بی‌باور

در این ۳ ساله اخیر حتی مؤمن‌ترین اشخاص به جمهوری اسلامی ایران را دیگر باور این نبود که می‌توان تا دراز مدت بر دوگانگی ماهوی دو عنصر ولایت و جمهوری در این نظام سروپوش گذاشت. اهتمام عموم پایبندان به این نظام، جز گروه خضونت طلبان تندرو، همه این بوده است که این تناقض را کنترل، تلطیف و هرچه بیشتر همزیستی پذیر سازند. در این تلاش‌ها یک طرف البته در سودای تقویت ولایت و طرف دیگر در اندیشه جمهوری بیشتر بوده است.

رویداد روز یک شنبه از این نظر نامنتظر بود که آشکارا و بی‌تردید چرخشی علیه این تلاش‌ها بود. مسلم که در هر دو جناح حاکم این ارزیابی وجود داشته است که وضعیت حکومت، جامعه و تعادل قوا به گونه‌ایست که هنوز تا مدت‌ها ایران می‌تواند پذیرای همزیستی نوعی از ولایت با نوعی از جمهوری گردد. مطلع نیستم اما مطمئنم که بسیاری از مؤمنان به جمهوری اسلامی اکنون بر این نظرند که حرکت آقای خامنه‌ای به امکانات و رادحله‌هایی که همزیستی این دو عنصر را ممکن می‌کنند به شدت آسیب‌زده و رووند به رویارویی کشیده شدن آن دو را شتاب بخشیده است.

از سوی دیگر در شرایطی که حتی بیسپترین شعور سیاسی هم تشخیص می‌دهد که امکانات حکومت‌ها در همه جای دنیا، برای محروم کردن شهروندان از دسترسی به اطلاعات و اخبار، چون برف در تسموز در حال آب شدن است، حرکت مقام رهبری جمهوری اسلامی بوی زنده این حکم را زیر پینی مردمی گرفت که دست کم از نظر آنگاه سیاسی بسیار پیش‌رفته‌اند، مردمی که بسیار تجربه کرده‌اند و بسیار می‌دانند. آیا آقای خامنه‌ای سایل است بدانند نظر مردم در باره حکم او در رابطه با مطبوعات چیست؟ در این ارتباط من از آنچه که در مخیله آقای خامنه‌ای گذشته است البته مطلع نیستم. اما تجربه سیاسی به من می‌گوید آقای خامنه‌ای باید امیدوار بوده باشد که شاید قضیه در مجلس منکوم بماند. علنی شدن این

و دیوار سکوت مطبوعات مطیع و خنثی را از سر راه مردم برداشتند. از آن پس آزادی بیان از حق نظارت عمومی بر عملکرد صاحبان قدرت از جمله مباحث و موضوعات دائم صفحات مطبوعات منتقد گردید. جامعه نیز برای ایفای نقش و مشارکت در سرنوشت خویش از طیف مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران شجاع، استقبال شایان توجهی به عمل آورد.

از همین روی، نظام اطلاع‌رسانی مستقل به زبان گویای مردم و افکار عمومی مبدل شد و تعداد قابل توجهی از نشریات تازه تاسیس در خدمت منافع ملی و توسعه سیاسی قرار گرفت. این طیف از مطبوعات به جامعه امکان داد تا

حکم به همت تلاش و عمل جسورانه نمایندگانی بوده است که تعهد نخست‌شان به مردمی بوده است که به آنها رای داده‌اند.

به میدان گسیل شدن رکن ولایت محصول فرسوده شدن سایر اهرم‌هاست. آنها از جمله در جریان انتخابات اقتدر شورای نگهبان را با اهداف جناحی و حقیر دستمالی کردند که امروز دیگر هیچ کس در ایران باور ندارد که این شورا مافوق جناح‌هاست. آنها بر دوش شورایی که قرار بود استوانه نظام باشد اقتدر بار اضافی و ازان گذاشتند که عملاً آن را از حیز انتفاع دیدار با اعضای شورای نگهبان را شاهد این ارزیابی می‌گیرم.

بدین ترتیب به میدان آمدن آقای خامنه‌ای محصول پیشرفت روندها و از دست رفتن ذخائر دیگر است. جامعه ما از روزهایی که عنصر ولایت برای پیشبرد اهداف خود پراستی پر «حضور مردم در صحنه» متکی بود فرسنگها دور شده‌است. تحول اخیر نشانه حدوث تغییری دیگر در تناسب قواست، تناسب میان ولایت و جمهوری، میان زرادخانه خودکامگی و ذخائر مردم سالاری.

اگر آقای خامنه‌ای این قدر آشکار علیه آزادی مطبوعات قد بر نمی‌افراشت راه برای کاهش کنترل مطبوعات البته شاید کمی هموار می‌شد. اما فارغ از هرگونه تردید مسلم بود که رویارویی ولایت با رای مردم پوشیده‌تر و امکان همزیستی تناقض طولانی‌تر می‌ماند. حرکت آقای خامنه‌ای یک شوک سنگین بر مغز کسانی بود که در این نظام هنوز در این فکرند که هم ولایت چیز خوبی است و هم جمهوری، توسل به آقای خامنه‌ای روند قطعی شدن تمایلات سیاسی، هم در درون حکومت و هم میان مردم و نهادهای غیر منتخب، را شتاب بخشید.

اکنون با ولایت چه باید کرد؟ عسوم نیروها و فعالان سیاسی که به دموکراسی برای ایران می‌اندیشند در این روزها دارند به این فکر می‌کنند که حالا در قبال «مقام رهبری» از کدام خط مشی پیروی باید کرد؟ تا آنجا که من دریافته‌ام در این ارتباط - از آستانه ۲ خرداد ۷۶ به این سو - سه پاسخ عمومی وجود داشته است.

● عده‌ای مکرر گفته‌اند ولایت با جمهوری نمی‌خواند و یگانه راه خلع رهبر و انحلال ولایت فقیه و این مطالبه روز است. این طرز فکر ضمن انتقاد از اصلاح‌طلبانی که با مقوله ولایت تعیین تکلیف نکرده‌اند معتقد است ولایت فقیه و شخص ولی فقیه باید در مرکز حله قرار گیرد. به این تاکتیک در خارج کشور و نیز در برخی محافل دانشجویی عمل شده است.

● عده‌ای دیگر گفته‌اند جنبش اصلاحات فقط زمانی می‌تواند پیش برود، یا باقی بماند، که با «رهبری» رو در رو نشود. (می‌گویند آقای خاتمی فقط وقتی مطمئن شد رهبر در مقابلش نخواهد ایستاد خود را نامزد کرد) مطابق این نظر امتناع از رو در رونی با آقای خامنه‌ای و جلب اعتماد وی برای تحقق اصلاحات حائز اهمیت کلیدی است و باید تلاش کرد که آقای خامنه‌ای از حمایت یک جانبه از محافظه کاران منصرف

و دیوار سکوت مطبوعات مطیع و خنثی را از سر راه مردم برداشتند. از آن پس آزادی بیان از حق نظارت عمومی بر عملکرد صاحبان قدرت از جمله مباحث و موضوعات دائم صفحات مطبوعات منتقد گردید. جامعه نیز برای ایفای نقش و مشارکت در سرنوشت خویش از طیف مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران شجاع، استقبال شایان توجهی به عمل آورد.

از همین روی، نظام اطلاع‌رسانی مستقل به زبان گویای مردم و افکار عمومی مبدل شد و تعداد قابل توجهی از نشریات تازه تاسیس در خدمت منافع ملی و توسعه سیاسی قرار گرفت. این طیف از مطبوعات به جامعه امکان داد تا

واقع روز یکشنبه ۱۶ مرداد بیان آشکار و فشرده حیاتی‌ترین چالشی است که نظام سیاسی حاکم بر کشور ما، و یا بهتر بگویم تمامیت جامعه ما، با آن روبروست: کشاکش میان ولایت و جمهوری، کشاکش میان خودکامگی و مردم‌سالاری، میان رای رهبر و رای مردم.

گرچه بر بسیاری آشکار بود که آقای خامنه‌ای خود شخصاً جنگ علیه مطبوعات را هدایت می‌کند با این حال واقعه روز یکشنبه برای اکثر ناظران سیاسی غیر قابل انتظار بود. آنچه انتظار می‌رفت این نبود که برای خارج کردن طرح اصلاح قانون مطبوعات این قدر راحت از کیسه ولایت هزینه کنند. همه در انتظار بودند که با شروع مجلس ششم نبرد میان حق و باطل از منشور کشاکش‌های مجلس و شورای نگهبان و سپس مجمع تشخیص مصلحت عبور کند. همه انتظار داشتند مقام ولایت آخرین جنگ افزار باشد.

چرا به مقام رهبری، توسل شد؟ چرا تا این حد ازان، بی‌محابا و شتاب‌زده از رکن ولایت، که همیشه اصلی‌ترین و اساسی‌ترین استوانه این نظام شناخته شده است، استفاده شد؟ چرا تا این حد صریح و بی‌پرده علیه نص قانون اساسی، علیه روال عادی و همیشگی در جمهوری اسلامی ایران عمل شد؟ آیا روشن نبود که معنای رو در رو کردن مستقیم رهبر با رای مردم چه عواقبی برای این نظام در پی دارد؟

زخم نهفته در جان این نظام سیاسی، به خصوص از ۲ خرداد به این سو هر زمان حادث، همراه و همزاد رویدادهای جاری بوده است. همه را هر لحظه انتظار این بود که این زخم سر باز کند.

در این ۳ ساله اخیر حتی مؤمن‌ترین اشخاص به جمهوری اسلامی ایران را دیگر باور این نبود که می‌توان تا دراز مدت بر دوگانگی ماهوی دو عنصر ولایت و جمهوری در این نظام سروپوش گذاشت. اهتمام عموم پایبندان به این نظام، جز گروه خضونت طلبان تندرو، همه این بوده است که این تناقض را کنترل، تلطیف و هرچه بیشتر همزیستی پذیر سازند. در این تلاش‌ها یک طرف البته در سودای تقویت ولایت و طرف دیگر در اندیشه جمهوری بیشتر بوده است.

رویداد روز یک شنبه از این نظر نامنتظر بود که آشکارا و بی‌تردید چرخشی علیه این تلاش‌ها بود. مسلم که در هر دو جناح حاکم این ارزیابی وجود داشته است که وضعیت حکومت، جامعه و تعادل قوا به گونه‌ایست که هنوز تا مدت‌ها ایران می‌تواند پذیرای همزیستی نوعی از ولایت با نوعی از جمهوری گردد. مطلع نیستم اما مطمئنم که بسیاری از مؤمنان به جمهوری اسلامی اکنون بر این نظرند که حرکت آقای خامنه‌ای به امکانات و رادحله‌هایی که همزیستی این دو عنصر را ممکن می‌کنند به شدت آسیب‌زده و رووند به رویارویی کشیده شدن آن دو را شتاب بخشیده است.

از سوی دیگر در شرایطی که حتی بیسپترین شعور سیاسی هم تشخیص می‌دهد که امکانات حکومت‌ها در همه جای دنیا، برای محروم کردن شهروندان از دسترسی به اطلاعات و اخبار، چون برف در تسموز در حال آب شدن است، حرکت مقام رهبری جمهوری اسلامی بوی زنده این حکم را زیر پینی مردمی گرفت که دست کم از نظر آنگاه سیاسی بسیار پیش‌رفته‌اند، مردمی که بسیار تجربه کرده‌اند و بسیار می‌دانند. آیا آقای خامنه‌ای سایل است بدانند نظر مردم در باره حکم او در رابطه با مطبوعات چیست؟ در این ارتباط من از آنچه که در مخیله آقای خامنه‌ای گذشته است البته مطلع نیستم. اما تجربه سیاسی به من می‌گوید آقای خامنه‌ای باید امیدوار بوده باشد که شاید قضیه در مجلس منکوم بماند. علنی شدن این

و دیوار سکوت مطبوعات مطیع و خنثی را از سر راه مردم برداشتند. از آن پس آزادی بیان از حق نظارت عمومی بر عملکرد صاحبان قدرت از جمله مباحث و موضوعات دائم صفحات مطبوعات منتقد گردید. جامعه نیز برای ایفای نقش و مشارکت در سرنوشت خویش از طیف مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران شجاع، استقبال شایان توجهی به عمل آورد.

از همین روی، نظام اطلاع‌رسانی مستقل به زبان گویای مردم و افکار عمومی مبدل شد و تعداد قابل توجهی از نشریات تازه تاسیس در خدمت منافع ملی و توسعه سیاسی قرار گرفت. این طیف از مطبوعات به جامعه امکان داد تا

و دیوار سکوت مطبوعات مطیع و خنثی را از سر راه مردم برداشتند. از آن پس آزادی بیان از حق نظارت عمومی بر عملکرد صاحبان قدرت از جمله مباحث و موضوعات دائم صفحات مطبوعات منتقد گردید. جامعه نیز برای ایفای نقش و مشارکت در سرنوشت خویش از طیف مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران شجاع، استقبال شایان توجهی به عمل آورد.

از همین روی، نظام اطلاع‌رسانی مستقل به زبان گویای مردم و افکار عمومی مبدل شد و تعداد قابل توجهی از نشریات تازه تاسیس در خدمت منافع ملی و توسعه سیاسی قرار گرفت. این طیف از مطبوعات به جامعه امکان داد تا

و به عنوان رهبر همه جمهوری اسلامی عمل کند. این فکر در میان ائتلاف ۲ خرداد زمینه وسیع دارد و بخشی از اپوزیسیون نیز از آن حمایت می‌کند.

● و بالاخره عده‌ای باور داشته‌اند که آقای خامنه‌ای رهبر محافظه کاران است و سیاست نسبت به وی باید بر همین اساس تنظیم شود. لذا تنها تغییر تناسب نیروها در حکومت و جامعه راه برای پیشبرد اصلاحات را می‌گشاید. این کار باید از طریق تقویت مشارکت مردم، با فشار از پائین و با چانه زنی در بالا، همراه با تمرکز حمله روی افراطی‌ترین گرایش‌ها در جناح راست - ضمن اجتناب از درگیری مستقیم با آقای خامنه‌ای - پی گرفته شود. این تاکتیک از سوی اصلاح‌طلبان رادیکال در حکومت و نیز از سوی جناح‌هایی از اپوزیسیون دنبال شده است.

تاثیر رویداد روز یکشنبه و تکرار احتمالی آن بر روی روحیات و خطشی‌های سه‌گانه فوق چگونه است؟ اینکه آقای خامنه‌ای شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت را دور زده و خود مستقیماً با به میدان گذاشته بر چهره کسانی که القای ولایت را تا امروز طلب کرده‌اند رنگی از لخبند نشاند و آنان که در هوای جلب وی بودند را به کشیدن یک نفس عمیق وادار کرد. بسته به میزان اصرار جناح راست به استفاده از آقای خامنه‌ای در مسایل روزمره جناحی، بسته به اینکه تا چه میزان شخص آقای خامنه‌ای در مقابل دولت و مجلس قرار داده شود، به همان میزان به اندیشه‌هایی که حول و حوش تعدیل ولایت در حاشیه حکومت مطرح می‌شود زیان می‌زند. رو در رونی آشکار آقای خامنه‌ای با مجلس بزرگترین ضربه به فکری است که اندیشه جذب وی به هواداری از اصلاحات را در سر داشته است.

گرچه اندیشه ولایت هیچگاه در تمام طول تاریخ معاصر ایران تا این حد در میان فعالان اسلامی منزوی نبوده است، گرچه عمل آقای خامنه‌ای دارد به فکر تعدیل ولایت سخت‌ترین ضربات را وارد می‌کند، با این همه در این کشور تا اکثریت یافتن فکر یک جمهوری تماماً پارلمانی، عاری از هرگونه زعامت و ولایت و سلطنت، راه بلندی باقی است.

هنوز قطعی نیست که «مقام رهبری» در آینده نیز با همان زعمتی روز یکشنبه بطور تمام قد خود را آماج خشم رای‌دهندگان و مجلس دوستان قرار دهد. اما اگر او چنین کند راهی کوتاه‌تر - و اما متأسفانه پر دردتر - را به سوی دموکراسی پارلمانی به روی کشور خواهد گشود.

مواضع آقای خامنه‌ای در کشاکش بر سر انتخابات تهران، در قتل‌های زنجیره‌ای، در تهاجم به کوی دانشگاه، در سوء قصد به آقای حجاریان و دیگر جاها نشان داد که اصلاح‌طلبان می‌توانند با هوشمندی تمایلات دوگانه در جناح راست را از هم منفک و با علنی کردن وسیع و بسیج گسترده افکار عمومی طرف صاحب‌نظرانی که با مذاکره با خویش نیازمند سازند. مطالب‌نظرانی که قمع مطبوعات و قیام آقای خامنه‌ای علیه مجلس تقویت مواضع روحانیون ضداصلاحات در حکومت را نتیجه می‌گیرند برای نقش عامل افکار عمومی، برای عامل فشار اجتماعی، در سمت‌دهی و در سیر رویدادهای کشور بهای کافی قائل نیستند. در

و باز از همین روی، به یسن حضور مبارک مطبوعات مستقل و منتقد در کشور، گرایشات مردم‌سالارانه در جامعه تقویت شد و سطح خرد و آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم ارتقاء یافت و فرهنگ جامعه دستخوش دگرگونی و تحول نسبی گشت. در این مدت مطبوعات مستقل بهترین گزینیه‌ها و افشاگری‌ها را حول شکل‌گیری مافیای قدرت و ثروت، در اختیار جامعه و افکار عمومی قرار دادند و با اقدامات شجاعانه و تحسین‌برانگیز، پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و حمله به کوی را پیش پای مردم گشودند، و با تاباندن نور به دخمه‌ها و تاریک‌خانه اشباح، عالی‌جنابان سرخ‌پوش و خاکستری را نزد مردم رسوا ساختند.

بعدها روزنامه‌نگاران مستقل نزد افکار عمومی از چنان مقبولیتی برخوردار شدند که علی‌رغم حذف و موانع اساسی شورای نگهبان لیست کاندیداتوری آنان برای مجلس شورای اسلامی با اقبال عمومی روبرو گردید. در این رابطه افشاگری‌های آنان و دانشجویان چنان

و دیوار سکوت مطبوعات مطیع و خنثی را از سر راه مردم برداشتند. از آن پس آزادی بیان از حق نظارت عمومی بر عملکرد صاحبان قدرت از جمله مباحث و موضوعات دائم صفحات مطبوعات منتقد گردید. جامعه نیز برای ایفای نقش و مشارکت در سرنوشت خویش از طیف مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران شجاع، استقبال شایان توجهی به عمل آورد.

از همین روی، نظام اطلاع‌رسانی مستقل به زبان گویای مردم و افکار عمومی مبدل شد و تعداد قابل توجهی از نشریات تازه تاسیس در خدمت منافع ملی و توسعه سیاسی قرار گرفت. این طیف از مطبوعات به جامعه امکان داد تا

جامعه‌ای که گسیل آقای خامنه‌ای علیه مجلس تا اعماق تمام روستاهای کشور همه شهروندان را علیه وی و به دفاع از مجلس می‌خیزاند، باید به درستی نتیجه گرفت این روش تنها عمر ولایت را کوتاه می‌کند.

من تردید ندارم که اگر آقای خامنه‌ای و مشورت‌دهندگان به او اصرار داشته باشند که نبینند در کدام جامعه بسر می‌برند و به همان رفتاری که با نمایندگان و اصحاب مطبوعات داشته‌اند پای فشارند، آنگاه - حتی اگر بسیاری از اصلاح‌طلبان نخواهند یا واهمه کنند - قطعاً هیجان و التهاب اجتماعی بالا خواهد گرفت و رابطه حکومت و مردم با بحرانی مواجه خواهد شد که از پی آن به یقین چیزی جز ولایت فقیه سر برخواهد آورد. تا این لحظه هنوز برای جامعه امکان پرهیز از خضونت از دست نرفته است.

در کنگره اخیر جبهه مشارکت اسلامی اعلام شد که انتخاب آقای خاتمی با بیش از ۲۰ میلیون رای سهم‌ترین وظیفه روز است. اگر جبهه مشارکت در این تصمیم جدی باشد برای تحقق آن نه تبلیغات وسیع بسود آقای خاتمی بلکه طراحی یک استراتژی سیاسی ضروری است. این هدف تنها زمانی تحقق‌پذیر می‌گردد که رای‌دهندگان طی یکساله آتی نه صرف‌گردد که در عمل ببینند که مجلس و دولت طرح‌ها، لوائح و اقدامات معینی را در انجام وعده‌هایی که در انتخابات قبل به جامعه داده بودند، پی‌گرفته‌اند.

حیات و سرنوشت جنبش اصلاح‌طلبانه کنونی - که به سرکردگی یک گرایش روشنفکری دینی جریان دارد - در وضع فعلی بیش از این که با عمل آقای خاتمی گره خورده باشد با عمل و حرکت مجلس ششم گره خورده است.

مجلس باید موفق شود صمیمیت و قاطعیت خود را در تلاش برای تحقق آنچه که به خاطر آنها از مردم رای گرفته است به مردم نشان دهد. فقط اگر چنین شود قضاوت و عاطفه مثبت دهها میلیون شهروند رای‌دهنده پشتیبان مجلس خواهند ماند و رای مجدد به این گرایش معنا اهمیت پیدا خواهد کرد.

شنبه می‌شود برخی می‌گویند رویارویی با رای رهبری ارکان نظام را زیر سؤال می‌برد. این سؤال، از دیدگاه یک اصلاح‌طلب دینی - تا زمانی که به این صفت وفادار باشد - تنها زمانی جدی است که عدم رویارویی با رای رهبری مستلزم پوچ‌کردن رای مردم و محلی با آن نباشد. آنگاه که رای رهبری - یا حتی عسلیرغم طبع و خواست بسیاری از مصلحت‌طلبان این نظام - خود را تمام قد در برابر رای مردم قرار می‌دهد، زمانی که جناح محافظه کار در حکومت - علیرغم دو سه تلاش فرساینده مصلحت‌طلبان این نظام - سرانجام به مجلس حاکم می‌کند «یا رای رهبر یا رای مردم»، زمانی که، به تدبیر یا به بی تدبیری رهبری، زخم سر باز می‌کند، برای اصلاح‌طلبان، و قبل از همه برای روشنفکران دینی، جای بسیار محدودی برای انتخاب راه سوم - هم رای رهبر، هم رای مردم - باقی می‌ماند. آقای خامنه‌ای با حرکت خود مهلت برای تصمیم را برای حامیان راه سوم کوتاه کرده است و شناخت من آن است که، در وضعیت جاری جامعه ما، اکثریت بزرگ اصلاح‌طلبان دینی در این فرصت کوتاه به وفاداری به هویت خویش، وفاداری به رای مردم، روی خواهند کرد.

جنبش اصلاح‌طلبانه موجود - به اتکالی دو پایه نیرومند سکولار و دیندار خود - نه تنها قادر است تعرض ولایت مطلقه را مهار کند، بلکه، با ایستادگی، لایه‌های وسیع‌تری از جامعه را نیز به مشارکت در خود برانگیزد. ایران دارد با گام‌هایی سریعتر از آنچه تاکنون دیده یا پیش‌بینی شده بسوی جمهوری و دموکراسی گام برمی‌دارد. همه چیز در گرو ایستادگی مجلس است.

عرصه را بر نهاد روحانیت «هاشمی رفسنجانی» تنگ ساخت که وی مجبور به انصراف و ترک صندلی مجلس شورا شد. رای مردم بیش از ۸۰ درصد از ترکیب کاندیداها و نمایندگان سابق جناح راست را به بیرون مجلس هدایت کرد و با این عمل مجلس شورا در اختیار اصلاح‌طلبان قرار گرفت و اقتدارگرایان از ورود به خانه ملت بازماندند. در تمامی این دوران، تمامیت خواهان نیز بیکار نشستند، آنها از هر فرصت ممکن سود جستند و علیه دستوردهای مردمی دوم خرداد به توطئه مشغول شدند و با لوازم و ابزار گوناگون که در اختیار داشتند، تلاش ورزیدند که مردم را از روند توسعه سیاسی در کشور، ناامید سازند.

راست حکومتی هر روز با توسل به موضوعی به ایجاد بحران در کشور پرداخت، مافیای قدرت و ثروت بر آن شد که نقشه و تاکتیک‌های هدفمند خود را یک به یک به مرحله اجرا بگذارد و تعرض خود را به جنبش ادامه در صفحه ۶

و دیوار سکوت مطبوعات مطیع و خنثی را از سر راه مردم برداشتند. از آن پس آزادی بیان از حق نظارت عمومی بر عملکرد صاحبان قدرت از جمله مباحث و موضوعات دائم صفحات مطبوعات منتقد گردید. جامعه نیز برای ایفای نقش و مشارکت در سرنوشت خویش از طیف مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران شجاع، استقبال شایان توجهی به عمل آورد.

از همین روی، نظام اطلاع‌رسانی مستقل به زبان گویای مردم و افکار عمومی مبدل شد و تعداد قابل توجهی از نشریات تازه تاسیس در خدمت منافع ملی و توسعه سیاسی قرار گرفت. این طیف از مطبوعات به جامعه امکان داد تا

و دیوار سکوت مطبوعات مطیع و خنثی را از سر راه مردم برداشتند. از آن پس آزادی بیان از حق نظارت عمومی بر عملکرد صاحبان قدرت از جمله مباحث و موضوعات دائم صفحات مطبوعات منتقد گردید. جامعه نیز برای ایفای نقش و مشارکت در سرنوشت خویش از طیف مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران شجاع، استقبال شایان توجهی به عمل آورد.



## کدام قانون، کدام راه

جهان

## التزام به کدام قانون

بهرز

قانون میثاق مشترکی است که مردم یک کشور از طریق نمایندگان خود بر آن عهد می‌بندند تا در کمال صلح و امنیت زندگی کنند. یک قانون مترقی بایستی از اصول مبتنی بر نابرابری نژادی، مذهبی و جنسی عاری باشد. همچنین قانون بایستی شرایط رشد برابر اقتصادی را برای همه افراد تامین نماید. اصول یک قانون بایستی جوری تنظیم شود که از خودسری همه افراد و بخصوص از خودسری مسئولین حکومت جلوگیری نماید. قانون بایستی مدرن، دموکراتیک و مطابق با اصول شناخته شده بین المللی حقوق بشر باشد. بنابراین حکومت هر چیزی را جهت برآوردن امیال و خواسته‌های افراد محدودی نمی‌تواند قانون کند. همچنین مردم بایستی امکان آنرا داشته باشند که قانونی را که خود سالیها پیش وضع کرده‌اند و حالا دیگر آنرا نمی‌خواهند و یا دیگر ضرورتش را نمی‌بینند تغییر دهند. حکومتی غیردمکراتیک معمولاً این امکان را به مردم نمی‌دهد و حتی از قوانین مربوط به گذشته‌های بسیار دور در جهت تضییع حقوق آنان سوءاستفاده می‌کند.

قانونگرایی از اعتماد و اطمینان متقابل حکومت و مردم ناشی می‌شود. میزان پایبندی مردم به قانون بستگی به همسویی محتوای قانون با منافع عمومی جامعه دارد و معمولاً حاصل تقسیم دموکراتیک قدرت سیاسی است. اما از آنجائیکه در حال حاضر در کشور ما به دلیل سالیها تعطیل ماندن قانون، التزام به قانون و رعایت آن به معیار سنجش خوب و بد و مقبول و نامقبول تبدیل گشته است، چگونگی محتوای این قانون به فراموشی سپرده شده است. نتیجتاً وضع به صورتی در آمده است که هر صاحب قدرتی انجام هرکار دلیخواهی را با چسباندن به یک ماده قانونی مشروع جلوه می‌دهد و چنانچه این ماده قانونی موجود نباشد بلافاصله به خلق آن در مراکز می‌پردازد که ارتباط چندانی به رای و انتخاب مردم ندارند. جمهوری اسلامی که به لحاظ بی توجهی به قوانین تامین کننده حقوق مردم و همچنین به لحاظ تصویب قوانین سرکوبگر پدید بی نظیری در جهان مستعد بشمار می‌رود، هرگز واژه قانون را از زبان دور نینداخته است و به شکل شگفت‌انگیزی به چنایت و بریدن دست و پا نیز چهره قانونی داده است. حاکمان و قدرتمندان اصلی این حکومت که اکثرآ در ارگانهای غیرانتخابی جمع شده‌اند و هرگز توسط مردم انتخاب نشده‌اند و هیچ ربطی هم به جمهوری ندارند، هرگز به مردم اعتمادی از خود نشان ندادند و از همان اول آنها را به انقلابی و غیرانقلابی، مسلمان و کافر، خط امامی و منحرف و این اواخر خودی و غیرخودی تقسیم کرده‌اند و در این میان معمولاً هم اکثریت مردم در آن سمتی افتادند که با واژه «غیره» توصیف می‌شوند. البته در عمل زیانهای که مردم ما از این تقسیم‌بندی و از این جو بسی‌استمدادی مستحل شدند، عمیق‌تر و وحشتناک‌تر است. جمهوری اسلامی هرگاه منافعی اقتضا کرده است قانون را زیر پا نهاده است. نیروهای مشخصی از جمله رهبر، شورای نگهبان، سپاه پاسداران، نیروهای اطلاعاتی و گروههای فشار هرگز این پرنسپ را نداشته و ندارند که خود را ملزم به قانونی بدانند که حق دیگران را تأمین نمی‌نماید و از زیاده‌روی‌های حکومت در اقدامات خودسرانه جلوگیری کند.

جمهوری اسلامی از شروع قدرت گرفتارنش، هر چیز غیرقانونی را قانونی کرده است. تازه‌ترین هایش قانونی کردن استعفان دادن رفسنجانی در مقطع انتخابات اخیر، قانونی کردن بستن مطبوعات توسط مراجع مختلف و یا قانونی کردن پیگرد نویسنده و صاحب امتیاز در یک جرم مطبوعاتی است.

اعلام خودکشی سعید امامی با داروی نوظافت و تعیین مجازات مختصر برای یکی از مستهین حمله به کوی دانشگاه، آنهم نه به جرم سرکوب دانشجویان، بلکه به دلیل سرعت یک ریش تراش، پایبندی مسئولین جمهوری اسلامی را به قانون، به یک جرم شبیه‌تر کرده است. در روزهای اخیر نیز اوج بی‌قانونی و هرج و مرج‌طلبی دادگستری جمهوری اسلامی را در دستگیری وکلای شاکیان مسببین قتل‌های

زنجیردای و عاملان وقایع کوی دانشگاه و اقدام حیرت‌آور آزادکردن متهمان و مجرمان این دو واقعه می‌توان مشاهده کرد.

مسئولین جمهوری اسلامی همچنین بیش از بیست سال است که خواهان اجرای قانون اساسی هستند که خود نوشته‌اند. اما پس از اینهمه مدت هنوز قانون آزادی احزاب سیاسی را که یکی از ابتدائاتی ترین اجزاء دموکراسی است اجرا نکرده‌اند. اکنون نیز که مردم ایران یکپارچه خواهان توسعه سیاسی و اصلاحات اقتصادی در چارچوب قانون می‌باشند، نیروهای راست و محافظه کار برای کمرنگ‌تر جلوه دادن این خواست همگانی و عقب‌راندن اصلاح‌طلبان، حل مشکلات اقتصادی را به دستاویزی جهت محدودنگداشتن اصلاحات و حفظ سیطره قدرت خود نموده‌اند. این نیروها که خود از وجود آورندگان اصلی این مشکلات و سایر فجایع بیست و دو ساله اخیر کشور ما هستند، هرگز گوش شنوایی برای دیگران نداشته‌اند، اما حالا می‌خواهند که خود را مرکزیت اصلاحات قرار دهند. اصلاحاتی که پیش از هر چیز، حذف سلطه غیرقانونی آنها را هدف قرار داده است.

جالب این است که در حال حاضر واژه‌هایی نظیر مردم‌سالاری و اصلاح‌طلبی نیز به دهان آنها راد یافته است. اما همین نیروها هر جا که مردم به حربه دیگری متوسل شدند تا مسئولین را متوجه کمبودها و نارسائی‌ها کنند و یا اساساً متوجه آن کنند که خودشان می‌خواهند بگویند که چه می‌خواهند و چه نمی‌خواهند، حتی اگر این حربه انتخابات باشد، دست به سرکوب و کشتار آنها می‌زنند.

رئیس‌جمهور خاتمی نیز که خود مسئول اجرای قانون است، خواستار آنست که «مردم در چارچوب قانون اساسی آزادی داشته باشند و بتوانند حرفشان را بزنند و گرنه تک صدائی روزی باعث انفجار جامعه می‌شود». و آیت‌الله حسینی پاسخ رئیس‌جمهور را خیلی روشن می‌دهد: «کی می‌گوید در این مملکت آزادی نیست؟ اگر کسی می‌خواهد به مسجد برود و دو رکعت نماز بخواند چه کسی مانع او می‌شود».

البته این خواستارشدن از عادات قدیمی مسئولین جمهوری اسلامی است که بیشتر با هدف بازکردن مسئولیت از سر خود به کار می‌رود. از شگردهای این عدم مسئولیت‌پذیری این است که اکثر افراد و نهادهای صاحب قدرت در جمهوری اسلامی به اظهار و اعلام مشکلات، بن‌بستها و نارسائی‌های موجود در جامعه می‌پردازند و خواهان حل آنها می‌شوند. از کی و یا کدام مرکز تصمیم‌گیری هرگز معلوم نیست. مثلاً خمینی بارها خواهان حل مشکلات اقتصادی مردم شد، در حالی که در همان زمان تمامی ارگانهای اداره‌کننده کشور را زیر نفوذ مستقیم و یا غیرمستقیم خود داشت.

در واقع علت اساسی این است که نیروهای راست کاملاً مخالف توسعه سیاسی و اصلاحات هستند و اصلاح‌طلبان از خارج شدن کنترل اوضاع از دست خود وحشت دارند که مبادا موجودیت کل نظام به خطر افتد. بر چنین زمینه‌ای است که سازمان اکثریت استراتژی خود در این مرحله از جنبش را دست‌یافتن به راهی عملی جهت مبارزه سیاسی در داخل کشور تعیین کرده است. استراتژی که هموارنمودن راه بازگشت فعالین سیاسی خارج از کشور را هدف خود قرار داده است. به عبارت دیگر بازگشت امن و شرافتمندانه به منظور فعالیت سیاسی. به نظر می‌رسد که التزام یک طرفه به قانون اساسی یکی از متدهائی است که به منظور جامه عمل پوشاندن به این خواست پیشنهاد شده است. اما طرح‌کنندگان این پیشنهاد تحلیل مدلی نکرده‌اند که چرا این التزام یکطرفه تنها راه برون‌رفت از وضعیت فعلی است. به عبارت بهتر چرا چنین می‌پندارند که التزام به قانون اساسی روزنه دل حاکمان را به سوی صدور اجازه فعالیت سیاسی ما می‌گشاید.

فعالین سیاسی علاقمند می‌توانند و باید که جهت بازگشت امن و شرافتمندانه خود تلاش کنند. می‌توانند بر سر آن از دولت و یا مجلس تقاضای مذاکره کنند. می‌توانند که نام‌های به دولت یا مجلس بنویسند و بگویند ما سازمانی

هستیم و یا سازمانهائی هستیم با ۱۰۰۰۰ یا ۵۰۰۰۰ طرفدار و می‌خواهیم به کشور بازگردیم. اما اگر جواب این تقاضا، نه باشد یا اصلاً پاسخی داده نشود و در برابر آن کاملاً سکوت گردد و یا پاسخ این باشد که هرکس خودش دلش می‌خواهد برگردد، ما نیازی به مذاکره نمی‌بینیم. آیا در آن صورت می‌توان نتیجه گرفت که التزام به قانون اساسی این معادله را تغییر دهد؟ موضوع بازگشت زمانی عملی است که نیروهای اصلاح‌طلب حکومتی به آن درجه از رشد سیاسی رسیده باشند که بازگشت را اولاً حق انسانی همه مهاجرین اعلام کنند و ثانیاً دست به تمهیدات عملی مشخصی در این راستا بزنند. واقعیت این است که حتی اعلام نیاز جمهوری اسلامی به خیل نیروهای متخصص و تحصیلکرده خارج از کشور در این چند ساله اخیر، در یک برنامه شفاف سیاسی اجتماعی بی‌هیچ شرط و اما و اگر انجام نگرفته است. اگر با خودمان صادق باشیم، ما هنوز نشانه‌هایی را ندیده‌ایم که دال بر یک پیشنهاد مشخص جهت برگشت مهاجرین از طرف حکومت باشد. کسی از آنسوی خط، حتی در بین رادیکالترین نیروهای اصلاح‌طلب، تمایل و یا نیازی به بازگشت ما نشان نداده است.

در چنین شرایطی صحبت از التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی نه تنها هیچ امتیاز سیاسی برای ما سببار نخواهد آورد، بلکه می‌تواند سبب حیرت و در نهایت بی‌اعتمادکردن دیگران به اتخاذ موضع درست از جانب سازمان اکثریت گردد. اساساً ما چرا بایستی ملزم به فعالیت در چهارچوب قانون اساسی گردیم که از طرفی خود رهبر و شورای نگهبان هم خود را ملزم به اجرای آن نمی‌دانند و از طرف دیگر خیلی از نیروهای اصلاح‌طلب هم دیگر بخشهای بزرگی از آن را قبول ندارند. هرگاه موضوع بازگشت امن و شرافتمندانه حل گردد، آن وقت تازه می‌توان امیدوار بود که فضائی فراهم آمده است که چیزی را که من هسته اصلی و مشترک همه نیروهای سیاسی تریخوخواه عاقل می‌دانم، در آن به حرکت درآورد: تلاش برای تأمین حق فعالیت علنی، قانونی و آزادانه سیاسی.

از آن گذشته من اعتقاد دارم که هیچ اقدام عملی دموکراتیک با وجود ولایت فقیه ممکن نخواهد بود. ولایت فقیه مبتنی بر یک سیستم شیان‌رمگی است و همچنانکه در اسلام عقل و علم زمانی از اعتبار و حقایق برخوردار است که فقط در راه اثبات درستی شریعت گام نهد، درک جمهوری اسلامی نیز از آزادی احزاب سیاسی فقط حفظ اساس اسلام و قدرت روحانیون است و نه پذیرش رقابت سیاسی میان نیروهای مخالف به منظور رسیدن به قانونی دیگر غیر از قانونی که اکنون موجود است. بیم آن می‌رود که با بالاگرفتن موج آزادیخواهی مردم و یا پیش‌رفتن نیروهای اصلاح‌طلب، رهبر و شورای نگهبان ملت را مهجور اعلام نمایند و عنوان کنند که این ملت نمی‌تواند برای خودش تصمیم بگیرد و فتوای رهبر جانشین رای ملت گردد. حتی در بین برداشتن گامی عملی در راه تأمین حق فعالیت آزادانه سیاسی نیز به فرمول‌بندی شرافقت و صادقانه تری دارد. من فرمول‌بندی زیر را ارائه می‌کنم:

۱- سازمان آماده است که با دولت و مجلس جمهوری اسلامی بر سر بازگشت امن و شرافتمندانه (رهبری و اعضاء خود) به مذاکره بنشیند.

۲- سازمان می‌خواهد که در داخل کشور در چارچوب قانون، فعالیت سیاسی کند. منظور از قانون، عدم توسل به زور و خشونت و استفاده از ابزار شناخته شده و متداندانه مبارزه سیاسی از جمله شرکت در انتخابات، داشتن مطبوعات آزاد، حق سخنرانی و اجتماعی و... می‌باشد.

۳- هدف اصلی مبارزه ما تغییر قوانین غیردمکراتیک سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جمهوری اسلامی تاریسدن به قانون اساسی مورد نظر خودمان می‌باشد. اولین اقدام ما در این راستا گذاشتن قانون ولایت فقیه به رای آزاد ملت ایران از طریق یک رفراندوم است.

در جهت هر چه عمومی‌تر کردن بحث فعالیت علنی، قانونی و التزام به قانون سعی می‌کنم طی این مطلب به نکاتی در این خصوص اشاره دارم. متذکر می‌شوم در این قسمت قصد ندارم که قانون را از زاویه طبقاتی مورد بررسی قرار دهم، بلکه به صورت عام آن را ارزیابی کنم. قانون در واقع ابزار کار در دست هیئت حاکمه در جهت اداره یک کشور است و همچنین ابزاری است در دست مردم در جهت کنترل حاکمان و سلاهی برای احقاق حقوق خود. این قانون دارای ظرفیت بنا به فراهخور جامعه در پذیرش حقوق و وظایف است. این موارد جزء نرم جوامع بشری درآمده که آن را به نام جامعه مدنی می‌شناسیم. به طور قطع قانون به یک بار، در یک جامعه به ظهور نمی‌رسد و مثل تمامی پدیده‌های دیگر باید پروسه تکاملی خود را با پای دیگر مسائل جامعه طی کند، به همین دلیل قوانین امروز برای فردا کهنه به نظر می‌رسد، چون امروز هنوز ضرورت‌های فردا مشخص نشده است. چارچوب جوامع امروز را قانون تشکیل می‌دهد و جوامعی که هنوز در آن قانونمندی وجود ندارد از جوامع بشری فاصله دارد. تا علل این فاصله شناخته نشود، قانون را نمی‌توان در آنجا جاری کرد.

## قانون در کشور ما

به دنبال تحولات شگرفی که در زمینه‌های مختلف در کشورهای بسیار جهان در پی شکل‌گرفتن سرمایه‌داری صورت گرفت، ما هم بنا به تغییرات ساختاری شروع به تکوین قانون کردیم، چون نفس این روند با وجود حاکمان مرتجع قاجار در تضاد بود، آنها از خسر وسیله سود جستند تا از این روند جلوگیری کنند. برای ایمن‌سازی مذهب را به میدان آوردند و روشنفکران را تکفیر کردند و به مردم ندا دادند که چون شما مسلمان هستید، از قوانین آسمانی برای حل مسائل زمینی سود جوئید. اما با جانفشانی روشنفکران این توطئه نقش برآب شد و مردم در جبهتی گام نهادند که برای حل مشکلات زمینی از قوانین زمینی بهره گیرند. اما از طرف دیگر هم حاکمان با در دست داشتن ابزار سرکوب در اکثر موارد به مقابله خونین روی آوردند (خصوصاً این که در کشور ما هنوز که هنوز است ابزار سرکوب قوی‌تر از قوانین عمل می‌کند). با جا به جاشدن حکومت سلطنتی از خاندان قاجار به پهلوی بنا به تغییراتی که در مناسبات جامعه صورت گرفته بود، قوانین می‌بایست در جهت ترقی و پیشرفت جامعه تدوین و یا تغییر می‌کردند، اما این با ادامه حیات حکومت به این شکل خاص در تضاد بود، پس خاندان پهلوی قوانینی را در جهت منافع طبقه وابسته به سرمایه‌داری کلان تنظیم کردند و در این راه هر صدای اعتراضی را با شدیدترین سرکوب‌ها فرونشاندند و حتی در این راه از امکانات بیگانگان نیز استفاده کردند. مجموعه این عملکردهای حکومت به یک انقلاب فراگیر مردمی منجر شد، در حالی که اکثریت قاطع مردم ایران خواهان سرنگونی رژیم پهلوی بودند، کمتر قشری از مردم توجه به آینده سیاسی کشور داشت، حتی در بین اقتدار و گروه‌های روشنفکر نیز این سردرگمی وجود داشت که بیشتر به یک سری شعار کلی بسنده می‌کردند. از این فضای ایجاد شده، قشر ارتجاعی مذهبی با مستحدين تساریخ «سرمایه‌داری تجاری» با ابزار قراردادن مذهب، به میدان آمدند و توانستند فرصت از دست رفته دوران سلطنت قاجار را باز یابند.

مذهبی مردم کردند و پایه‌های حکومت خود را محکم کردند. آنها برای حل مسائل روزمره بنا به مقتضیات زمان محتاج به قانون بودند، آنها مایل بودند که قوانین عقب‌افتاده را ابزار خود سازند، اما چون جامعه هنوز دارای شور انقلابی بود و نیز وجود عناصر آگاه به شکل گروهی و انفرادی (که اغلب پایگاه مردمی به دنبال خود داشتند). حاکمیت در حرکت اول یک قانون اساسی چند سویه را تدوین و به تصویب رساند. این قانون هر چند دارای جهاتی مترقی بود ولی در جهاتی بسیار از موارد ارتجاعی برخوردار بود و نیز به دلیل داشتن تناقضات بسیار، توهم‌گویی بی‌شمار و پر از اما، ولی و

اگر بودند، می‌توانست به راحتی در دست حاکمیت ابزاری برای سرکوب و تأمین‌کننده منافع قشر خاصی از جامعه باشد. حاکمیت کمال استفاده از این موارد به کار گرفت، آنها با استفاده از همین قانون و با پشتیبانی نیروهای سرکوبگر وسیع خود، تمامی صداهای حق‌طلبانه و آزادی‌خواهانه را به صورت وحشی‌ترین شکل آن قلع و قمع کرد. در بسیاری موارد که حتی قانون اساسی خودشان با عملکردشان در تضاد قرار می‌گرفت، آن را به کمک رهبران خود، سریع با یک توجیه مذهبی تغییر می‌دادند و یا آن را به راحتی زیر پا می‌گذاشتند.

## اشاره به طرح التزام به قانون

نظراتی در این زمینه در درون سازمان وجود دارد که تلاش دارد ما را در جهت گردن‌نهادن به همین قانون مورد اشاره سوق دهد. دقیقاً راه رفته سال‌های ۶۰ و ۶۱ را باز پیش پای ما می‌گذارد. در آن دوره در دام حاکمیت در غلطی‌دیم و با دلخوش‌کردن به بندج و دال، مبلغ قانون اساسی رژیم شده بودیم، در حالی که می‌بایست بیشتر از آن در موارد پیشمار جهات ضد مردمی قانون تبلیغ می‌کردیم و به روشن‌کردن مردم می‌پرداختیم. همین فرصت از دست‌رفته به رژیم این اجازه را داد که بعد از سرکوب نیروهای رادیکال جامعه به سراغ نیروهای باقیمانده رفته و تمامی را به مسلخ بکشاند. در حالی که در آن سال‌ها ما خلاف قانون عمل نکردیم و این خود رژیم بود که قوانین خود را زیر پا گذاشت، در حالی که ما به قانون اساسی رژیم گردن گذاشته بودیم و حتی سرکوب‌های وحشیانه رژیم را تأیید کردیم. نتیجه آن عملکرد چه شد؟ برای ما و مردم ایران پیامدی غیرقابل جبران. مشکل ما دو نکته اساسی است: اول، قانون پر از ضد و نقیض و با جهاتی کاملاً ارتجاعی. دوم، حاکمیتی که اکثرآ خود را به هیچ قانونی «حتمی به قانون خودش» پایبند نمی‌ماند. کل حاکمیت و قوانین آن اشکال ساختاری دارد که تا این ساختار تغییر نکند، مشکل به شکل اساسی حل نمی‌شود.

## علت اصلی نكوش در سازمان

با شکست اردوگاه سوسیالیسم موجود، بسیاری از احزاب چپ جهان در دیدگاه‌های خود تجدید نظر کردند. سازمان هم بعد از مدتی سردرگمی، تلاش نمود که از نقطه نظرات خودش فاصله بگیرد و با تأثیری که از سوی احزاب سوسیال دموکرات و لیبرال دموکرات اروپائی گرفته بود، در اعتقادات خود تجدید نظر کرده و بر تمامی آنها خط بطلان کشید! هر چند در حال حاضر هم بعضی از شعارهای خود را تکرار می‌کند، به آن پایبند نمی‌باشند، مثلاً همه گرایش‌های فکری درون سازمان می‌گویند ما معتقد به سوسیالیسم هستیم و در مبارزه طبقاتی در جبهه کار در مقابل سرمایه هستیم، ولی نه تعریفی از سوسیالیسم مورد نظر خود داریم و نه خود را پایبند به مبارزه طبقاتی می‌دانیم! رقا، اشکال در همین نقطه است که ما تکلیف خود را روشن نکرده‌ایم. اما در عمل نه در جهت اردوگاه کار، بلکه به سود جبهه سرمایه گام برمی‌داریم و تمامی نگاه ما، طرح‌های ما نظیر به تحول از بالا دارد، این سمت و سوی نگاه ما را، مواضع ما در قبال حاکمیت ثابت می‌کند، ما از درپچه مردم و منافع مردم «یعنی طیف وسیعی از زحمتکشان» به حاکمیت نگاه نمی‌کنیم و از جهتی به حاکمیتی نگاه می‌کنیم که نهضت آزادی به سرکردگی یزدی دارد. رقا، هزاران بار ثابت شده که سمت و سوی سیاسی و مواضعی که در این راه اتخاذ می‌شود از گرایش طبقاتی نشئت می‌گیرد.

## پس راه حل کدام است؟

دقیقا همان که قسمت اعظم مردم کشورمان به آن رسیده‌اند و در راه آن گام برمی‌دارند. تغییر قوانین جمهوری اسلامی در کوتاه‌مدت و کوتاه کردن دست حاکمان اسلامی از حکومت در درازمدت. ما باید در جهت تعمیق هر چه بیشتر این خواسته‌ها بکوشیم و در درجه اول رژیم را وادار کنیم قوانین خود را با بیانیه حقوق بشر منطبق سازد. در آن صورت راه فعالیت تمامی احزابی که اعتقاد به مبارزه مسلحانه ندارند باز خواهد شد.



آزادی بازارها (Laisser - Faire) و آزادی مبادله (Laisser - Passer) دو ماده مهم در اعتقاد دیرینه سال قری و فرالیبرالیسم هستند. مبادله آزاد در این دبستان هم چون وسیله شناخته شده و مرجع ثابت در این تئوری به شمار می رود و جای هیچ چون و چرانی در آن نیست. بر این اساس، نفع عمومی در هر وجه آن باید خود را با آن تطبیق دهد. در واقع، در این وضعیت وسیله هدف می شود.

طبق این اندیشه، دروازه های کشورها باید بدون هیچ قید و شرطی به روی کالاهای شرکت های فراملی گشوده شود و هیچ محدودیتی برای ورود این کالاها در کار نباشد. بر این اساس یک «جنگ» واقعی جهانگیر اقتصادی به بشریت تحمیل شده است که در آن بازنده اصلی کشورهای جنوب بند.

جابجائی وسیله و هدف به هیچ وجه ایستادگی های مبادله آزاد را که در صدر فعالیت رسانه ها، دانشگاه ها و سازمان های بزرگ اقتصادی و مالی بین المللی قرار دارند، اندیشناک نمی سازد. مخصوصا پس از نشست حلقه اورتوگوئه گات در سال ۱۹۹۳ یک ششوی مغزی واقعی سیاردهای صورت گرفت که هدف از آن اعتبار بخشیدن به این اندیشه بود که نظم زدهائی در مبادله های تجاری و آزادی کامل بازارها ناگزیر اعتلای همگانی سطح زندگی و ایجاد جامعه های عادلانه تر برای همه را به دنبال می آورد. بر این اساس در باره معجزه های جهانی شدن مبادله ها سخن های فراوان گفته شد. اما واقعیتها به چیز دیگری دلالت دارند.

نخست این که جهانی شدن مبادله ها به جای کاهش نابرابری ها بر میزان آن افزوده است. این نابرابری ها هم در بین ملت ها و هم در درون خود ملت ها نمودار است. در کشورهای ثروتمند و مخصوصا در حلقه کباده کشان مبادله آزاد: ایالات متحده و بریتانیا، هیچکس مسئله قطب بندی فزاینده درآمد ها و ثروت ها را انکار نکرده است. حتی «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» در فرصت های مختلف از این امر ابراز نگرانی نکرده است؛ زیرا این مسئله دیگر موضوع واقعی اشتغال فکری دولت ها را که برخی از آنها حتی ضرورت نابرابری ها را به عنوان عامل رشد به تئوری در می آورند، تشکیل نمی دهد.

این قطب بندی به وضوح رابطه میان کشورها را به نمایش می گذارد. همان طور که آخرین گزارش برنامه ملل متحد در باره توسعه نشان می دهد، کشورهای بسیار فقیر فقیرتر می شوند. این امر هم نسبی و هم مطلق است. در حقیقت هیچ پیوستگی بین نیازها و سرمایه گذاری ها وجود ندارد. در آفریقا که فاقد زیرساخت های جدی در همه سطوح است، سرمایه گذاری های مستقیم از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ بالغ بر ۲۷٪ سقوط کرده است. این سرمایه گذاری ها برابر با ۲/۱ میلیارد دلار یعنی ۳٪ کل سرمایه گذاری های جهانی است.

از این رو، «هیچکس رابطه مسلم آماری» میان آزادسازی و رشد را تأیید نمی کند. یعنی رشد و تجارت به طور هم زمان تغییر نمی یابد و در حقیقت، رابطه علت و معلولی بین آنها وجود ندارد. طبق آماری که خانم بناتریس مارد، نماینده پارلمان فرانسه در گروه های سیاتل آمریکا ارائه داد: «از ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۷ حجم مبادله های تجاری ۱۷ برابر و حجم تولید ۶ برابر شد.»

پل بروخ، اقتصاددان برجسته نیز ثابت کرده است که هیچ رابطه علت و معلولی بین رشد و

مبادله آزاد وجود ندارد. اگر تاریخ قرن گذشته را مرور کنیم، خلاف آن مشاهده می شود. «دوره تقویت حمایت گرایی با شتاب گیری توسعه تجاری دمساز بود و در کشورهای اروپائی حمایت گرا توسعه تجاری بسیار سرعت گرفت.»

بولتن نهاد رسمی «Cepit» (مرکز بررسی های آینده و انفورمسیون بین المللی) که پژوهشگران آن آزادی بسیار خود را حفظ کرده اند، در افشای تئوری آزادسازی مبادله ها می نویسد: «در دوره ۱۹۹۵ - ۱۹۸۰ نرخ رشد متوسط سالانه کشورهای در راه رشد عضو گات در ۱۹۸۶ (۲/۲٪ در برابر ۲/۱٪) به زحمت بیش از نرخ رشد کشورهای غیر عضو در این تاریخ بوده است.

در واقع، تئوری جاده پلانه های چون تئوری مزیت های آزادسازی مبادله ها که روی «پیش» از یک دهم درصد تکیه می کند، چیزی جز هیاهوی بسیار برای هیچ نیست. CEPI در بررسی خود تأکید دارد که: «گشایش، امروز هم چون یگانه راه حل قابل دفاع برای مساعدت به رشد درک شده است. با این همه، علی رغم توافق «رسمی» (موسوم به واشنگتن) در زمینه فایده گشایش، بررسی های تجربی اجازه نمی دهند که به این نتیجه برسیم که آزادسازی فزاینده مبادله های ثروت ها و خدمات ها به طور قطع تاثیر مثبت در رشد دارند.»

دوم این که برای جهانی شدن مبادله ها لازم بود ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورها به طور بنیادی تغییر یابد. برنامه تعدیل ساختاری که زیر نظارت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول صورت گرفت کوششی در این راستا بود. برای اجرای این برنامه در کشورهای جنوب مقررات شدیدی به آنها تحمیل گردید. این سیاست راهبردی به رکود و حتی ویرانی کشورهای که به برنامه تعدیل ساختاری تن دادند، منجر گردید و بیش از پیش بر درد و رنج این جامعه ها افزود. «توسعه مبتنی بر صادرات» که یکی از رکن های مهم تعدیل ساختاری است، به هیچ یک از وعده های برنامه ریزان نهادهای پولی و مالی بین المللی جامعه عمل نپوشانده است.

فاجعه باری تئوری های تحمیلی چندان است که تئوری پردازان تندروی فرالیبرالیسم از جفری زاکس، استاد دانشگاه هاروارد تا جرج زوروس، کارشناس میلیاردر مالی و وزیران دارائی گروه ۷ علیه روش صندوق بین المللی پول در امر مدیریت بحران شرق آسیا و فراتر از آن اقتصاد جهانی زبان به انتقاد گشودند. اگرچه آنها اندیشه های فرالیبرالی را که پایه کشش مؤسسه های مالی بر توتون بود، زیر سؤال نبردند، اما این رویداد نشانه توجیه ناچیز ولی ناگزیر آنها به مسئله است.

بررسی فشرده عملکرد صندوق بین المللی پول در دو دهه پایانی قرن گذشته، دامنه ناکامی و بن بست تئوری جهانی شدن مبادله آزاد و برنامه «توسعه مبتنی بر صادرات» را به نمایش می گذارد.

صندوق بین المللی پول در دسامبر ۱۹۸۷ برنامه تعدیل ساختاری را با دادن وام به کشورهای کم درآمد کشورهای در راه توسعه به اجرا در آورد. ده سال بعد در اوت ۱۹۹۷ از ۷۹ کشور آماده استفاده از این امکان تنها ۳۶ کشور (با ۶۷۰ میلیون جمعیت) مشمول این برنامه شدند. صندوق وعده داده بود که چنانچه این کشورها «قید و شرط» های آن را بپذیرند، به اصلاح موازنه پرداخت ها و چشم اندازهای روشن در عرصه رشد و توسعه دست خواهند یافت. بر این اساس، این کشورها «برای تهیه

# تئوری واقعیت

ب. کیوان

قسمت اول

طرح های ویژه و کمیت پذیر در زمینه سیاست مالی دعوت به همکاری شدند. پذیرش «ملاک های عمل» که در دوره های شش ماهه و حتی سالیانه میز می شوند، ضامن تحقق قید و شرط های پیشنهادی است و بر جنبه های اساسی سیاست داخلی یا خارجی دولت کسب کننده درنگ دارد. برای این است که رعایت این ملاک ها به کمک بانک جهانی و در حدود زیادی به کمک دوجانبه دیگر کشورها بستگی دارد. صندوق بین المللی پول در این کارزار با استفاده از اهرم مالی خود از قدرت نامناسبی برخوردار است. اگر امروز انتقاد از آن بیش از هر وقت شدت یافته، برای این است که نتیجه کارکردهای آن با وعده ها مطابقت ندارد.

زیرا کشورهای که دستورهای صندوق را پذیرفته اند، به رشد راه نیافته اند. به بیان دیگر، این رشد به شدت نابرابر است. در واقع این کشورها در اقتصادهای سرمایه جهانی ادغام شده اند. صندوق در توجیه خود کوشید تاثیر کش های خود را چنان ارزش یابی کند که به «تقویت کارکرد اقتصادهای مشمول تعدیل ساختاری» بیانجامد. این ارزش یابی که چندین بار بازبینی و اصلاح شده، سرانجام در پایان فوریه ۱۹۹۸ منتشر گردید.

در این کشورها، محصول سرانه ناخالص ملی سالیانه که طی دوره ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ یعنی پیش از راه اندازی برنامه های تعدیل (۱/۱٪) منفی بوده است، از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، به ۰٪ تحول یافت. به عکس، نرخ های مورد بحث در کشورهای خارج از حوزه تعدیل ساختاری در همان دوره به ترتیب ۳/۰٪ و ۱/۰٪ بوده است. وام خارجی کشورهای حوزه تعدیل ساختاری سال ۱۹۸۵ - ۱۹۸۰ به ۱۵۴٪ در سال ۱۹۹۵ - ۱۹۹۱ رسیده است. در کشوهای خارج از این گروه، افزایش از ۵۶٪ به ۷۶٪ رسید. اگر روشی را که صندوق بین المللی پول در ارائه داده ها به کار می برد، بپذیریم؛ تأیید می کند که کشورهای که صندوق عمل کرده اند که زیر کید صندوق قرار دارند. در گروه خارج از حوزه تعدیل ساختاری اکثریت عظیم جمعیت در هند قرار دارد، اما در گروه مشمول تعدیل ساختاری تنها پاکستان و بنگلادش تقریباً نیمی از جمعیت آن را تشکیل می دهند. اگر این عامل را در

پرونده قرار دهیم، معلوم می شود که در کشورهای بسیار فقیر مشمول تعدیل ساختاری تولید ناخالص ملی در فاصله ۱۹۸۵ و ۱۹۹۵ برابر با ۰/۰۰٪ و در یازده کشور بسیار فقیر گروه دیگر ۰/۰۴٪ تنزل کرده است. در کشورهای گروه نخست وام خارجی در پورسانتاز تولید ناخالص ملی از ۵۲٪ در سال ۱۹۸۰ (در ۱۶ مورد) به ۱۵۲٪ در سال ۱۹۹۵ (شامل ۲۳ کشور) افزایش یافته است. در یازده کشور گروه دوم این وام سه بار افزایش یافت و به ۱۱۷٪ رسید. در همین مدت خدمات وام در پورسانتاز صادرات ثروت ها و خدمات کشورهای که تعدیل ساختاری را به کار بردند، از ۱۶٪ به ۲۱٪ و در دیگر کشورها از ۱۱٪ به ۲۳٪ فزونی یافته است.

بنابر این داده ها، هیچ تفاوت محسوسی بین دو گروه از کشورها وجود ندارد؛ زیرا همه با دشواری های جدی اقتصادی روبرو هستند. اما اگر اهمیت هند را در جمعیت آن بدانیم، باید تأیید کنیم که کشورهای فقیر خارج از حوزه تعدیل ساختاری در مجموع آن بهترین نتیجه ها را به دست آوردند. هند بر خلاف دیگر کشورهای دارای سطح درآمدهای ناچیز از وابسته کردن توسعه خود (با نرخ رشد سالیانه ناچیز اما پایدار ۲/۲٪) به حجم صادرات اش پرهنز کرده است. این نرخ رشد تقریباً سه برابر پاکستان و ۵۰٪ بیش از بنگلادش در فاصله ۱۹۸۵ و ۱۹۹۵ بوده است. رابطه های مبادله (یعنی تحول قیمت های مربوط میان صادرات و واردات) هند در اختلاف با دو همسایه بزرگش از ۱۹۸۵ پایدار باقی مانده است. این امر به این کشور امکان داده است که خود را در برابر نوسان های اقتصادی جهانی به وجه بهتری حفظ کند.

تجربه این سه کشور به تنهایی بهترین دلیل را بر علیه ادغام یک ملت در اقتصاد جهانی و دست کم علیه توسعه در یک سیستم صادرات بنا بر تعریف منفرجه دست می دهد. با این که صندوق بین المللی پول برای اعطای وام های خود شرایط مطلق وضع کرده، اما بسیاری از دولت های جنوب در فاصله ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ و ۱۹۹۵ - ۱۹۹۱ در برابر این استراتژی سر فرود آوردند.

در کشورهای که برنامه های تعدیل ساختاری را پذیرفته اند، نرخ رشد سالیانه صادرات آنها تقریباً چهار برابر شده و از ۱/۷٪ به ۷/۹٪ رسیده است. اما در گروه دیگر پیشرفت بسیار ناچیز است و به ۴/۴٪ تا ۵/۷٪ هم رسیده است. در فاصله ۱۹۸۵ و ۱۹۹۵ در ۱۸ کشور بسیار فقیر که از امکان تعدیل ساختاری «بهره مند» هستند، رابطه های مبادله به ۲۷٪ تنزل یافته است (برگرفته از گزارش در باره توسعه در جهان، ۱۹۹۷ بانک جهانی، واشنگتن DC جدول ۳).

بدین ترتیب، می توان خلصت مصیبت بار برتر دانستن صادرات در استراتژی های توسعه را در شرایط پائین بودن قیمت های فرآورده ها سنجید. از این قرار برای ۶۷۰ میلیون نفر که دولت های شان از دستورهای صندوق بین المللی پول پیروی کرده اند، نتیجه این است که کشورشان درگیر پیشرفتی توأم با وام و فقر است. اما هند با درپیش گرفتن راه دیگر، اگرچه با مشکل های دیگری دست به گریبان است، در نهایت خود را از مارپیچ دوزخی تعدیل رهانیده است.

رفتاری های تئوری پردازان در برابر زیان دیدگان تئوری مبادله آزاد در

کشورهای جنوب باید از برندگان جایزه نوبل در اقتصاد که مبلغ معجزه های «گشایش» هستند، دانشگاهیان تولیبرال که شغل های کلیدی در آموزش عسالی را در دست دارند، واقع نگاران اقتصادی که از بام تا شام بافته های خود را از طریق رسانه ها به خورد مردم می دهند، نام برد. این دانشگاهیان و کارشناسان به مراتب کم تر از «پیمانکاران» شان قابل بخشش اند؛ زیرا آنها به درستی می دانند که اثرهای علمی به عمد شمار زیادی از حقیقت ها و نادرستی ها را در ارتباط با حمایت گرایی و مبادله آزاد ناگفته باقی گذاشته اند و به وارونه سازی واقعیت ها دست یازیدند.

پل بروخ، استاد دانشگاه ژنو که چندی پیش درگذشت و سه سال از عمرش را در گات گذرانده بود، در کتابش «رازها و تناقض های تاریخ اقتصادی» مخصوصاً یادآور می شود که حمایت گرایی علت بحران پایان دهه ۲۰ نبود، بلکه این بحران نتیجه فروریز و وال استریت در اکتبر ۱۹۲۹ بود. او بر اساس یک سلسله آمارهایی که از ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ را در بر می گیرد، توضیح می دهد که دنیای پیشرفته قرن ۱۹ و نیمه نخست قرن ۲۰ به استثنای چند دوره کوتاه توسعه اقتصادی را عموماً مبدون سیاست های حمایت گرایی است. اما با این وصف دنیای مورد بحث لیبرالیسم را به کشورهای که بعد به جهان سوم تبدیل شدند، تحمیل کرد. هند نمونه ای از آن است.

بنابراین، باید با دقت به مسئله مورد بحث نگریست. زیرا موقفیت ایالات متحد در دوره های حمایت گرایی کاملاً روشن است. با این همه، قدرت های صنعتی سرمایه داری جهانی، نهادهای چند جانبه قانون آفرین، چند ملیتی ها و دیگر سخنگویان «بازارها» بنا به سیاست ژئونیستی خود به کشورهای در حال توسعه دیکته می کنند: به «رقم» دست بزنید، بازارها را «بکشانید» و خود را «مدرن» سازید. بنابر تئوری های پذیرفته اقتصادی جابجائی کار و سرمایه باید به موازات یکدیگر انجام گیرد تا تعادل برهم نخورد. البته در داخل هر کشور هیچ مانعی برای جابجائی آزاد کالاها و عامل های تولید یعنی کار و سرمایه وجود ندارد. اما در مقیاس بین المللی کالاها آزادانه جابجا می شوند و در عوض عامل های تولید از یک کشور به کشور دیگر در حرکت نیستند. فرضیه مبادله آزاد فقط به جابجائی آزاد کالاها تکیه دارد. تمامی تضاد در همین نکته است. آزادی مطلق گردش سرمایه ها با هزاران میلیارد دلار در گردش دائمی - با آزادی سرمایه گذاری بین المللی - یکی از سه «آزادی» اساسی جهانی شدن است.

بنابراین، باید تا آخر منطقی و لیبرال بود و همان آزادی گردش و استقرار سرمایه ها را برای نیروی کار پذیرفت و فضای «شننگن» را در اروپا و سدهای برقی را میان مکزیک و ایالات متحد از میان برداشت، یا باید اعتراف کرد که تولیدها تنها آزادسازی طبق نقشه را توصیه می کنند و به «مسئله» پایه های تئوری توجه ندارند.

در واقع اگر ایجاد محدودیت برای جلوگیری از سیل مهاجرت ها نیاز است، بنا بر ضرورت عقلی این محدودیت برای جلوگیری از سیل سرمایه گذاری است. پس لیبرالیسم در مبادله گرایی آزاد یک ناهمخوانی تئوریک و تقلب در حق کشورهای بسیار بی بهره از سرمایه و بسیار غنی از حیث جمعیت است. ادامه دارد

آنها در جهت رسیدن به خواسته های شان باشند، به وجود آورده و حفظ کنند. خواست یمه همگانی را باید مطالبه کرد. باید گفت که مردم احتیاجی به گرفتن صدقه و خیرات مذهبی و خوارکننده ندارند. رواج فرهنگ خوارکننده باعث شده است تا مردم دون شان خود بداندند و از دولت تقاضای گرفتن کمک مالی برای تامین زندگی بکنند. آنها بر اساس آموزش های غلط اجتماعی این عمل را ضربه ای به جایگاه اجتماعی خود می دانند. باید مردم را تشویق کرد که دولت را زیر فشار گذاشته تا امکان دادن مستمری مداوم به خانواده های نیازمند در جهت تامین زندگی مناسب را به طور قانونی و عملی به اجرا در آورد. مردم محروم و بیکاران آن در هیچ نهادی به درستی و به طور رسمی ثبت نام نشده اند. رژیم را باید به ثبت نام بیکاران و تامین حقوق بیکاری تمام شهروندان بیکار وادار کرد. قانونا باید به نفع مردم تغییر بنیادین بیابند و در بازوی سیاسی آنها خواسته ها و اراده مردم دخیل داده شوند. مردم حقتشان را از هر حکومتی که در سرکار باشد می خواهند. حکومت باید خدمت گزار مردم باشد نه بالعکس. وظیفه ماست که آنچه را درست تشخیص می دهیم به مردم بگوئیم نه اینکه تریبون تکرار حرف این و آن باشیم. مردم هستند که احتیاج به کمک ما دارند نه حکومتیانی که مست قدرت هستند. آنچه که ما و مردم می خواهند به خواب حکومتیان هم نمی رسد، چون که مسئله آنها نیست.

به طور روشن و صریح دفاع نکنیم. جامعه قدیمی به پیش نمی رود. تا آنجا که به سازمان ما برمی گردد، باید سیاست های انسانیمان را به طور صریح به جامعه اعلام کنیم. باید به جامعه بگوئیم که این حق شما نیست که در بی حقوقی زندگی کنید. باید با برنامه روشن آنها را تشویق کنیم که در راه رسیدن به حقوقشان کوتاه نیایند. فریب وعده و وعید را نخورند و هر آنچه برای یک زندگی انسانی لازم است را مطالبه کنند. رژیم باید وادار شود در جهت فوری بهبود وضع مردم و تامین نیازهای آنها بکوشد و اگر توانائی آن را ندارد کنار برود تا کسانی که می توانند در جهت رفع مشکلات مردم بکوشند در راس کار قرار گیرند. یکی از امکاناتی که می توانست محرومان را در جهت رسیدن به حقوقشان یاری دهد، همان تشکیل های صنفی، حقوقی مستقل خود انحصار است. مبارزه و دفاع منطقی شان در برابر تعدی زورمداران است. در آزادی تعیین سرنوشت خود است. باید کارگران و محرومان را بیشتر حول مشکل شدن در نهادهای مستقل صنفی و تلاش در جهت سازمان دادن این تشکلهای صنفی، مطالباتی سوق داد. همانگونه که نریسندگان و ادیبان با تلاش پیگیر خود توانستند کانونشان را مجدداً دایر کنند، باید محرومان و زحمتکشان هم بتوانند با پیگیری این تشکلهای مستقل که می توانند تنها امکان مشکل کردن

استفاده از مستدهای کم خطر تر نظیر انتخابات و رفتارند و تظاهرات و اعتصابات پیشنهاد کرد بود. نتیجه نهائی کار من و شیراز طر ح من در برداشتن مانع اصلی و قدرتمند پیشرفت منطقی و عامل تباهی مردم ما یعنی همان سیستم مونیوایدنولوژیک حاکم بود. در طرح من بندهای دیگری در دفاع از حقوق اجتماعی و مبارزاتی مردم، از جمله حق برخورداری حق دفاع مردم در برابر سرکوبگران رسمی و غیررسمی حکومتی و همچنین رفع تحقیر و آزار غیرانسانی هم جنس گرایان در ایران آمده بود. من بازم این بندها را جداگانه در تکمیل سند پایه به رای گذاشتم که متأسفانه در گزارش کنگره ششم خبری از این طرح شدن و بحث کردن کنگره بر این بندها قید نشده بود. این را هم باید در ضعف گزارش دهم و عدم رعایت حقوق دیگران قلمداد کرد. شاید آنها به عمد از مطرح کردن مسئله مردم در انتخابات زندگی جنسیشان عیار دارند. اینهم به حساب روشنفکری غیر پیگیر باید گذاشت که فقط آنچه را می خواهد انعکاس دهد. ما باید بدانیم که به غیر از داشتن امکانات مبارزاتی و دفاعی مردم نمی توانستند به حقوقشان برسند. به غیر از شستن تابوهای کهنه فکری نظیر زود دانستن طرح مسئله بخشی اقلیت از جامعه و تسلیم شدن به قوانین جاری نمی توان به پیشرفت رسید. تا زمانی که ما نگاهمان را بازتر نکنیم و جامعه را به قبول آنچه که می پنداریم درست است، تشویق نکنیم و از بیان خواسته های واقعیمان

ریش سفیدی فوئالی می خواهد به جنگ پیشرفت جهانی برود. نیروی جوان ما نباید دام اعتیاد و فقر گشته و اخوندهای فرتوت بر زندگی مردم حکم امر و نهی می خوانند. جامعه در یک کلام به لبه پرتگاه خودکشی سوق داده شده است. زمانی که آهنگ رشد گلوبالیسم با تکیه به سریع ترین امکانات تکنیکی خود پست ترین و فراموش شده ترین جاهارا در می نوردد، مردم ما حیران مانند اند. با این آفتی های که توان آنها را گرفته اند چه باید بکنند؟ آنها شاهد رشد سریع کشورهای پیشرفته هستند. مردم می دانند که در کشورهای پیشرفته حداقل مردم زندگی انسانی تری دارند. ولی باز هم آخوندها با تکیه بر زور و فریب یمه مردم را رها نمی کنند. کارگران می دانند که قوانین زنگار بسته اینها چه به روزشان آورده است. جوانان می دانند که امر و نهی های اینها آنها را به کجا کشانده است. ولی باز هم حکومت آخوندی دامن مردم ما را رها نمی کند.

### چه باید کرد؟

من در طرح خود به کنگره ششم سازمان فذائیان خلق ایران (اکثریت) قید کرده بودم که سازمان ما در راه برکناری رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند. در اینجا این سؤال بر اساس ذهنیات قبلی برای برخی از شرکت کنندگان پیش آمد که منظور از برکناری سیستم حتماً با منتهای قهرآمیز میسر است. در حالی که با استناد به همان طرح من برکناری را با

## نیم نگاهی به وضع مردم

ادامه از صفحه ۱۱  
درم دارد. آنها با تکیه به یک سیستم فئودالی ولایت فقیهی می خواهد به جامعه رفاه و توسعه برسند. آنها با موعظه کردن می خواهند به جامعه ای برسند که نه این است و نه آن. همین است که آنها در این مدتی که بر سرکار هستند هیچ گلی به زلف جامعه نزداند و مردم تنها واژه های آنها را شنیده اند. درد میلیون ها مردم فقرزده با بیان واژه ها حل نمی گردد. مردم به کسانی احتیاج دارند که دردی را از آنها کم کنند. آنها تا می بینند مردم می خواهند به میدان بیایند، از قدرت مردم هراسان می شوند.

آقای رضا خاتمی می گوید که ترجیح می دهیم که اصلاحات با آهنگ آرام تری پیش برود. در واقع باید نتیجه گرفت که اساسا حکومت های از بافت حکومت فعلی نمی توانند بحران اقتصادی را مهار کرده و به زندگی مردم سر و سامان بدهند. هرچند که خود را اصلاح طلب بنامند. تنها هنر این گونه حکومت مداران دادن وعده های دل خوشکنک به مردم است. پیشرفت جامعه با بافت اقتصاد عقب افتاده بازار و سیستم سیاسی فئودالی ولایت فقیه هم خوانی ندارد. در زمانی که پیشرفت دوران خود را چه در تکنیک و چه در علم با سرعتی بی مانند آغاز کرده است، جامعه ما با سیستم ادار

## کی مردم ایران روی رفاه را خواهند دید؟ نیم نگاهی به وضع مردم

علی اکبر

صبح‌ها و شبها همدیگر را می‌بینند. از کجا می‌توان این را یک زندگی خانوادگی نامید. در این زمان هم در مملکت ما سیل عظیم کسانی که بیش از نیمی ۲۴ ساعت را در محیط‌های سنگین کار می‌گذرانند، زن و بچه را نمی‌بینند و باز هم همیشه در رنج و دغدغه فرمایشان به سر می‌برند که از کجا توشه‌ای برای زنده ماندن به دست آورند. یا بخشی از آنها در مزارع به سنگین‌ترین کار کمرشکن یا ابتدائی‌ترین وسایل برای به‌زندگی درآوردن خوشه‌ای تلاش می‌کنند. در مواقع مرضی فرزندان را نمی‌توانند به موقع به دکتر بفرستند و ساده‌ترین مرضی که با یک قرص مسکن درمان می‌شود، جان شیرین آنها را می‌گیرد. زحمتکشانی که خشکالی هم به آنها رحم نمی‌کند و هستیشان را بر باد نیستی می‌دهد. زحمتکشانی که از بهره‌نمات زندگی محرومند، علم برای آنها چیزی نشناخته است. در آرزوی آن هستند که فرزندانمان بمانند خود آنها بیسواد نباشند. اما دیو وحشتناک فقر مجبورشان می‌کند که از خیر باسواد فرزندانمان بگذرند و آنها را روانه محیط‌های بی‌رحم کار بکنند. چه کسی بهتر از آنها می‌تواند دردشان را بفهمد. اگر از آنها بپرسید که درمان دردتان چیست از هر سیاستمداری بهتر می‌توانند جواب بدهند سوی نگاهشان را در جهت کارفرمایان و زراندوزان می‌کنند. آنها خود می‌دانند که چه کسانی حاصل رنجشان را غارت می‌کنند. آنها می‌فهمند که فرق بین زاغ‌نشین و کاخ‌نشین از کجا تا به کجا است. آنها می‌فهمند که چرا فرزندانشان در جوانی ناکام می‌شوند. آنها معنی نبود دکتر و درمان و سفرهای خالی را می‌فهمند. اگر از جوانی بپرسید که درد شما چیست؟ پاسخ درخور را در همان آن به شما می‌دهد. نبود کار، نبود امکانات یک زندگی انسانی، نبود آینده‌ای امیدوار کننده و چشم‌اندازی روشن برای زندگی کردن را خیلی خوب تشریح می‌کند. زمانی رهبر فقید جمهوری اسلامی با وعده به مردم بر موج خروشان قیام آنها به خاطر رسیدن به یک زندگی بهتر سوار شد. به مردم وعده رفاه و زندگی بهتر در پناه اسلام را داد، سند را دست پینه بسته دهقانان اعلام کرد. آنها با شامه‌های تیز خود بو برده بودند که مردم چرا بر علیه رژیم پهلوی به پا خواسته‌اند. واقعا چه کسانی شاه را با نیروی خود سرنگون کردند، غیر از همان مردمی بودند که از جور و نابرابری به تنگ آمده بودند؟ رژیم اسلام‌پناه وقتی بر تخت نشست به غیر از حرمان هیچی تحویل مردم نداد. آقای رفسنجانی زمانی تریبون نماز جمعیه را به صحن تشریح عدالت اجتماعی تبدیل کرده بود و نزدیک بود که جهانیان باور کنند که آقای رفسنجانی می‌خواهد حکومت کمونیستی برقرار کند. همین آقای رفسنجانی در ادامه در صفحه ۱۱

تنها در کتابها چیزی دیده‌اند. و برای همین هم چند صباحی سنگ کارگر و دهقان را با حرارت بر اثر مدگرانی سیاسی روزگار به سینه زدند و دست آخر هم با دنیائی طلبکاری میدان را ترک کرده‌اند. در دهه‌های مختلف از جمله دهه شصت این مدگرانی سیاسی اوج خود را گرفت و در اواخر دهه هشتاد میلادی برای آنها دوران افول این مد بود. هنوز هستند کسانی که باز هم با این دید به مسئله زحمتکش و محرومان می‌نگرند. باید دید تا چندی دیگر اینها هم دوام می‌آورند. واقعا سخت است زندگی کسی را که در میان منجلاب فقر میلولد، تنها از روی کتاب‌ها و یا شنیده‌ها درک کرد، تصور کردن آن خیلی مشکل است و شناختن این دردها گاهی هم غیرممکن است. عجیب نیست که کسانی تنها مدال قهرمانی مدتی که خود هم ندانسته در این میدان بوده‌اند را به سینه می‌زنند. در تاریخ کم نبوده‌اند کسانی هم که تنها به شنیده‌ها و نوشته‌ها بسنده نکرده و خود به میدان کثیف فقر پا گذاشته و از نزدیک درد و رنج‌ها را دیده‌اند و انعکاس داده‌اند. بزرگانی چون ف. انگلس به میان زحمتکشان قدم نهادند و چون مردم‌شناسان به محله‌های کارگری انگلستان فقیرنشین رفته و از نزدیک فقر کارگران را دیدند. فرهنگ آنها را دیدند و آنگاه بود که دیدند کارگران به مانند بردگانی زندگی می‌کنند. دیدند که چگونه انسانها در محیط‌های غیرانسانی زندگی می‌کنند. برای مثال انگلس در باره کار شاق می‌افند که زنان باردار نمی‌توانند مرخصی کاری بگیرند و اگر کار را ترک کنند، فوراً کسی دیگری را به جای آنها می‌گذارند. زنهایی که زایمان کرده‌اند، شب قیلس سرکار در کارخانه بوده‌اند، خیلی غیرمعمول نیست که بعضی از آنها حتی در میان ماشین‌های کارخانه وضع حمل کرده‌اند. «جایگاه کارگران در انگلستان»، (۱۹۵۷، ص ۳۸۶، ۳۸۳) او در همانجا در صفحه ۳۵۶ در باره وضع زندگی و معیشت خانواده‌های کارگری می‌گوید: «خانه‌های آنها غیر قابل زندگی، کثیف است. باور نمی‌کنم که حتی به درد محل کار هم بخورد. مردها صبح برای کار بیرون می‌روند و شاید زن و بچه‌ها و پیرها هم و هرکدام در محلی و فقط

اطرافیان منتقل می‌کنند. اکثریت مردم ایران هرگز روی رفاه و آسایش زندگی را در هیچ مقطعی ندیده‌اند. آنها همیشه آرزوی رسیدن به رفاه و رهائی از چنبره وحشتناک فقر و بی‌عدالتی را در سر داشته‌اند. هر زمان مردم با فریادی در گلو به پا خواسته‌اند، قربانی‌ها داده‌اند تا بلکه به حداقل عدالتی برسند اما همیشه عده‌ای پیدا شده‌اند مردم را فریفته، به چاول کیسه خالی مردم پرداخته‌اند. از قاچاق و پهلوی گرفته تا اخوندهای نوکیسه به این مردم هیچ رحمی نکرده‌اند. زراندوزان و حرامیان آه در بساط مردم باقی نگذاشته‌اند. هیچ کس نمی‌تواند پدری را تصور کند که برای تهیه چیزیه دخترش بدهکار انس و جنس شده و در چه عذابی به سر می‌برد. به راستی چرا اینچنین است؟ مگر کشور ایران پر دریائی از نفت شناور نمی‌باشد؟ آن همه درآمد حاصله از صادرات منابع زیرزمینی به کجا می‌رود؟ رژیم که هر دم باد در گلو انداخته و اعلام می‌کند که موشک شهاب شماره فلان و فلان را ساخته و به کار انداخته، چه هنری در بهبود وضع مردم به خرج داده است. این آقایان که فریادشان برای از دست رفتن اسلام عزیز عرش اعلا را گرفته، چرا برای از دست رفتن و

در حاشیه نامه خامنه‌ای به مجلس و توقف طرح قانون مطبوعات

## چه درس‌هایی باید آموخت

حسین جواهری

عقلی مجلس و افکار عمومی، دستان رهبر و رفیقان نیمه‌راه نظیر کربوبی و مجید انصاری را در کرد و باعث رشد افکار عمومی گردید قابل تقدیر است. اما این دوستان باید از این شکست بیاموزند که سیاست «چانه‌زنی در بالا و فشار از پایین» در صورتی که تلاش برای مشارکت مردم را نادیده بگیرد عملاً تنها به چانه‌زنی در بالا منتهی خواهد شد و از دست دادن و یا کم‌بها دادن پشتوانه مردمی، توازن قوا را به سمت محافظه‌کاران برهم خواهد زد و شکست‌های بیشتری را نصیب جنبش اصلاحات می‌نماید. اصلاحات آزمون خطای روزمره است و یک اصلاح‌طلب باید بکوشد از هر خطا و یا شکست از هر پیشروی و یا عقب‌نشینی حداکثر درس را بیاموزد تا حرکت بعدی سنجیده‌تر صورت گیرد. متوقف شدن طرح قانون مطبوعات نشان داد که دوستان مشارکتی نه تنها ارزیابی دقیقی از نیروهای مقابل نمودند بلکه تدارکشان برای این حرکت شتاب‌زده بوده است. محدود کردن طرح قانون مطبوعات در چارچوب کمیسیون فرهنگی مجلس و عدم مشارکت شکلی مضمونی روزنامه‌نگاران، حقوق‌دان‌ها، دانشجویان و دیگر افشار مردمی در این طرح ضعف جدی بود. طی ۳ سال گذشته به طور واضح و آشکار مشخص شد هر جا که مردم به بازی گرفته شدند اکثریت آنان نقش‌شان را مسئولانه ایفا نمودند این درک که نقش مردم را تنها تا حد شرکت در انتخابات می‌بیند و تا حد ماشین رای پای می‌آورد می‌تواند برای جنبش اصلاحات ضربه‌زننده باشد در شرایطی که به هر دلیلی مردم در احزاب، سندیکاها و اتحادیه‌ها متشکل نشده‌اند اصلاح‌طلبان واقعی درون مجلس و همچنین دولت باید از تمام اشکال برای حضور و مشارکت موثر مردم تلاش نمایند. یکی از اشکال مهم برای جلوگیری از حرکات مستبدانه و خودسرانه دستگاه رهبری و دیگر نهادهای انتصابی، حضور فعال مردم است باید محافظه‌کاران و رهبر به طور آشکار و علنی متوجه شوند که در مقابل مردم قرار می‌گیرند و هزینه اقداماتشان برایشان گران تمام می‌شود. شاید مشارکت مستقیم مردم در تمام طرح‌ها و لوایح غیرممکن باشد اما در مورد برخی از لوایح و طرح‌ها که از حساسیت برخوردار است و باید تلاش نمود ضمن استفاده از تخصص و توانایی نیروهای خارجی مجلس، افکار عمومی را در این موارد مهم درگیر نمود.

متوقف کردن روند اصلاحات سیاسی و کنترل آن، چندماده‌ای است که به سیاست اصلی محافظه‌کاران و خامنه‌ای بدل شده است. بستن تقریباً تمامی روزنامه‌های طرفدار اصلاحات و جنبش دوم خرداد، دستگیری شمار زیادی از روزنامه‌نگاران و تحت‌فشار قراردادن مجلس و انتقادات گسترده از عدم کارایی اقتصادی دولت خامنه‌ای، بحران‌سازی و گسترش آن در عرصه ملی، همه و همه نشان می‌دهد که آنان می‌خواهند به طور قاطع روند اصلاحات سیاسی را متوقف کنند. نامه بی سابقه و غیر قابل انتظار خامنه‌ای به مجلس و جلوگیری از طرح قانون مطبوعات، مقابله آشکار و علنی و خشن با اکثریت نمایندگان مجلس و اکثریت افکار عمومی، هزینه بالای سیاسی برای خامنه‌ای خواهد داشت. جمهوری اسلامی، خمینی و خامنه‌ای کوشیده بودند که فراجحای حرکت نمایند و از اتصال مستقیم و علنی به جناح‌ها خودداری می‌نمودند. در مورد مردم تمام تلاششان به عدم مقابله آشکار با افکار عمومی بود و حتی المقدور بسیار موارد مقاصد و اهدافشان را از طریق افراد و ارگان‌های دیگر پیش می‌بردند. حرکت اخیر خامنه‌ای خارج از بررسی قانون و یا غیرقانونی بودن آن، ریسک بزرگی است. اگر چه مانع عمده‌ای در مقابل جنبش اصلاحات بوجود آورد و به ظاهر شکستی را نصیب اصلاح‌طلبان نمود اما برای خامنه‌ای و دستگاه ولایت فقیه پیروزی محسوب نمی‌شود. محافظه‌کاران که از ابتدا با اصلاحات سیاسی مخالف بودند و طی ۳ سال گذشته از تمامی اهرم‌ها برای به شکست کشاندن جنبش اصلاح‌طلبی استفاده نمودند از خوشحالی در پوست نمی‌کنند که سرانجام خامنه‌ای را به مقابله آشکار با جنبش اصلاحات کشانند. آقای خامنه‌ای باید بداند لقمه‌ای را که برداشته بزرگتر از دهانش است و ادامه چنین سیاست‌هایی ضمن آن که دشواری‌هایی را برای مردم و جنبش اصلاح‌طلبی ایجاد می‌کند اما برای وی انزجار و نفرت عمومی را به ارمغان خواهد آورد. دوستان در جنبه مشارکت به خوبی می‌دانند که بار مسئولیت اصلی هدایت جنبش اصلاح‌طلبی حداقل در این مرحله بر دوش آنان است. ضمن آن که تلاششان برای جلوگیری از پیشبرد بی‌سر و صدای نامه خامنه‌ای و مطرح کردن و اعتراض در صحن

## رهبر مذهبی ایران مجلس را به توپ و تشر بست!

عبدالصمد یزدان‌شناس

خود و تحقق وعده‌هایی که به سرکلین خود داده‌اند راهی دراز و پرپیچ و خم در پیش دارند. از سوی دیگر، جنبه مشارکت اسلامی و بعضی از انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها و دفتر تحکیم وحدت، و در یک کلام، همه محافظی شکل‌هایی که در جنبه دوم خرداد مجتمع شده‌اند، با این پدیده نوظهور مخالفت کردند. ۵- اکنون این پرسش بنیادین مطرح است که اقتدار و استقلال قوه قانون‌گذاری به زیر سؤال رفته است؟ در شرایط جدید به وجود آمده، مردم این سؤالات را مطرح می‌کنند که، - آیا مجلس در راس همه امور است؟ - آیا مجلس عصاره ملت است؟ - آیا مجلس خانه ملت است؟ - آیا مصونیت قانونی و قضائی وکلا امری صوری است؟ - آیا حکم حکومتی باز هم تکرار خواهد شد؟ - آیا مجلس در حیطه اختیارات مطرح شده در قانون اساسی مختار است؟ - آیا این مجلس می‌تواند به نیازها و مطالبات بر حق مردم پاسخ دهد؟ مردم چشم امیدشان به مجلس است! مجلس اصلاح‌طلبان بایستی فشارهای اعمال شده از سوی محافظ قدرت و ثروت را با درایت خنثی نماید، احکام حکومتی دیگر تکرار نخواهد شد، همان‌گونه که دوران توپ بستن مجلس به تاریخ پیوسته است، دوران به توپ و تشر زن به مجلس نیز در جنبش اصلاحات محلی از اعراب ندارد.

تمامیت‌خواهان پایان یافت. در این انتخابات با همه کارشکنی‌های شورای نگهبان و ایجاد شبهه در آرای مردم سرانجام اکثریت مجلس از آن اصلاح‌طلبان گردید. در روند جنبش اصلاح‌طلبی روز ۲۹ بهمن به عنوان یکی از روزهای تاریخی جنبش اصلاح‌طلبی به ثبت رسید. ۴- مجلس ششم در شروع کار، در آستانه طرح و بررسی مسئله مطبوعات با نامه آیت‌الله خامنه‌ای رهبر مذهبی جمهوری اسلامی مواجه گردید. این نامه از نمایندگان و رئیس مجلس درخواست کرد که از طرح مسئله مطبوعات صرف‌نظر نمایند. این نامه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی با عکس‌العمل شدید اصلاح‌طلبان روبرو گردید و به درگیری لفظی و حتی فیزیکی چند تن از نمایندگان در صحن مجلس منجر شد. دخالت رهبر مذهبی جمهوری اسلامی در کار مجلس شورای اسلامی بازتاب گسترده‌ای در سطح جامعه ایران و به خصوص در محافل مذهبی و نهادهای قدرت داشت. شورای نگهبان که نهادی است انتصابی و در حیطه قدرت محافظه‌کاران و تمامیت‌خواهان اعمال قدرت می‌کند، با قاطعیت و صراحت از این موضوع جانبداری کرد. حمایت و تظاهرات دیگر گروه‌ها و بازتاب آن در روزنامه‌های جناح راست از ارسال این نامه به مجلس شورای اسلامی، اصلاح‌طلبان را در این اندیشه فرو برد که برای دستیابی به اهداف و برنامه‌های

۱- محمدعلی شاه قاجار، از حکومت مشروطه چیزی نمی‌فهمید و مجلس را، نهادی زائد و موی دماغ قدرت خود می‌دید. مجلس شورای ملی برای او بیگانه بود و نمایندگی مجلس از دید او مقوله‌ای عجیب و غریب می‌نمود. آن شاه ننگون‌پخت، از انتخابات، حریت و آزادی مردم، بی‌خبر بود و با مجلس آن دوران کاری کرد که در صفحات تاریخ برای همیشه ضبط گردید. او دستور داد، مجلس را به توپ بستند! روز به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه یک روز تاریخی و از حوادث مهم صدر مشروطیت است. ۲- دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ یک روز بزرگ در حیات سیاسی ملت ایران و یکی از روزهای مهم، در روند دمکراسی و جنبش آزادی‌خواهی و قانون‌مندی ملت ایران است! در این روز بااهمیت، خیل عظیم رای‌دهندگان جامعه ایران، در یک فریاد نامگذاری نشده، شرکت کردند و آقای خامنه‌ای را با آنکه شناخت درستی از وی نداشتند بر رقیب او ناطق نوری که برعکس او را کاملاً می‌شناختند ترجیح دادند. این انتخابات در حکم انزجار از عملکرد و مواضع جناح راست حکومت بود. پیام این انتخابات از دید ملت، پایان دوران خودکامگی بود. در حقیقت مردم به جای تایید و آری گفتن به حکومت به پای صندوق‌های رای گرد آمدند، و باگفتن یک «نه بزرگ» یک روز بزرگ در تاریخ مبارزات آزادی‌خواهان خود به ثبت رسانیدند. ۳- انتخابات دور ششم مجلس شورای اسلامی با پیروزی قطعی اصلاح‌طلبان بر



## کدام بازیگران برای کدام انقلاب؟

پانریس کوهن - سی آ

برگردان: ع. بهار

با وفاداری و یا عدم وفاداری به اندیشه مولین مانیفست، طرح تغییرات اجتماعی که به آن استناد می‌شد، دربرگیرنده یک تضاد پایدار بود. در بلندمدت از بین رفتن دولت پیش‌بینی شده بود، یعنی از بین رفتن تدریجی کارکرد سرکوبگر آن که می‌بایستی از طریق پایان یافتن جامعه طبقاتی و آنتاگونیسم‌ها ممکن شود. برای کوتاه مدت دولت در واقع در جهت «انقلابی کردن» کارکرد سرکوبگرانه تلاش خواهد نمود. متوسل شدن به قدرت دولتی و متمرکز کردن همه وسایل تولید در دستان او، آن شرایطی بودند که پرولتاریا می‌توانست به عنوان اقلیت خواست خود را برای رهایی به بورژوازی و همچنین دیگر طبقات ضرورتاً «محافظه کار» و قشرهای اجتماعی و تمامی جامعه بقبولاند.

هر دو تصور، که یکی گرایش تکامل جامعه‌های رها از آنتاگونیسم طبقاتی و دیگری در ارتباط با ابزار این رهایی بود، دو نگرش مستضاد پیرامون نقش دولت را وارد بازی نمودند: ضروری و غیر ضروری. این مسأله دربرگیرنده دو نظریه در رابطه با حاکمیت پرولتاریا بود. یکی با توجه به شرایط موجود از قهر و استبداد طبقه‌ای که در اقلیت بود و در مقابل، دیگری مدعی بود که برعکس، همه جنبش‌های تاکنونی جنبش پرولتاریا «جنبش مستقل اکثریت بزرگ برای منافع اکثریت بزرگ» می‌باشد. البته مانیفست به «مبارزه برای دموکراسی» به عنوان «اولین قدم در انقلاب کارگری» اشاره دارد و در عین حال ضروری می‌داند که پرولتاریا «از طریق انقلاب به طبقه حاکم تبدیل شده و به عنوان طبقه حاکم با توسل به زور مناسبات تولیدی قدیمی را از بین می‌برد».

از نظر تاریخی هیولایی از آن سر پر آورد. تفکر سیاسی برخاسته از مانیفست با اشاره به اینکه پرولتاریا با از بین بردن مناسبات تولیدی قدیمی «شرایط وجودی تضاد طبقاتی و طبقات به طور کل و در نتیجه حاکمیت خود را به عنوان یک طبقه» از بین می‌برد، اکتفا می‌کند. تضاد بین پرپا داشتن حاکمیت طبقه کارگر و منسوخ کردن آن، بین چگونگی براندازی سیاسی و «مبارزه برای دموکراسی»، اندیشیدن بر روی دولت و سیاست را در دستور کار قرار داد. اما تصور مسلط، از بین بردن مالکیت خصوصی و دولتی کردن سرمایه را مساوی با اجتماعی نمودن مالکیت ابزار تولید و مبادله قرار داد و از آنجایی که مدعی از بین رفتن تضاد طبقاتی بود، در نتیجه «دیکتاتوری پرولتاریا» را به عنوان چگونگی و شرط رهایی اجتماعی قبول می‌داشت. انقلاب تبدیل به لحظه‌ای شد که در آن طبقه کارگر «رهبری سیاسی» را بدست می‌آورد، زیرا که تمامی قدرت در دستان پیشاهنگ او یعنی حزب متمرکز می‌گردد.

این نقطه تاریک در تفکر انقلابی اجازه می‌دهد تا تحت نام سوسیالیسم این استدلال نظری صورت پذیرد که «مرحله پایینی» کمونیسم «غلبه یافتن» بر کاپیتالیسم نیست بلکه برعکس آن می‌باشد. پرولتاریا و شهروندان دموکراسی پسرولتری و بورژوازی، مالکیت عمومی و خصوصی در مقابل هم قرار می‌گیرند. از بین رفتن دولت به انبساط توتالیترگونه آن

تحول یافت. نظری که طبقه کارگر را به عنوان طبقه رهایی دهنده و کمونیست‌ها را به عنوان صاحبان «بصیرت نظری در کل حرکت تاریخی» می‌دانست، به زودی با برابر دانستن سیاست و علم و یکسوی کردن حزب و دولت و نفی دموکراسی منحرف گردید. بدین ترتیب شرایط برای برخاستن بدترین دیکتاتوری و طبقه جدید بوروکراتیک پدیدارگ مهیا شد. اما آن تصور از انقلاب و بازیگرانش مشکل دومی را به همراه آورد. تاریخ مارکس و انگلس را در یک مورد بسیار مهم مورد تایید قرار نداد؛ طبقه کارگر به اکثریت تبدیل نشد و نخواهد شد. توسعه ماشین‌آلات در انقلاب صنعتی تا نیمه دوم این قرن، واقعا از نظر تعداد باعث رشد این طبقه گردید و بدین ترتیب شرایط را برای همترازی نیروهای سرمایه و کار فراهم آورد که به همسازی اجتماعی و ترازمندی پس از جنگ منتهی گردید. اما انقلاب اینفورماتیک که ممکن نمود تا عملکردهای هوشمندانه در ماشین‌ها عینی گردند، موجب دگرگونی کردن پروسه تولید و چگونگی پیشرفت تولیدی کار انسانی گردید. پیش‌بینی مارکس که کار در آینده فقط «شالوده رقت‌انگیز» انباشت خواهد بود، واقعیت می‌پذیرد اما تحت شرایطی که او تصورش را هم نمی‌توانست بکند.

تغییر کار موجب از بین رفتن مرز بین کار بدی و فکری، کار تولیدی و غیر تولیدی گردید. حرفه‌ها در حال چرخش‌اند و گروه‌های اجتماعی معینی را به هم نزدیک کرده و جای دیگر جدایی‌های تازه‌ای را به وجود می‌آورند. در میان طبقه کارگر هم کار به شیوه مزدوری به بحران به سر می‌برد. استثمار به اشکال مختلف افسار اجتماعی بیشتری را در بر می‌گیرد. لزوم اشکال جدید اتحاد و همکاری که زمانی طبقه کارگر را به طبقه‌ای انقلابی فرار و پانند تبدیل به موضوعی برای تمام جامعه می‌گردد. در چنین شرایط جدیدی می‌بایستی به یک پروسه تغییرات اجتماعی مدرن‌تری اندیشید و در بازیگران آن را مورد توجه قرار داد. اشکال گوناگون استثمار، حاکمیت و از خود بیگانگی کاپیتالیستی نیاز به گوناگونی مبارزه، اشکال و مضمون آن را به وجود می‌آورد. هم در کارخانه‌ها و هم چنین در دیگر عرصه‌ها و در رابطه با همه وسایل و برای همه گروه‌هایی که در منطق مطلق و در بحران فرورفته کاپیتالیسم گریبانگیرشان شده است. البته دیگر مجاز نیست تا به عنوان پیش‌درآمد حاکمیت سیاسی طبقه‌ای همگون را در نظر داشت. با این همه آنها قادر نخواهند بود تا رشد یافته و سلطه و منطق کاپیتالیسم را به عقب‌نشینی وادارند، بدون آن که با هم در یک پروسه تغییر و تحول اجتماعی حرکت کرده که به طور فزاینده موجب اعتماد به نفس آنها شده و بدین جهت ابعاد یک پروژه سیاسی را به خود می‌گیرند.

در نتیجه ارتباط به یک طبقه بلکه یک «جنبش اجتماعی» در حال مبارزه با طبقه سرمایه‌دار، با سیاست قابل تفکر است. در اینجا اشکال بیان و بسیج آن نیروهایی در جامعه منظر نظر است که به شیوه‌های مختلف و یا احتیاطاً متناقض با یکدیگر برای پیشرفت اجتماعی و رهایی انسان تلاش می‌نمایند. «مبارزه برای دموکراسی» بدین ترتیب «اولین

قدم انقلاب کارگری» نیست بلکه کلید پروسه تحول دایمی است که باید امکان دهد تا نیروهای سرمایه را در یک جامعه و در یک جنبش که برای مدتی حداقل پر از تناقض و تعارض خواهد بود به عقب‌نشینی واداشت. در این چارچوب تضاد کهنه بین حقوق سیاسی و اجتماعی، آزادی‌های «حقیقی» و «صوری» بسی‌اساس می‌گردد. تاریخ نشان داد که موضوعاتی از قبیل حاکمیت و از خودبیگانگی از بین نرفته، بلکه در شکل دیگری بازتولید شده و از طریق پسرقتی که نشانگر نابودی آزادی‌های سیاسی است شدت گرفته‌اند. مسأله در اینجا این است که «برعکس» کاپیتالیسم عمل نکند بلکه در غلبه یافتن بر آن، در توسعه و تکامل حقوق و آزادی‌ها فراتر از آن رفته و به دموکراسی از نوع جدیدی دست یابیم.

بنابراین پرسش پیرامون «گسترش سیاسی جنبش اجتماعی» پرسش درستی نیست. این پرسش به همان شیوه سنتی جدایی بین عمل مبارزه و سیاست را، که تنها به هنگام به دست آوردن قدرت حکومتی با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند را منعکس می‌کند. «انقلاب» به آن معنایی که این واژه به ویژه در فرانسه پس از تصاحب آن توسط بورژوازی پیدا کرد، واژه بیپرده‌ای می‌شد چنانچه بورژوازی در یک پروسه طولانی پیش و پس از لحظه انقلاب یک سیستم مراجع قدرت را برای سازماندهی سلطه‌اش به وجود نمی‌آورد که کلید آن در حاکمیت مطلقش بر نیروی پول و اطلاعات قرار دارد. همه تلاش‌های اجتماعی در نهایت به دیوارهای این باستانیل مدرن برخورد می‌نمایند. حمله به آن همانطور که ما امروز می‌دانیم نمی‌تواند فقط «از بالا» صورت پذیرد، بیش از آن ضروری است تا همه مراتب قدرت سرمایه را مورد پرسش قرار داد یعنی تصرف حقوق در همه عرصه‌ها، از موسسات گرفته تا عرصه‌های اقتصادی و مالی. بدین ترتیب گسترش عرصه عمومی بدون استثمار، به همه عرصه‌هایی که در برگیرنده منافع عموم می‌باشند و قرار گرفتن همه نیروها تحت انقیاد قواعد دموکراسی بازسازی شده.

دولت اما ارگان اصلی قدرت باقی خواهد ماند، تا زمانی که «سیستم مراجع قدرت» را در کل جامعه سازماندهی و تضمین کرده و در کلی‌ترین سطح بیانگر تناسب نیروها و تعارض‌ها باشد. اما هدف بنیادی بدست آوردن مراتب قدرت در تمامی جامعه به برداشت دیگری از فعالیت سیاسی و احزاب رهنمون می‌گردد. این برداشت محدود به گرفتن و اعمال قدرت دولتی - چیزی که جدایی بین نخبگان و توده، حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان را ابدی کرده - نیست، بلکه در همه عرصه‌ها ارتباطات بین تلاش‌ها و درخواست‌ها را از یک طرف و حقوق و اختیارات را از طرف دیگر، بین مسایل محلی و منطقه‌ای و مسایل ملی و بین‌المللی مشخص کرده و مورد حمایت قرار می‌دهد. چنین چیزی بازسازی اساسی عملکردها و در نتیجه اشکال سازمانی احزاب را ضروری می‌سازد.

✽ مقاله فوق از سلسله مقالات ارایه شده به کنفرانس بین‌المللی پاریس به مناسبت «۱۵ سال مانیفست» می‌باشد.

گفتگوی روزنامه آلمانی «یونگه ولت» با دبیر حزب کمونیست شیلی

## سایه دیکتاتور شیلی

روز هشتم اوت دیوان عالی شیلی رای دادگاه تجدید نظر سانتیاگو در مورد لغو مصونیت پارلمانی پیونوشه را تایید نمود و بدین ترتیب راه برای محاکمه دیکتاتور سابق شیلی هموار گردید. پس از اعلام این خبر هزاران نفر از مردم به همراه خانواده‌های قربانیان دیکتاتوری پیونوشه با شعار «حقیقت و عدالت» به طرف مجسمه سالوادور آلنده راهپیمایی کرده و در آنجا رای دیوان عالی را جشن گرفتند. گروه دیگری از آنها به طرف استادیوم ملی سانتیاگو به حرکت درآمده و در آنجا خاطره قربانیان دیکتاتور را گرامی داشتند. نظامیان پس از کودتا در شیلی این استادیوم را به بازداشتگاه تبدیل کرده و هزاران نفر را در آنجا زندانی و شکنجه نموده و بعضاً به قتل رساندند. در دوران حکومت سیاه پیونوشه صدها هزار نفر برای نجات جان خود مجبور به ترک شیلی شدند. تا کنون بیش از ۲۰۰ شکایت از پیونوشه در دادگاههای شیلی به ثبت رسیده‌اند. نظامیان و اتاق بازرگانی شیلی به این تصمیم دیوان عالی اعتراض نموده و همبستگی خود را با دیکتاتور سابق اعلام نمودند. در این رابطه روزنامه آلمانی یونگه ولت گفتگوی زیر را با میلو مندز دبیر حزب کمونیست شیلی بخش آلمان انجام داده است.

✽ **پس از آن که دیوان عالی شیلی لغو مصونیت پارلمانی پیونوشه را اعلام نمود، موفقان و مخالفان دست به تظاهرات زدند. آیا این مسأله نشانگر پیروزی دموکراسی است؟**

○ چنین چیزی نیست. لغو مصونیت پارلمانی پیونوشه تنها یک اقدام در محاکمه پیونوشه و رژیم جنایتکارش است. رسیدن به دموکراسی در شیلی تنها زمانی ممکن خواهد بود که قانون اساسی باقی مانده از رژیم پیونوشه تغییر یابد. یکی از خصوصیات حکومت به اصطلاح سوسیالیست ریکاردو لاگوس این است که، تغییری در قانون اساسی نولیبرالی که با کمک موثر مارگارت تاچر تهیه دیده شد، نداد. اراده سیاسی برای انجام چنین تغییری وجود ندارد چرا که برانامه‌های اقتصادی همان برانامه‌هایی هستند که قبلاً وجود داشته‌اند. لاگوس نه توان و نولیبرال قرار گیرد. حکومت او جریان‌ها و گروه‌های مختلف بورژوازی را نمایندگی می‌کند و با آنها دموکراسی تعمیق یافته و گسترده ممکن نخواهد بود.

✽ **اتاق بازرگانی این تصمیم را به عنوان ضربه به فضای سیاسی محکوم کرده است.**

○ این خود بهترین مثال برای تداوم وضع گذشته است. پس از ۱۰ سال شبه دموکراسی تغییر واقعی در عرصه سیاسی و اقتصادی حاصل نیامده است. پیونوشه سبولی برای هر دو عرصه است با آن که در حال حاضر در سیاست نقشی بازی نمی‌کند.

✽ **مخصوص برای ارتش، بلاواسطه پس از اعلام تصمیم دیوان عالی، رهبران ارتش به ملاقات او شتافتند. سیزان نفوذ ارتش چگونه است؟**

○ در مجموعه دستگاه حکومتی نقش ارتش بسیار بالاست. به همین خاطر وظیفه اصلی حزب کمونیست و همه نیروهای دمکرات در شیلی مقابله با نظامی‌گری است. اگر برای رهبران ارتش ممکن می‌بود همین امروز وارد عمل می‌شدند. ملاقات پیونوشه در محل اقامت

محرومان چشم بصیرت دارند و می‌بینند که آنها از چه قماش هستند. در بازار چه خیرخواهانی به وسیله نمایندگانشان رزور اینها هستند. مردم دیگر گوششان در مقابل این ترندها عایق شده است. انحصارطلبان و حکومتیان خود عامل به وجود آوردن وضع موجود هستند. آنها در بازار، بنیادهای جورواجور حکومتی، در مراکز مهم تصمیم‌گیری و به قول خود کلیدی لانه دارند. غیر از این است که به جای مدافعان حقیقی محرومان و ارده مستضعفین همین نمایندگان زر و زور حاکم هستند؟ آنها هم خدا را می‌خواهند و هم خرما را و هم‌هشاش یکجا، شریک دزد و رفیق قافله هستند. آنها می‌خواهند ترقی یابد کی بود کی بود، من نبودم را بازی بکنند و تمام گناهان را به گردن رقبایشان بیاندازند. در مقابل جناح دیگر که خود را اصلاح‌طلب می‌نامد برنامۀ مشخصی برای برورفت مردم از این تنگنای خانمانسوز در دست ندارد و تا به حال ارائه نداده است. آنها با تکیه بر کلمات و اصلاحات و دیگر واژه‌های شیرین همه تلاششان را در راه مسابقه با رقیب است. آنها نمی‌دانند که این مردم در پی چه چیزی آنها را تا حدودی همراهی کرده‌اند. آنها در دام واژه‌ها اسیر و نمی‌دانند که چگونه این واژه‌ها را به عمل تبدیل کنند. بمانند این است

کوچک، کارگران جوان، زنان و کودکان بدون هیچگونه حقوق انسانی در پشت چرخ‌های خیاطی، دارقالی‌ها، تنور گرم نانوائی‌ها و غیره... تن خود را در معرض غیرانسانی‌ترین شرایط کار فرسوده می‌کنند. و تازه همین قانون فعلی هم اجرا نمی‌گردد. اینجاست که رژیم چیره واقعی خود را آشکار می‌کند که تا به کجا حامی محرومان است.

نیروهای به غایت ارتجاعی که خود را حامی اسلام ناب می‌دانند هرچند بار هوایشان یاد هندوستان می‌کند و در زمان احتیاج به فکر محرومان می‌افتند. آقایان اشکهای دروغین خود برای مردم بیکار و جوانان به راه می‌اندازند. که ای داد و بیداد و فکر بیکاری و تورم باشید، جوانان بیکار هستند و باید به فکر جوانان و تهای زندگی آنها بود. نیروهایی که به انحصارطلب معروف هستند برای مبارزه با جناح رقیب خود تاکتیک عمده‌کردن مسائل اقتصادی و تلاش برای حل آنها را برگزیده‌اند. اگر رقیب آنها در شعارهایش از توسعه سیاسی دم می‌زند، اینها به طور خودکار معضله‌های اقتصادی را که خود آفریده‌اند، مطرح می‌کنند تا شاید بار دیگر بتوانند برگزیده مستضعفان سوار شده و به میدان تازی مشغول شوند، جناح تسامت‌خواه رژیم فکر نمی‌کند که مردم و همان

آمده، می‌گوید که من را به جرمی که مرتکب نشده‌ام به محل زندان جوانان آورده‌اند. در محل کارشان مبلغ ناچیزی از جیب کارگر دیگری مفقود گشته و به او مشکوک شده‌اند، او را زندانی کرده‌اند. جوان دیگری در اثر نبود سرگرمی مناسب خواسته به دوستانش نشان دهد که می‌تواند یک کار خارق‌العاده انجام دهد و از دیواری بالا می‌رود و دست به سرعت می‌زند و دستگیر شده و روانه زندان می‌شود. او می‌گوید که می‌دانم که زندگیم دیگر جای گذشته خود را نمی‌گیرد. اینها نتیجه سیاست‌های پرباد دهنده مدعیان دروغین مستضعفین است.

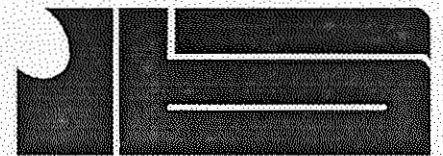
در ایران در زمان افتتاح مجلس ششم اطراف مجلس پر از ماشین‌های کهنه مستعلق به نمایندگان تازه‌کار می‌شود. مردم تیزبین فوراً گفتند که باید منتظر بود و دید زمانی که دوره نمایندگان تازه‌کار تمام می‌شود و آن وقت آنها را دید. دیگران هم اول با ماشین‌های کهنه آمدند و با ماشین‌های آخرین مدل مجلس را ترک کردند. کارگران ایران در اعتراض به قانون ضد کارگری عدم مشمولیت قانون کار در کارگاه‌های کوچک، تظاهرات کردند. آنها به درستی می‌دانستند که کارفرمایان از این پس خیلی راحت‌تر می‌توانند با کارگران مانند بردگان رفتار کنند. در محیط‌های کارگاه‌های

## نیم‌نگاهی به وضع مردم

ادامه از صفحه ۱۰

زمان سازندگی پس از جنگ، دسار از سفره خالی مردم در آورد. با سقوط نرخ ریال و حذف سوبسیدها و دیگر سیاست‌های ناخبردارانه آقای رفسنجانی و شرکاء سفره خالی مردم را هرچه خالی‌تر کردند. آنها توانستند بر اموال خود و خانواده‌شان بیافزایند. دیگر آخوندها و بازاری‌های حامیشان می‌دانستند که چگونه برای مستضعفین اشک تمساح بریزند و در خفا کیمه‌های خود و اطرافیان را پر کنند. محسن رفیق‌دوست‌ها بر نهادهائی تکیه زدند که نام مستضعفین را بر خود نهاده بودند. حاصل کارشان دزدی‌های میلیاری شد که گند کار در بعضی مواقع خودشان را هم خفه می‌کرد. مرتضی رفیق‌دوست برادرش به جرم غارت اموال مردم به زندان افتاد، بزرگ‌ترها مصونیت داشته و کسی از آنها بازخواست هم نکرده و نمی‌کند. در حالی که زندانها از کسانی که دیو فقر آنها را به تباهی کشیده، آکنده شده است. جوانی که از شهرستان برای کار به تهران

که تمامی حکومتیان فقط می‌توانند از واژه‌ها استفاده کنند. در این بین تنها مردم هستند که با دهانی خشک و گلوئی تشنه بهبود و وضشان در فکر چاره هستند. خبرنگاری خارجی ار اوج انتخابات مجلس ششم گزارش می‌داد که در اینجا همه چیز حرف زده می‌شود ولی معلوم نیست که چگونه می‌خواهند این واژه‌ها را عملی کنند. کسی نمی‌داند برای اصلاحات چه برنامه‌ای وجود دارد و از چه راهی می‌خواهند به اصلاحات برسند؟ در غرب اصلاحات و انقلابات بورژوائی و علمی صنعتی با برنامه مشخص تغییر یافت جامعه را هدف قرار دادند. لیب‌رالس و کمونیسم به عنوان مکتهای فلسفی، سیاسی با برنامه‌های مشخص اقتصادی و اجتماعی در اروپا و آمریکا به میدان آمدند. بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا رفرفرم‌های اقتصادی معین در جهت بازسازی اروپا با برنامه بودند. در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی سیستم رفاه عمومی در بخشی از اروپا با برنامه‌های اقتصادی و رفاهی مردم دچار تغییر و رشد شدند. در هر عرصه زمانی می‌بینیم که در بافت جامعه وارد میدان شده‌اند. بخش به نام اصلاح طلب حکومتی بافتی متناقض و افکاری ادامه در صفحه ۹



چهارشنبه ۲ شهریور ۱۳۷۹ - ۲۳ آوت ۲۰۰۰ دوره سوم - شماره ۲۳۹  
 KAR. No. 239 Wednesday 23. Aug. 2000  
 G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
 دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136

آدرس کار در اینترنت:  
 آدرس پست الکترونیکی:  
 تک فروشی:  
 بهای اشتراک: اروپا: شش ماهه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

Verleger: I.G.e.v  
 I.G.e.v آدرس:  
 Postfach 260268 22 44 20 32  
 50515 Köln 37 05 01 96  
 Germany Stadtparkasse Köln نام بانک:

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: Name:.....

نشانی: Address:.....

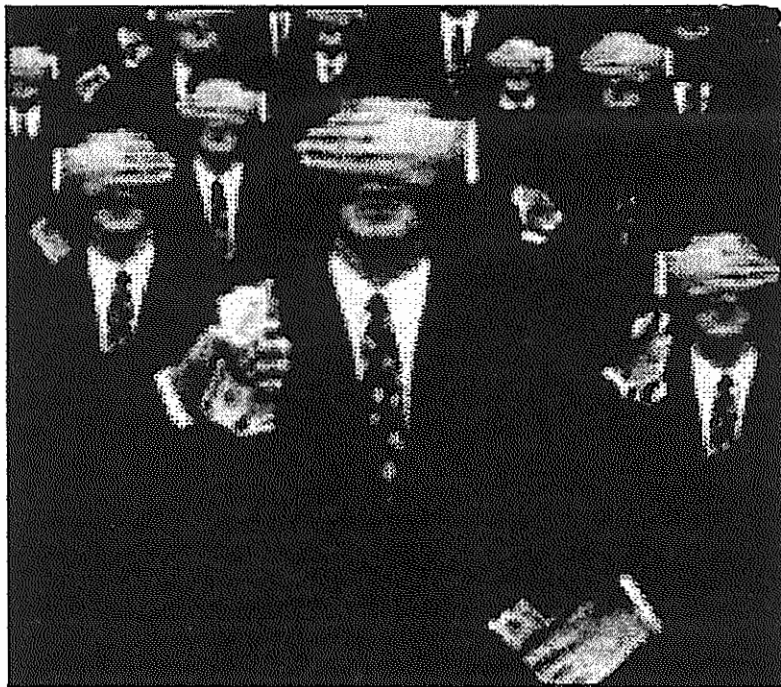
فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس: پست کنید!

## دیکتاتوری جهانشمول سرمایه‌داری مالی

جان زیگلر

ترجمه: یوسف عزیزی بنی طرف



### چه باید کرد؟

سرمایه‌های سترگی با سرعت نور، جهان را در می‌نوردند؛ به طوری که سرعت انتقال نامه‌ها از هر سیستم اطلاعاتی به هر بانک آزاد در ژنو، بالغ بر سه میلیون کلمه در ثانیه است. طی سال ۱۹۹۹ روزانه ۳/۵ تریلیون دلار مبادله «کالا و سرمایه» در جهان انجام گرفته است باید دانست که (یک تریلیون برابر ۱۰۰۰ میلیارد است) کمتر از ۶ درصد این مبلغ بزرگ، برای تسویه یک معامله تجاری به کار رفته است.

اقتصادی که بر جهان چیره است، اقتصادی فرضی یا الکترونیک است و فرآورده ارزشی آن، شان گذشته را ندارد، هم‌اکنون سودهای فراوانی بر اثر بورس‌پازی و به واسطه بورس فرضی به دست می‌آید. روابط میان دو نیمکره شمالی و نیمکره جنوبی دچار دگرگونی اساسی شده است. این امر در مورد اندیشه ضد امپریالیستی نیز صدق می‌کند که به شیوه انتقادی با این روابط برخورد می‌کند.

سرمایه‌های همیشه متحرک به جایی می‌رود که بتواند سودهای فراوان به دست آورد و هرگاه منحنی سود در آنها پائین بیاید این مکان‌ها را ترک و به این ترتیب، زنجیره‌ای از بحران‌ها را در اقتصادهای حاشیه‌ای ایجاد می‌کند. این مسأله‌ای بود که برزیل طی سال‌های ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ با آن رو به رو شدند.

مهمترین مقاومت در برابر این وضع که نیاز مبرم به پشتیبانی نظری و عملی فراوان دارد، مقاومتی است که سازمان «آتاک» رهبری آن را به عهده دارد. سازمان آتاک در سال ۱۹۹۷ به ابتکار «لوموند دیپلماتیک» و پاره‌ای از اندیشمندان فرانکوفون «هواداران زبان فرانسه» ایجاد شد. این سازمان در کار خود بر منطق «جیمز توپان» اتکا می‌کند که برنده جایزه نوبل در اقتصاد و مشاور پیشین اقتصادی جان اف کندی رئیس جمهور سابق ایالات متحده آمریکاست. این منطق می‌گوید: «تحلیل مالیات بر سرمایه‌های شناور، همان بهره‌های منفی است» (و تابع طبقه‌بندی بر حسب مدت سرمایه‌گذاری در مکان معین است). نتیجه مالیات توپان به صندوقی جهانی می‌رود که توسط سازمان ملل اداره می‌شود و برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های ساختارهای زیربنایی بهداشتی و آموزشی در مناطق بسیار فقیر دنیا از آن استفاده می‌شود. این نتیجه برای پیشرفت نیروهای تولیدی در اقتصاد کشورهای جنوب نیز به کار می‌رود.

این ناهمبازی‌ها، دینامیسم منفی ایجاد می‌کنند؛ به طوری که طی مدتی کوتاه ثروت‌مندان، ثروت‌مندانتر و تنگدستان، تنگدستر و فقیرتر می‌شوند. در سال ۱۹۹۸ درآمد ثروتمندان ۸۳ برابر درآمد ۲۰ درصد از مردم بسیار فقیر بوده است و امروزه میانگین درآمد در هفتاد و دو کشور، کمتر از آن چیزی است که بیست سال پیش بود. طبق برنامه توسعه ملل متحد، امروزه تقریباً دو میلیارد انسان در حالت فقر کامل به سر می‌برند بی آن که درآمد ثابت، کار منظم، مسکن مناسب و شرایط بهداشتی یا غذای کافی داشته باشند.

برای نمونه، مشکل سوءتغذیه را در نظر بگیرید که سالانه به فلج شدن یا مرگ ۹۵ میلیون نفر منجر می‌شود. سازمان «Action Contrela Faim» که یک سازمان غیر دولتی فرانسوی است در این زمینه دست به کوشش‌های آرمان‌گرایانه‌ای زده است. این سازمان می‌گوید: «شمار فراوانی از تنگدستان در مناطق مختلف جهان نمی‌توانند سدجوع کنند، زیرا تولید غذا با تقاضاهای همخوان است که بتوانند پول پرداخت کنند».

در اینجا ضرورت اصلاح شیوه وحشیانه سرمایه‌داری که هم‌اکنون بر جهان سایه انداخته است آشکار می‌شود، زیرا پایه‌هایی که باعث برپایی اقتصاد جهانی شده است عبارتند از عوامل تولید و توزیع و تجارت و مصرف غذا. کوشش برای تاکید بر جدا کردن اقتصاد از گرسنگی نه تنها سخیف بلکه جنایت است. لذا نباید مسأله مبارزه علیه بلای حرکت بازار آزاد را به کناری نیمه تا هر طور که بخواهد عمل کند. ژان ژاک روسو، ادیب فرانسوی، می‌نویسد: «در رابطه میان قوی و ضعیف، آزادی ستم روا می‌دارد و قانون آزادی می‌بخشد». آزادی کاملی را که بازار از آن برخوردار است، نمی‌توان با چیزی جز ستمگری تفسیر کرد، اما قانون، همانا نخستین تضمین‌کننده عدالت اجتماعی است. بازار جهانی به معیارها و عزم همراه با اراده جمعی ملت‌ها نیاز دارد.

همچنین برخی از ضرورت‌های مبرم و اساسی وجود دارد: همانند ضرورت مبارزه با کوشش‌های انجام‌گرفته برای دستیابی به بیشترین سود ممکن که به عنوان تنها محرک و انگیزه بر افراد مسلط بر بازار چیره می‌شود و نیز ضرورت نبرد با تسلیم در برابر فقر، که پیوسته بر مبادله کالا مسلط است و چیرگی بر ایدئولوژی سخیف لیبرالیسم نو که اغلب کشورهای غربی به شکل کورکورانه شیفته آن شده‌اند.

اداری تکیه دارند و به هیچ وجه با کاغذبازی موافق نیستند و حجم اندکی از ایدئولوژی آنها در تصمیم‌گیری دخالت می‌کند. این سازمان‌ها از مکتب پراگماتیسم پیروی می‌کنند. یعنی گام به گام عمل می‌کنند و در برابر دشمنان خود، به مخالفتی بسیار مؤثر و شیه مستمر دست می‌زنند و از این طریق آسایش را از آنان سلب می‌کنند. فعالیت‌های آنها بر اساس تحرک فکری و سازمانی ویژه‌ای انجام می‌گیرد و اهتمام خاصی به امتیازهای هر یک از سازمان‌ها - به طور جداگانه - نشان می‌دهند.

این سازمان‌ها طبقه‌بندی را در میان خود نمی‌پذیرند و از کلیشه‌های شدن زبان و شیوه‌های مبارزه و تحلیل و... نفرت دارند و نیز برای تبادل اندیشه‌ها و استمرار گفتگویی میان خود، شور و شوق فراوان نشان می‌دهند. دشمن خونی و همیشگی آنها، باندهای است. اغلب سازمان‌های غیردولتی بر ویرانه‌های جنبش‌های دهه شصت جهان سوم با گرفتند. برخی از آنها - که «والدن بلو» سخنگوی آنان است - توسط کمیونیت‌های مبارز قدیمی شکل گرفته و هدف آنان دستیابی به کوشش بیشتر در نبرد به‌خاطر تحقق عدالت اجتماعی بوده است.

به‌رغم تفاوت فراوان مبارزه هر یک از این سازمان‌ها با یکدیگر و به‌رغم مخالفت کاملشان با هر گونه نهادینه‌شدن یا هر نوع همانندی بین‌المللی، برخی از اصول مشترک، این سازمان‌های نوین غیردولتی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این امر آنها را قادر می‌سازد تا با سرعت فراوان و فعالیت‌های شگفت‌انگیز به کوشش‌های هماهنگ بین‌المللی دست یازند. این اصول براساس باورهای سه‌گانه زیر، که همه این سازمان‌ها را به هم پیوند می‌دهند، خلاصه می‌شوند: ۱ - ضرورت جایگزینی دمکراسی بنیادی در همه مناطق جهان و در همه عرصه‌های زندگی گروهی ۲ - مخالفت با نابرابری اجتماعی میان افراد و نسل‌ها و طبقات اجتماعی و میان ملت‌ها و قاره‌ها ۳ - و سرانجام، ضرورت تأمین و تضمین بالاترین حالت از حالت‌های محافظت از محیط بهداشتی و روانی هر انسان.

مقر سازمان شبکه جهان سوم در شهر بینانگ مالزی است. این سازمان چهار مجله به چهار زبان گوناگون منتشر می‌کند و بیش از ۱۰۰ سازمان غیر دولتی از مناطق مختلف جهان را در بر می‌گیرد. سخنگوی سازمان شبکه جهان سوم، «مارتین کور»، از مبارزان پیشین حفاظت محیط زیست است که اغلب کارهای خود را در ژنو انجام می‌دهد. «مارتین کور»، استراتژی سازمان‌های نوین غیر دولتی را به شکل زیر خلاصه می‌کند: «ریشه‌کنی بنیادهایی که منطق اربابان جهان براساس آن قرار دارد و توضیح عدم هماهنگی منطق دوگانه آنان و استناد به حقیقت».

### این سازمان‌ها علیه کدام جهان مبارزه می‌کنند؟

اینجا علیه جهان عمده‌ای مبارزه می‌کنند که باعث کشتارها با قربانی‌های فراوان شده‌اند. تثبیت قضیه کمبود غذا و گرسنگی و عقب‌ماندگی ساختارهای بهداشتی و آموزشی و حالت بیمارگونه‌ای که نیروهای تولید اقتصادی و نهادهای حکومتی در شماری از کشورهای جهان سوم از آن رنج می‌برند و نیز نابرابری‌های مسلط بر توزیع ثروت‌ها در جهان، ابزارهای این امر هستند.

اجرائی مرکزی دارد که هر سال ترکیب و مقر خود را تغییر می‌دهد. مقر دستگاه مرکزی آن در سال ۲۰۰۰ در هندوراس قرار دارد. ۷ - در آمریکای لاتین، جنبش دهقانی دیگری وجود دارد که همان جنبش لاکونای است. مبارزان این جنبش - که از تبار کریول یا سرخپوست یا سفیدپوست بودند - در ژانویه سال ۲۰۰۰ برای مدتی کوتاه در کیوتو - پایتخت اکوادور - به حاکمیت دست یافتند. این جنبش، رئیس‌جمهور را سرنگون و اقدام به مطالباتش کرد. این حادثه پیش از کودتای ارتش علیه نظام انجام گرفت.

۸ - این گونه سازمان‌های جدید غیردولتی که بخش عمده اعضای آنها - به طور اساسی - در تظاهرات مخالف کنفرانس سران در سیاتل شرکت کردند از کمک‌های سازمان تینک تانکز برخوردارند. این کارشناسان تشکیل می‌شود.

گروه‌های تینک تانکز از تجربه‌گسترده‌ای در عرصه‌های متعدد برخوردارند، از آن میان: مسائل آب، انرژی، پذیر، تهیه قیمت‌های کشاورزی، ساماندهی شبکه‌های بازاریابی، رانت مستغلات، ترابری، بیمه، سرمایه‌گذاری، ایجاد گروه‌های فشار و مسائل اطلاع‌رسانی و نظایر آن.

اغلب کارشناسان این گروه‌ها در عرصه‌های مشخص، تخصص دارند. آنان با دانشمندان بزرگند یا از مدیران پیشین شرکت‌های چند ملیتی یا از کارمندان عالی‌رتبه بین‌المللی و قدیمی صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی هستند. این کارشناسان، خود را وقف سازمان‌های غیردولتی در نواحی مختلف جهان کرده‌اند و با دستمزدهای بسیار پائینی با آنها همکاری می‌کنند.

بعنوان مثال، شبکه گروه جنوب، ائتلافی از گروه‌های تینک تانکز است که مقر اصلی آن در حراد - پایتخت زیمبابوه - است و در شهرهای ماناگا، اوگادوگو و مانایل شعبه دارد. بخش عمده این سازمان‌های نوین غیردولتی بر اثر مبارزاتی پدید آمده است که توسط ملت‌های جنوب رهبری شده و می‌شود. همچنین اخیراً شاهد پیدایش جنبش‌های پیشگامانه و نیرومندی در کشورهای صنعتی هستیم. خانم آن تیغور انگلیسی، سخنگوی سازمان «جویلی ۲۰۰۰» است.

جویلی ۲۰۰۰ یک سازمان مسیحی است که به منظور لغو فوری و نهائی وام‌های خارجی کشورهای جهان سوم، مبارزه می‌کند. این سازمان به موفقیت شگفت‌انگیزی دست یافت، به طوری که توانست طی کمتر از سه سال ۱۷ میلیون امضا برای طومار مطالبات خود گردآوری کند و آگاهی‌های مردم را در باره این مسأله بویژه در اروپا و آمریکای شمالی ارتقا دهد.

سازمان جویلی ۲۰۰۰، برای گفتگو با بانک‌های بزرگ و مؤسسات مالی بین‌المللی - وام‌دهنده به کشورهای جهان سوم - به شریک جدی کشورهای خواهان وام تبدیل شده است. به‌رغم تفاوت فراوان میان شکل‌های سازماندهی در این گونه سازمان‌ها و ترکیب اعضای آنها و عملیات یکپارگانه‌ای که رهبری‌اش را به عهده دارند، در مکان پیدایش و شیوه‌های مدیریت آنها، برخی از ویژگی‌های مشترک نیز وجود دارند که این گونه سازمان‌های جدید غیردولتی را به هم پیوند می‌دهند. اینها در فعالیت خود بر حداقلی از مصارف

### گروه‌اندیشه

کشورها و ملت‌ها - با همه اندوه و حسرت - از هم می‌گسند و یکی پس از دیگری، بویژه در اروپا، حق حاکمیت خود را از دست می‌دهند، تا به امروز، حکومت عام فرابین‌المللی پدیدار نشده و سازمان ملل، بویژه دست بسته باقی مانده است. اما امروزه پیشگامان جامعه مدنی، یعنی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در برابر سرمایه چندملیتی و انحصارگر مالی - که ظاهراً پیروزی بزرگی به دست آورده‌اند - قرار می‌گیرند.

در سوم دسامبر ۱۹۹۹، کوشش‌های کنفرانس جهانی در باره تجارت که در سیاتل «آمریکا» برگزار شد و ۱۳۵ هیات دولتی را دور هم گردآورد، با شکست روبه‌رو شد. از عوامل اساسی شکست این کنفرانس سران، تحرک سترگ سازمان‌های غیردولتی در نواحی مختلف جهان است که طی آن هزاران زن و مرد مبارز این سازمان‌ها برای ایراز مخالفت خود با این کنفرانس روانه سیاتل شدند.

این کدام شبکه‌های نوین است که مبارزاتی را در برمی‌گیرند و گاهی موفق می‌شوند کار سلطه‌طلبانی را متوقف کنند که با چپاول زنداند یا می‌توانند راهبردهای اربابان جهان را با مانع رو به رو سازند؟ اکنون شمار فراوانی از این شبکه‌ها - که پیشتر از طریق اینترنت کار می‌کردند - با هم ائتلاف کرده‌اند. بویژه می‌توان از شبکه‌های زیر نام برد:

۱ - شبکه جهان سوم که توسط «مارتین کور» اداره می‌شود و صدها سازمان محلی، منطقه‌ای و ملی - بویژه در کشورهای ثروتمند - را در برمی‌گیرد و هدف آن مبارزه برای لغو وام‌های کشورهای جهان سوم و دستیابی به شروط مبادله عادلانه و منصفانه است. مقر این سازمان در مالزی است اما «مارتین کور» در ژنو کار می‌کند.

۲ - سازمان‌هایی که برای عتد و کرامت کودکان مبارزه می‌کنند و علیه بردگی مستضعفان در اماکن تولیدی و برضد سازماندهی کودکان به عنوان سربازانی در ارتش‌های جهان سوم و نظایر آن پیکار می‌کنند. «کوک گیلپورگر» این سازمان‌ها را در شبکه‌های گسترده آورده است. اما «پی‌یرسانی» بعنوان هماهنگ‌کننده مبارزان سازمان عفو بین‌المللی فعالیت می‌کند. این سازمان بر قضیه احترام به حقوق بشر در هر جای جهان، نظارت دارد.

۳ - «تیپو بودی» بر سازماندهی شبکه‌های گرین پیس (صلح سبز) نظارت دارد.

۴ - «برنارد کاسین» و روزنامه «لوموند دیپلماتیک» پاریس بر تاسیس سازمان آتاک نظارت دارند.

۵ - باشگاه فقیران، سازمانی تایلندی و غیردولتی است که نخستین بار در سال ۱۹۹۵ توسط دهقانان متوسط و تنگدست تاسیس شد. این سازمان، امروزه بیش از ۱۰۰ هزار نفر را در برمی‌گیرد و فعالیت آن تنها محدود به دفاع از مصالح دهقانان خرده پا یا کارگران کشاورزی نیست و فراتر از آن است.

۶ - «فیفا کامپینا»؛ این سازمان از درون جنبشی به نام «بدون زمین» در برزیل سر برآورد و امروزه مسئول ۲۵۰ هزار عضو در بیش از ۶۰ کشور است. سازمان هماهنگی کشاورزان که توسط جوزی بوفی در فرانسه تاسیس شد، بخشی از سازمان لایفا کامپینا به شمار می‌رود. این سازمان یک دستگاه